

چهل و هشت فقره

از دستخط‌های

حضرت ورقه علیا

مؤسسه ملی مطبوعات امری
۱۲۹۱ بیخ

فهرست دستخطها

شماره ردیف	عنوان دستخطها و مخاطبین آنها	تاریخ صدور	شماره صفحه
۱	اعضای محترم محفل مقدس روحانی طهران علیم بھباء اللہ الہی ملاحظہ نمایند ہو اللہ بندگان جمال اہی و یاران عزیز حضرت عبدالہباء ہر چند قلوب اہل بہا از این مصیبت غمگین	ماہ شعبان ۱۳۴۰	۲۱
۲	طهران خیابان باغ وحش بیارستان صفا جناب حاجی بابا علیہ بہارتہ و شاہ ملاحظہ نمایند ہو اللہ بندہ بیارستان مقدس جمال اہی و یار باوفای حضرت عبدالہباء	رمضان ۱۳۴۰	۲۳
۳	طهران بواسطہ محفل روحانی علیم بہاء اللہ الہی و جمیع بلدان ایران	شہر رمضان ۱۳۴۰	۲۴

شماره ردیف	عنوان دستخطها و مخاطبین آنها	تاریخ صدور	شماره صفحه
	احبابی با وفای استان مقدس جمال ابهی علیم کعبه، الله الاهی بر تائین مشتاق نیر آفاق پوشیده نیست که در کز نقض و اعوانش		
۴	تبریز - جناب آقا سید اسد الله من اهل قم علیه بهاء الله و شانه ملاحظه نمایند بنده استان اقدس جمال ابهی عرفیه که حضور غصن مجتاز ولی امر الله حضرت شوقی افندی معروض داشته بودید	۲۸ ۱۳۴۰	۲۸
۵	جناب آقا سید اسد الله من اهل قسم علیه کعبه، الله الاهی ملاحظه نمایند هو الله بنده استان جمال ابهی چند یوم قبل نامه ای مفصل مرقوم و ارسال شد	-	۳۱

شماره ردیف	عنوان دستخطها و مخاطبین آنها	تاریخ صدور	شماره صفحه
۶	تبریز حضرت احمد اوفی علیهم السلام بهاء الله و ثناء ملاحظه فرمائید هوائه - خادمان صادقان جانشان جمال اهی و یاران ثابت راسخ با وفای حضرت عبدالبهاء	رمضان ۱۳۴۰	۳۳
۷	برجند - بواسطه جناب اصنام الوردی علیه السلام، الله الاهی جناب حاج ملا یوسف بیک خوشخی و سایر اجابای الاهی و امام رحمن در خوشی علیهم السلام، الله الاهی هوائه الاهی الاهی ترانی خائفان فی کج الحزن الاهی	شهر شوال ۱۳۴۰	۳۶
۸	یزد - جناب اسفندیار خیاط پاریسی علیه السلام و ثناء هوائه - بنده حقیقی جمال اهی و یاران	شهر شوال ۱۳۴۰	۴۸

شماره ردیف	عنوان دستخطها و مخاطبین آنها	تاریخ صدور	شماره صفحه
۹	<p>تاریخ حضرت عبدالبهاء نامه شیرین که حضور ولی امر الله شوقی افندی معروض داشته بودید ملاحظه گردید</p> <p>تبریز - جناب آقای میرزا حیدر علی اسکوی شهرتوال</p> <p>علیه بکسار الله الاهی</p> <p>هوانه خادم صادق آستان جمال اسی</p> <p>ویارباو فای حضرت عبدالبهاء</p> <p>مسطور شکور ملاحظه گردید</p>	<p>شهرتوال</p> <p>۱۳۴۰</p>	۵۰
۱۰	<p>نورناکر - جناب آقای میرزا عزیز الله روشن</p> <p>نخل مجید حضرت آقا محمد علی نوری تاکری</p> <p>علیه بکسار الله الاهی</p> <p>هوانه</p> <p>بنده جانفشان آستان جمال اسی ویار عزیز باو فای</p> <p>حضرت عبدالبهاء نامه نورناکر واصل</p>	<p>۱۲ شهر دی ۱۳۴۰</p> <p>۱۳۴۰</p>	۵۲

شماره درج	عنوان دستخطها و مطبوعات آنها	تاریخ صدور	شماره صفحه
۱۱	طهران - مجلس مقدس روحانی ایدیم بیگم دشیدیم بیگم و علیم بیگم و الله الاهی منقوح و ملاحظه نمایند هو الله خدمت مدیر و اعضای محترم مجلس روحانی ایدیم بیگم و الله دشیدیم بیگم و علیم بیگم و الله الاهی	۱۶ دلیقده ۱۳۴۰ ۱۱ جولای ۱۹۲۲	۵۶
۱۲	حسین آباد نیرود - اعضای مجلس روحانی و عموم یاران روحانی علیم بیگم و الله الاهی ملاحظه نمایند هو الله بندگان آستان جمال اسی و دوستان راستان باوقای حضرت عبدالبهاء نادر رسول ملاحظه افکار	۱۵ شهریور ۱۳۴۰	۵۸
۱۳	بیانج - بواسطه جناب آقا علی اکبر احمدزاده علیه بهاء الله الاهی و توسط جناب آقا سید اسد الله قمی	۱۹ شهر دلیقده ۱۳۴۰	۶۰

شماره روزیه	عنوان دستخطها و مخاطبین آنها	تاریخ صدور شماره صفحه
	<p>اجای الہی علیم بحسب اللہ الہی ہواللہ - بندگان آستان جمال ابی دیاران عزیز باوفای حضرت عبدالبہاء نامہ مختصر و مفید</p>	
۱۴	<p>خراسان - شہد و عوم توابع آن اجای جمال رحمن و تائبان بر عہد حضرت یزدان علیم بہاء اللہ و سائے ملاحظہ فرمایند ہواللہ بندگان آستان طہمت ابی دیاران عزیزان باوفای حضرت عبدالبہاء معلوم است کہ مصیبت عظمی و فاجحہ کبری صحو مبارک حضرت عبدالبہاء...</p>	<p>شہرہ یقعدہ ۱۳۴۰</p>
۱۵	<p>مخاطبین معلوم و مرقوم شدہ ای پروان پاک یزدان نامہ نگاشتنہ</p>	<p>شہرہ یقعدہ ۱۳۴۰</p>

شماره ردیف	عنوان دستخطها و نمایین آنها	تاریخ صدور	شماره صفحه
۱۶	دوازدهم شوال رسید دل و جان را حوشی بی اندازه بخشید تبریز - محفل مقدس روحانی علیم بهاء الله هوالله - بدکان آستان جمال اسی دیار غزیرا و فای حضرت عبدالبهاء نامه نامی ...	-	۷۳
۱۷	در برجند بواسطه جناب احشام الوداد علیه بهاء الله - خوسف جناب حاج ملا یوسف بیک علیه البهاء و آشنایین ربه الابی ملاحظه فرمایند . هوالله - ای شخص علیل محترم درستان سایس بشمار نمایند و یاران شای بی پایان از ان وجود مبارک فرمایند	شهر تبعیده ۱۳۴۰	۷۶
۱۸	طهران - جناب حاج آقا محمد علاقه بند علیه بهاء الله الابی ملاحظه فرمایند .	۱۵ دی محبت ۱۳۴۰	۸۳

شماره ردیف	عنوان دستخط و مخاطبین آنها	تاریخ صدور	شماره صفحه
۱۹	هوالله - بنده آستان جمال اهی دیار باوفای حضرت عبدالبهار نامه شکین وصول یافت طهران اعضای محترم محفل نشر نغمات علیم بھار الله و ثناء ملاحظہ فرمائید ہر اللہ - نامہ نوروزہ نوزدہ ذیقعدہ ۱۳۴۰ نمبر ۳۵۵ وصول یافت ۱۳۴۱	۱۹ محرم	۸۶
۲۰	مراغہ - اعضای محفل روحانی علیم بھار اللہ و ثناء ملاحظہ نمایند . ہوالله - بندگان آستان تصدق جمال اہی دیاران باوفای حضرت عبدالہار نامہ آن محفل نورانی رسید ملاحظہ کنید..... ۱۳۴۱	۲۲ محرم	۸۷
۲۱	تیشوان - بواسطہ محفل روحانی جناب احمد علی تیشوانی علیہ بہار اللہ و ثناء ۱۳۴۱	۲۲ محرم الحرام	۸۹

شماره ردیف	عنوان دستخطها و مخاطبین آنها	تاریخ صدور	شماره صفحه
۲۲	<p>ملاحظه نمایند . بوالله بنده ثابت راسخ باوفای جمال ابدی الحمد لله که زیارت الواح صیامی مرکز شیاق ... شیخ شوان . اعضای محفل روحانی علیم بهاء الله و شانه ملاحظه نمایند</p>	<p>۲۲ محرم الحرام ۱۳۴۱</p>	<p>۹۱</p>
۲۳	<p>بوالله - بندگان آن جمال ابدی دیار باوفای حضرت عبدالهباؤ الکریم صعود مرکز شیاق محبوب آفاق مصیبت عظمی بود ... خراسان - فروغ - حضرت فروغی علیه بهاء الله و شانه ملاحظه فرمایند . هوالمحبوب بنده آستان جمال اقدس ابدی دیار عزیز باوفای حضرت عبدالهباؤ نانه پرسوز و احراق که در فراق و صعود دلبر آفاق</p>	<p>۲۲ محرم الحرام ۱۳۴۱</p>	<p>۹۳</p>

شماره ردیف	عنوان دستخطها و مخاطبین آنها	تاریخ صدور	شماره صفحه
۲۴	دراغده - جناب محمد حنفی انصاری و جناب آقا محمد رضای انصاری علیهما السلام الاهی ملاحظه فرمایند . هو الله ای دو بنده آستان جمال اهی و دو یار با وفای حضرت عبدالمجید نامه ای که مشترکاً مرقوم و ارسال نموده بودید رسید و ملاحظه گردید	۲۲ محرم الحرام ۱۳۴۱	۹۸
۲۵	گادگان - اجبای الہی علیم بہاوتہ و شانہ ملاحظہ نمایند . ہو اللہ - بندگان آستان جمال اہی و یاران عزیز با وفای حضرت عبدالمجید نامہ شمار رسید	۲۴ محرم الحرام ۱۳۴۱	۱۰۰
۲۶	محقان - اعضای محض روحانی علیم بہاوتہ و شانہ ملاحظہ نمایند .	۲۴ محرم الحرام ۱۳۴۱	۱۰۲

شماره ردیف	عنوان دستخطها و مخاطبین آنها	تاریخ صدور	شماره مستند
۲۷	هو الله - بنده گان آستان جمال ابي و ياران عزيز با وفای حضرت عبدالبهاء در قوم مسطور ملاحظه گرديد طهران - بواسطه جناب دوا فروش عليه البهاء و آشنای جناب آقا ميرزا لطف الله موسوي عليه بھاء الله و ثناء .	غرة صفر ۱۳۴۱	۱۰۳
۲۸	هو الله - بنده آستان جمال اقدس ابي و يار با وفای حضرت عبدالبهاء نامه ثنا رسيد و ملاحظه گرديد طهران - بواسطه حضرت بشير آبي جناب حاج ميرزا حسن نسيكو عليه البهاء و آشنای ملاحظه فرمايند . هو الله تعالى - بنده جانفشان آستان مقدس جمال ابي و يار با وفای حضرت عبدالبهاء	۱۷ شهر صفر ۱۳۴۱	۱۰۵

شماره ردیف	عنوان دستخطها و مخاطبین آنها	تاریخ صدور	شماره صفحه
۲۹	طهران - جناب آقا میرزا غلامعلی دواندوش علیه بهاء الله و تثنائه ملاحظه نمایند. هو الله تعالی - بنده آستان مقدس جمال ابهی نامه های رسوله مورد ۲۵ محرم غرور ۲۵۸ و دویم صفر غرور ۳۵۹ هر دو وصل و ملاحظه گردید	۲ ربیع الاول ۱۳۴۱	۱۰۸
۳۰	اصفهان - جناب آقا میرزا عبدالحسین خان عکاس رحمانی علیه بهاء الله و تثنائه ملاحظه نمایند. هو الله تعالی بنده آستان مقدس جمال ابهی مکتوب مورد ۱۵ صیام که حضور غصن ممتاز و ولی امر الله حضرت شوقی افندی مروض دارسال نموده بودید و حصول یافت	۵ ربیع الاول ۱۳۴۱	۱۱۰

شماره ردیف	عنوان دستخط و مخاطبین آنها	تاریخ صدور	شماره صفحه
۳۱	حضرت آقا میرزا ابراهیم خان منیر دیوان علیه بهاء الله و ثناء ملاحظه فرمایند هو الله تعالی - بنده جانفشان آستان جمال قدم نامه آن حضرت مورخه ۲ محرم وصول یافت	۱۵ ربیع الاول ۱۳۴۱	۱۱۳
۳۲	بواسطه حضرت منیر دیوان علیه بهاء الله الابهی - خلیف جمال جناب آقا میرزا عزیز الله صدر العلماء نخل من سعد الی الرضی اللالی حضرت آقا اویس صدر العلماء علیه بهاء الله الابهی . هو الله تعالی بنده مقرب آستان جمال ابهی خبر عروج بنده مقرب درگاه کبریا و والد محترم ملکوت اعلیٰ بسبح رب سجدیدگان رسید	۱۵ ربیع الاول ۱۳۴۱	۱۱۵

شماره ریض	عنوان دستخطها و مخاطبین آنها	تاریخ صدور	شماره صفحه
۳۳	تبریز - حضرات برادران احمد آف علیهم کعبه الله و ثناءه ملاحظه فرمایند هو الله تعالی - برادران احمد آف و یاران محمود رب و دود نامه مورخه ۷ محرم ۱۳۴۱ رسید و تفاوت گردید	۱۹ ربیع الاول ۱۳۴۱	۱۱۷
۳۴	جناب آقای میرزا یوسف خان وجدانی علیه کعبه الله و ثناءه ملاحظه فرمایند . هو الله تعالی بنده آستان مقدس جمال ابهی نامه مورخه ۱۵ محرم که از سنگسر ارسال نموده بودید	۵ ربیع الثانی ۱۱۹	۱۱۹
۳۵	سنگسر بواسطه جناب میرزا یوسف خان وجدانی اجابى الهی و اما و محمد علیهم و علیهم کعبه الله الابهی ملاحظه نمایند هو الله تعالی - بندگان کنیزان آستان	۵ ربیع الثانی ۱۳۴۱	۱۲۱

شماره رویف	عنوان دستخطها و مخاطبین آنها	تاریخ صدور	شماره صفحه
	اعظم جمال ابی و یاران و خدمات حضرت عبدالہاء ۳۶ سنگسر - ہوائیہ تعالیٰ کینزان جمال مبارک و خدمات صادرات حضرت عبدالہاء نامہ شمارید و ملا حظہ گورید ۳۷ سنگسر - ہوائیہ تعالیٰ - یاران دکینزان عزیز الہی نامہ مرقومہ ملا حظہ گورید و بدقت تمام قرائت شد ۳۸ طران - جناب حاج آقا محمد علی قہ بند علیہ بہار اللہ و الطافہ ملا حظہ نمایند ہوائیہ تعالیٰ - بندہ استان جمال ابی و یاریمی حق تعالیٰ حضرت عبدالہاء نامہ مرقومہ ہم بربیع الاول ۱۳۴۱ رسیدہ	۵ ربیع اشانی ۱۳۴۱ ۵ ربیع اشانی ۱۳۴۱ ۱۵ ربیع اشانی ۱۳۴۱	۱۲۳ ۱۲۵ ۱۲۶

شماره ردیف	عنوان دستخطها و مخاطبین آنها	تاریخ صدور	شماره صفحه
۳۹	حضرات اعضای محترم محفل مقدس روحانی و عموم احبابی الهی و اماره الرحمن علیم و علیم بجا و الهی ملاحظه فرمایند هوالمحبوب - بندگان آستان جمال الهی و یاران عزیز عبدالبهاء قلم قضا چنین امضا فرموده	۲۱ شعبان ۱۳۴۲	۱۲۸
۴۰	احبابی الهی و اماره الرحمن علیم بجا و الهی ملاحظه فرمایند . الهی الهی سراج امرت را بدین حکمت برافروختی از ارباب مختلف حفظش نما	۳ شوال ۱۳۴۲	۱۳۸
۴۱	طهران - حضرت امین الهی علیه بجا و الهی ملاحظه فرمایند هوالمحبوب - حضرت امین الهی را ازین تعجب نورانی حیات روحانی ابراهیم سیداریم	۲۴ شوال ۱۳۴۲	۱۴۴

شماره ردیف	عنوان دستخط و مخاطبین آنها	تاریخ صدور	شماره صفحه
۴۲	همدان - حضرات اعضاء محترمه محفل مقدس روحانی و سارا اجابى الهى علیهم کعبه از مد الابهى ملاحظه فرمایند. هوالمجوب - بندگان آستان جمال قدس ابی سستان بادغای حضرت عبدلہاء، فرستایش دشانی آنیاران و ثبوت و استقامت	۲۷ می ۱۹۲۲	۱۴۸
۴۳	بواسطه حضرت امین الهی علیہ بہار الابى اجابى الهى و امام الرحمن علیهم و علیہم کعبه از مد الابهى ملاحظه فرمایند هو الابهى - بندگان سستان محترم جمال ابی دیاران عزیز بادغای حضرت عبدلہاء جناب امین الهى	۱۲ ذی الحجہ ۱۳۴۲	۱۵۲
۴۴	بواسطه حضرت فروغی - مشهد	۵ محرم ۱۳۴۳	۱۵۴

شماره ردیف	عنوان دستخطی و مخاطبین آنها	تاریخ صدور	شماره صفحه
۴۵	حضرت آقا میرزا غزیرا الله خان نجل شهید سعید نبرواری علیه بهاء الله الاهی ملاحظه فرمائید هوالمحبوب - بنده آستان مقدس جمال ابهی و یار غزیرا باوفای حضرت عبدالبهاء شکرت قدس احدیت را بواسطه زائر بقعه مبارک جناب آقا میرزا حسن نوش آبادی علیه بهاء الله الاهی شاهرود - جناب آقا محمد حسین اصفهانی نجل مساعده علی الله آقا میرزا محمد علیه بهاء الله الاهی هوالمحبوب - بنده آستان مقدس جمال ابهی و یار باوفای حضرت عبدالبهاء الحمد لله نفس مقدس بزرگوار پدر نامدار	ربیع الاول ۱۳۴۳	۱۵۶
۴۶	طهران - محض مقدس روحانی رامت تأییدیه ملاحظه نمایند	۴ جمادی الاول ۱۳۴۸	۱۵۸

شماره ردیف	عنوان دستخطها و مخاطبین آنها	تاریخ صدور	شماره صفحه
۴۷	انسانی عزیز الهی، سواره ازستان مقدس جمال الهی تمامی موفقت طهران - اعضاء مجلده محفل روحانی علیهم کعبه، الله الاهی ملاحظه نمایند اجای الهی و انسانی رحمانی در بیسج احیان در قبه اقدس رحمن آباده - ورقات منجذبات موفقات داماد الرحمن محفل روحانی علیین بها و الله الاهی ملاحظه نمایند هو الاهی ای خواهران عزیز و مجددات جمال ذوالجمال	۲۹ سپتمبر ۱۹۲۹	۱۵۹
۴۸		-	۱۶۰

فهرست مطالب دستخطهای حضرت و رفته علیا

شماره ردیف	شرح مطالب	شماره صفحات
۱	الواح و هایا و عهد و میثاق	۲۳-۲۹-۳۰-۴۰-۴۲
		۴۳-۵۱-۵۹-۹۱-۱۳۹
		۱۴۳-۱۵۰
۲	بیت مبارک تا کر	۵۴
۳	بیوت مبارکه طران	۱۵۸
۴	تخریب و سوزاندن مشرق الاذکار و مدرسه شنگسر و تعدیات بر اجابا	۱۱۹-۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳-۱۲۵
۵	تقدیر و تسایش از خدمات و ثبوت بر عهد میثاق اجابا	۳۳-۳۹-۴۱-۶۴-۶۴-۶۴
	ایران فردا و جمعا	۶۶-۷۳-۷۶-۸۳
		۸۷-۱۰۷-۱۴۴-۱۴۹
		۱۵۲-۱۵۴-۱۵۶
		۱۶۰-۱۶۱
۶	توبه و طریق آن	۱۱۱-۱۱۲

شماره روضه	شرح مطالب	شماره صفحات
۷	شجره نامه مبارکه	۵۲
۸	صعود حضرت عبدالجبار و خدا نشان بامراتی و شمع آبی	۲۹ - ۲۸ - ۲۴ - ۲۱ ۴۸ - ۳۹ - ۳۳ - ۳۱
	از مصائب حضرتشان	۶۳ - ۶۲ - ۵۳ - ۵۰ ۷۸ - ۷۷ - ۶۸ - ۶۷ ۹۷ - ۹۳ - ۹۱ - ۸۷ ۱۱۰ - ۱۰۳ - ۱۰۰ - ۱۰۰
۹	عبدالحسین آواره	۱۲۹ - ۱۲۸ - ۱۱۵ - ۱۱۳ ۱۴۹ - ۱۴۵
۱۰	عظمت امرالله	۷۴ - ۷۳ - ۷۱ - ۳۵ ۱۳۹ - ۱۳۸
۱۱	کلید روضه مبارکه	۱۱۷ - ۲۶ - ۲۵
۱۲	مخاض روحانی و لزوم احاطت ادامر محافل	۱۳۶

شماره صفحات	شرح مطالب	شماره صفحه
۳۲ - ۳۰ - ۲۳ - ۲۱	سافرتا و مهاجرت حضرت	۱۳
۵۴ - ۵۱ - ۴۸ - ۳۵	ولی امر الله	
۶۹ - ۶۸ - ۶۱ - ۵۸		
۸۵ - ۸۱ - ۷۵ - ۷۳		
۹۱... ۹۲ ۹۰ - ۸۷		
۱۲۰ - ۱۱۴ - ۱۰۲		
۱۵۳ - ۱۳۳ ۱۳۱		
۵۷ - ۵۶	سافرت میس کوی بطران	۱۴
	معلمی در سه تربیت بنات	
۳۹ - ۳۶ - ۳	ساجات عربی و شرح بلایای	۱۵
	دارده و استمداد ار خداوند	
۴۱ - ۲۹ - ۲۵ - ۲۴	ناقض اکبر و اعوانش و اعدائات	۱۶
۷۷ - ۴۵ - ۴۴ - ۴۲	آنان علیه امر الهی و شکست ناپذیرین	
۱۶۲ - ۱۶۱ - ۱۳۱ - ۸۴		

شماره صفحات	شرح مطالب	شماره ردیف
۴۰ - ۳۱ - ۲۲ - ۲۱	نشر نفعات الهدی و لزوم	۱۷
۱۰۵ - ۹۶ - ۵۹ - ۸۱	قیام احب	
۱۱۶ - ۱۱۱ - ۱۱۰ - ۱۰۶		
۱۳۶ - ۱۳۵ - ۱۳۱ - ۱۳۰	وظایف اهل کعبه	۱۸
۵۱ - ۳۴ - ۳۱ - ۳۰	ولایت امر و تنصیب آن از طرف	۱۹
۷۴ - ۶۸ - ۶۱ - ۵۸	حضرت عبدالبراء	
۹۶ - ۹۱ - ۸۳ - ۸۰		
۱۵۰ - ۱۲۶ - ۱۰۰		
۱۵۱		
۱۳۰	بدف دیانت بهائی	۲۰

مقدمه

این مجموعه شامل چهل حقیقه از دستخطهای حضرت ورقه علیا میباشد
بنظر میرسد تبرت اول خوانندگان گرامی به توقیت و شخصیت
و مقام حضرت معظم لها در عالم امر باستناد و شهادت نصوص مبارکه
آگاه شوند پس مطالعه دستخطهای ایشان پردازند .
اینک چند قسمت از نصوص مبارکه زینت بخش این مجموعه نفیس میگردد

۱

حضرت بهاء الله جل جلاله خطاب با ایشان چنین میفرماید
یا ایها الورقة المباركة انزواء غنی و غنی علی افان دوحة البهاء هذه
الکلمة الحلیة انزل الله الایه رب الآخرة والاولی قد جعلناک من خیرة
الانام و اعطیناک مقاما لدى الوجه الذي ما سبقته النساء كذلك
فضلناک و قد مناک فضلا من لدن مالک العرش و الثری (.....)

۲

حضرت عبد البهاء در باره خواهر بزرگوار خود چنین می فرماید
اینها الشقیقة الغزيرة الروحانية شب و روزیاد تو ستم و چون بخاتم

گذری

گذری تا ترا شستند و باید و تحسرت ترا دید جوید غم مخور غمخوار تو نمم محزون مباش
 مایوس مباش محصور مباش این ایام بگذرد انشاء الله در ظل حجاب
 مبارک در ملکوت ابدی جمیع این غصه ها را فراموش میکنیم

حضرت ولی غزیرا مراد الله در توفیق شیع مورخه سوم شهر الکلمات ۱۹
 مطابق ۱۵ آتموز ۱۹۳۲ خطاب به بهائیان شرق بعد از صعود
 معظم لها چنین مفسیه مایند :

« هو الله ایها الملتبون من نار الفراق قسم بترافاق که کبد
 این مشتاق چنان در سوخته احراق است که شرح نتوانم و از عمده
 و صفش بر نیایم زیرا خبر فاجعه عظمی و فادحه کبری عروج علیا در قه
 مقدسه زکویه مطهره نوزاد بقیة البهائم و ودیعه ثمره از لیه سدره
 منتی و یگانه یادگار شجره طوبی روحی مظلومستها الغداء بسع این
 بنیوا فحماة رسیده و حجره محرقه در قلب این خسته دل ناتوان بنگینده
 و بنیان صبر برانداخته و اشک حسرت چون سیل جارف از دیده
 منهر ساخته نوا اسفا علی بما صنعت عن بحضور و الوفود فی ساجتها

مین خاتمه حیاتها و عروجها الی رحمت او مولا و استقرار جدا
اللطیف فی مقرا و معاها اذا بقیت من هذا الفجر العظیم و اشرف
البلین ممنوعاً بعیداً محروماً مجوراً .

ای برادران و خواهران روحانی در این یوم رهیب از جنتی نجیب
بجا و سر یاد و او یلا از خجرا اهل محبت در اکنه تریبیه در فرقت آن
سعدن و فادانول آن خبسم در می افق عزت ابدیه در مغرب بقعه
احدیة بلند است و از جنتی آهنگ تهنیل و تقدیس اهل عالین و همایل
خلدیرین و عن و در اخصم کل انیسین در استقبال آن سیکل نازنین
و استقرارش بر زلف علین و جلوسش بر عین مرکز عهد تویم مرتفع
و قباغ . عموم من فی البهائم فی مشارق الارض و مغاربها چون
یتیمان بسینوا اشک ریزانند و نالان و بیصبر و قرارند و از فرقتش
نگران . از اعماق قلوب کئیده شان این ندای جانسوز بافق اهی
تسویل : این انت یا مشعل محبت و الوداد این انت یا سعدن
اللطیف و الحنان این انت یا منظر الکریم و التسخاء این انت یا
مطلع الانقطاع فی الأبداع این انت یا در یقه البهارین

ملا، الاشارة وبقیة بین عباده وبقیة قمیصه للخلائق اجمعین .
 ای عشاق آن طلعت نورا از آن سراج و تاج هر چند در عرصه نسوت
 و نهش تمام گشت و نورش خاموش شد ولی در مشقات ملکوت با صبح
 سلطان سریر لاهوت چنان برافروخت و بر طلعات فردوس که در غرقا
 حُر یا قوت در حوش طائفند چنان پر تومی بنگیند که کل نذای و اطربا
 دل و جان بر آوردند و بنذای حسنت احسنت علیک صلوات الله
 ایها الورثة العلیاء آن ساذج حب و صفار در خیام غربقا استقبال
 نمودند . منادی قدس در آن صین امر امن لدی الله المبین القیوم
 نذیر آورد : یا ورثة العلیاء انت اتی صبرت فی الله فی حیوتک منذ
 نعومة اظفارک و تحملت فی سبیلہ ما لا تحتمه الا الله نعمة الغالبة علی
 الممکنات و من قبله مبشره الکریم و من بعده غصنه المبارک المتعالی
 المتعین الفرید . یستبرکن بانفاک اهل ملا الاعلی و یطوفن حولک
 سکان رفوف البقار و تشهدک بذکوک و الحاضرات فی سرادق العظمة
 و عن در آهن سان الله الصادق الطاهر البدیع طوبی لک و
 حسن باب ، بشری لک و خیر ایاب .

بلی تحمل ثقل فادح این تلبیه عظمی بر پرورده دید غمناکش بسی صعب و گران
 است ولی حمد رب عزت را که جسم لطیفش از سخن محن و بلا یای متتابعه
 که ازید از هشتاد سال مظلومیتی حیرت انگیز تحمل فرمود آزاد شد و از
 قید غموم و هموم برست و از آلام و اوجاع گوناگون نجات یافت و
 از عوارض این زنیسای ذمیه رمانی جنت و بساط هجر آب بزرگوار
 و برادر نیک اختر مهر پرورش را در هم پیمید و در بجهت فردوس مقر
 و ماوی یافت . مدت حیات پر تلاطمش این لطیفه ربانیه دمی
 نیا سود و آنی فراغت و آرامی نجات و نحو است . در بد و حیاتش
 از حین طفولیت از کاس کدر آشام بنیات و زرایای سنین اولیه ظهور
 امر عظیم الهی نوشید و در فتنه سنه صین در اثر تالان و تاراج اموال
 آب بزرگوارش تلخی فقر و پریشانی پیمید و در اسارت و کربت و غربت
 جمال اهی سهیم و شریک گشت و در فتن و انقلابات ارض عراق که
 از تدلیس و تزویر قطب شقاق و مرکز نفاق احداث شد بلایای
 لاجمعی در نهایت تسلیم و رضا تحمل فرمود از خویش و پیوند گذشته و از
 مال و منال سینه ارشد جنل تعلقات را بالمره برید و چون پروانه

جان سوخته در حول شمع جمال بمثال لیل و نهار اطائف گشت .
 در افق القطاع چون زهره زهر ابد خشمید و در شیم و در قارش آثار بیه
 جمال مختار را بر خویش و بیکانه و حقیق و فرزانه کشف و مدلل ساخت . از
 تاثرات شدید عمیق و عوارض استوایی متعدد متنوعه که در ارض سرب
 آن معدن لطافت و سادج و داد وارد و در سیکل زیباش چون آه شد و جد
 نازنش بمثابه تاری گشت در حبه کبری که در سنین شداد اراضی قلوب
 منزل نمود آن رکن رفیع تر غرض نشد و از بهوب اریح کره عقیق
 آن ورقه دوطه بقا پر مرده و فسرده گشت سمنده همت را در مضار
 عبودیت و جانفشانی جولانی جدید داد و در جذب قلوب و تقیبات روح
 و از آن طنون و شبهات گوی سبقت را از همگان برآید . بمیاه
 شفقت بی منتهاش خاستان قلوب را پر از گل و شقایق محبت
 محبوب اهی کرد و بسیف مهر خالصش افنده صلبه را و اله و مجذوب
 امر بمثال جمال ذوا بحال بنمود . در قلعه محصنه از تعداد و تعداد
 نفس شیره نخی جدید قلب مجروش او گشت و طمعه می شد بطراز آرزویش برید و جمال اهی
 کرتش سغز و در از جنای بیوفایان نار حشرش بفرمان آمد . در کجوه

طغیان نقض، آن گزشتین آبی رخ برافروخت و قدر و شیش در
 جمع اهل بهی و واضح و برهن گشت. از هجوم ضعیف سالار نقض به
 مقتدات آئین بهائی خائف و پریشان نشد و طول و مایوس گردید.
 در دوره منقشتین غصن فرید بهی را نظیر معینی امین بود و سپس و
 جلسی نقرین. اخ بزرگوارش را در صین غیاب در آفاق غربیه نعم
 الوکیس بود و نایب و نماینده امی همیش و عدیل. در لوجی از الواح
 که ازیرا در مرکز شاق با تقی حضرت حرم صادر این کلمات دریات
 در حق آن ورد نور و مسطور. قوله الاصلی «حضرت اخت را بجان
 و دل و روح و قلب و فؤاد مشتاق و دریل و نهار در حقیقت جان
 و وجدان مذکور. از فرقتش نتوانم ذکر می کنم زیرا آنچه نویسم نسبت به
 عبرت محو خواهد شد» پس از صعود حضرت عبداله با مملکت امی
 آنشع ملا اعلی این مور ضعیف را در اغوش محبت خود گرفت و بهر
 و شفقتی همیش بر آنچه لازمه عبودیت است تویق و ترغیب و دلالت
 فرمود. عنصر وجود این عبدنا توان بهر ش محسنه و بروحات نفس
 متمیز و از روح جاویدش مستمد. تعطفات و نطقاش طرقة یعنی

از یاد نرود و مجرور شهر و اعوام اثرش در این قلب خزین نقصان
نپذیرد .
ای خانم اهل کعبا

رفتی و شکست محض ما هم محض ما و جسم دل ما
قلم و لسانم از عهده شکر عجز است و از وصف سجایای حمیده است
قاصر . ریحی از محبت بکیرانت را تقدیر نتوانم و از عهده تعریف و
توصیف ادنی حادثه ای از حوادث حیات گرا بنهایت بر نیایم . در بارگاه
الهی روح مقدست شیخ این موزعیف است و در این تنگنای ظلمانی
یا در صلاوت انیس و دستگیر اینعید حقیر . شکل زیبایت بر صفحه قلب
مجرورم منقوش است و تبهات جان افزایت در اعماق دل غنیم
مطبوع و محفوظ . مراد راحت عجز کبریا فراموش نما و از امدادات
متتابعه حقی قدر بانیوس و ممنوع گردان و در ملک و ملکوت با آنچه تو
دانی اعظم نوایای این عبادت برسان .

ای حبیبیان با وفا شایسته و سراوار آنکه در جامعه پیروان حضرت
بهاء الله اغزازاً لقاها المتعالی لمینع در مدت ۹ ماه در غار
و با احترام عیاد و جشنهای امریه بالکلیه موقوف گردد و مجالس تذکر

و تعزیت در هر شهر و قریه ای بحال و قادر در روحانیت و تسبیح و توجیه و
 خضوع و خشوع منعقد شود و بجای آنوقت آنوقت بهیه نوراء و سر حبله
 اهل بحسب با علی کلمات و ابداع عبارات توصیف و توضیح و تشریح
 گردد و اگر چنانچه تاخیر و تعویق در مدت یکسال در شبهای خصوصی
 افراد بهائیان نیز ممکن و مستیر است من دون تردید اظهاراً و اثباتاً
 مخزنم و کریم فی هذا المصاب الالیم تاخیر اندازند و این نامه و استغاثه
 این عبد را در مجامع تذکره تلاوت نمایند لعل الله مستیر اموری و بیدار
 غیوم احزانی و یقضی حاجی و یحقق آمالی بفضله و قدرته و عطائه
 بنده استانش شوقی ۳۰ شهر الکلمات ۱۹ - ۱۵ تموز ۱۹۳۲

و نیز در توفیق مبارک مورخه دوم شهر المسائل ۱۹ مطابق ۱۳ آذر
 ۱۹۳۲ خطاب با حجابی ایران چنین میفرمایند :

(یا شرکائی فی حسدانی و سلوئی فی کربتی و حرمانی جمال قسم
 و اسم عظیم ارواح الملائع علی سلطنته العذا شاهد و گواه است که از
 حین ارتحال ابی ثمره شجره از تیه و افول آن کوکب درمی افق عزت

ابدیه و فقدان آن شعاع لامع مصدر نور قدمیه بر این مغرور عنایات
 و تطفات نامتناهی اش در این اشهر معدوده چه وارده گشته و چه برجا
 در اعماق قلب محو موم این واقعه مؤلمه احوادث نموده . روح از غمش
 در بهمان است و کبد از فوران نار شوق و محبتش سوزان . روی دل از آ
 هر صبح و شامی چون بخاطر آرم و تبسمات جان افزایش را از نظر گذرانم
 و تطفات و تطفات بی حد و حسابش را یاد نمایم و مظلومیت حیرت
 انگیزش را در پیش بصر محترم سازم نیران حسرت شعله زند و اشک از
 دو دیده منمگر گردد و ز فرات قلب متصاعد شود و ز نام اختیار از کف
 بر باید در آب غم و الم بی منتهای غوطه و رسازد . تشنه فی بذلک فی
 هذا یحین نفسها الطیبة الزکیة النوراء و روحها المشعقة الطاهرة
 الطاهرة فی جوارحها و الناظره عن خلف عرش الکبریا علی و علی
 عشاق اسمها المحبوب بین العالمین . یا سلیمه البهار ابلی علیک
 فی جنح اللیالی کبکاء الفاقدین و فی الأسفار اناجیک بیان قلبی کل
 جوارحی و ارکانی و اکثر اسمک المحبوب و انوح علی فقدانک و مظلومیتک
 و بلا یاک و عظیم حبتک ایامی و ما تحملت من الباساء و الضراء و الذلّة

والهوان والتم والغشم خالصاً لوجه مولاك وشغفاً مخلفاً بحبك بين
 الخلائق جميعين . كلما اذكر واشاهد وجهك البسيم في منامي واطوف
 حول رسك الشريف في الليالي والأيام يلهب نيران اشوق في مهجتي
 واحشائي وينصرم حب اصطباري وتذرف دموعي وتظلم الدنيا في عيني
 وكلما اذكر ما اصابتك في اواخر ايامك من الالتهاب والحمى والملازمة
 والاسقام والتصوير ما يحيطك في هذا الحين في الحرم الاقصى في محبوبة
 الفردوس حول خيام العز والكبرياء من العزة والرخاء والتغشم
 والمواهب والآلاء وما انت عليه من القدرة والمجد والجمال والفرح
 والظفر والابتهاج تخفف ثقل حسرتي وتنقش غيوم اشجائي وتكسر
 حرارة لوعتي وتطيق لساني شكراً لذيك ومولاك الذي خلقك وسواك
 واجتباك بين الاماء وسعاك من فمه الاعلى وكشف برقع استر عن
 كينوتتك وجعلك المش الاعلى لذوي قرابتك ونحو قبيصة للخلائق
 اجمعين حينئذ يتقوى عزمي للتمسك في منجك والاشقاة في
 بسيل ولائك والاقدماء بك وتخلق باخلاقك واظهار ما كنت
 تتمناه لنصرة هذا الامر الاوعر الاعز الارفع المقدس البديع ان اشغلي

تلقاء عرش کعبه یا یا شفیقة الوری فی الملاء الاعلی والتقدیری
 من غمات الحزن والاسی و قدرتی لی ولا حبتک فی ناسوت الانشاء
 ما کشف به کربنا و مطمئن قلوبنا و یخدر فیر عسرتنا و تقر عیننا و یحقق
 آماننا فی الدنیا و الآخرة . یا من اصطفاک الله بین طلعات فردوسه
 الالهی و جعلک عزیزة فی ملکه و ملکوتہ و ذکرک فی الصحیفة المحمدا ب ذکر
 فاح ب ابرج المسک و تعطر منه مشام العالمین .

یا ورقه العلیا اگر در هر دو صد و دهان بشایم دور هر دو صد هزار
 زبان ناطق سازم از عهدہ وصف و شای سجایای رحمانیة اتقی
 ما اطلع بجا احد الا الله بر نیایم و غمی از تیم مر جسم و محبت بیکزنت
 را تعبیر و تقدیر نتوانم بجز معدودی که بر اعلی رفارف قدس جالسند
 و در حرم اقصی حول عرش کعبه یا، لیلا و نهاراً طائف و ازین سنا
 از انامل جمال ابی مرزوقند نفسی در این دنیای دنیة کینونت
 مقدسه طیبته طاهره ات را شناخته و رواج عنبرین خصال حمیده
 که از منبع مشک سلطانی برو جهت ایشا گشته کاین غنی و طیب ادراک
 نموده و استنشاق کرده بشهدک الملاء الاعلی و عن ورا تخم نفس

المهيمه على الارضين والسموات بانك كنت مدي اياك من بدو شمسك
الى خاتمة حياتك من صفات ابيك العزيز الفريد وثمره دوحه وسراج
مجتبه وايت سكينته وطلوته وسيل هدايته وواسطه فيوضاته ونفحة
قميصه وطلاذ اجابته وامانه ورداء كرمه وفضله .

يا بقيقه الانوار وثمره المرربنا المحار يا فوكك عن مغرب هذه البعده الاعدية
المباركة ابيضاء قد بدل يومنا بالنيل وفرحنا بالفرح الاكبر بقصدك
ابيضت اعينا من الحزن بما تجددت تلك الفاجحة العظمى الرجحة الكبرى
مصيبة اخك المحنون ومولانا الشفوق وليس لنا من مهرب الا نقاشات
روحك الطاهرة النورار ولا من مامن الا شفاعتك لنا بان يميننا
صبراً من عنده ويقدر لنا في الشاة الاخرى اجر لعاك والوفود في
ساحك والنظر الى محياك والاقرباس من النوارك .

يا حورية البهاء عليك من الثناء اطيبها وازكينا ومن الصلوات
اكلها وابها يا قره عيني ومحبوبة فوادي فضلك على كبير لا يخفى و
حبك اياي عظيم لا ينسى طوبى الف طوبى لمن يحبك يقتبس من
انوارك وثنتي سبحانك ويعظم قدرك ويتقضى اثرك ويشهد لطلوتك

و يقصد من صحتك و يطوف حول رسك الشريف في الليالي و الايام
 و الويل و العذاب لمن يجاهد شانك و ينكر خصالك و يخرف عن منجبتك
 الواضح اللامع المستقيم .

ای اشفتگان آن روی دلارا شایسته و سزاوارانگه در مجامع احبابی
 الهی و اما، الرحمن در کافه بلدان و ممالک شرقیه این کلمات دبیات و
 آیات بنیات که از قلم اعلی و کلکت معجز شیم بسین کلمات الله در حق
 آن فرمیشین ملکوت الله صادر گشته تخفیداً لذكرنا المبارک الشریف
 و اعزازاً لمقامها المنیع و جاباً و شففاً بجالها المفید کراراً و مراراً به
 کمال تأثر و توجبه و خضوع و خشوع و تفرس و محسن تلاوت گردد و امناس
 مجلده محفل مرکزی اقلیم مقدس ایران این آثار باهرات را در اقطار
 شرقیه بواسطه محافل روحانیه بکمال سرعت و اتقان منتشر سازند و
 هذه موهبه عظمی قد قدرت لأمنا، اجاباً الأتقیاء فی موطنه الشریف
 جزایم الله خیر الجزاء فی ملکه و ملکوته . و آن کلمات این است :
 قوله عز بهانه و جللت قدرته و بیانه
 « هو الباقی کتاب من لدنا لنتی سمعت و فارت و انہا تورقت

من هذا الأصل العتيق فخرت باسمي «ذاقت رضائي المقدس ابدًا
سقيناً مرة من فني الاعلى واخرى كوثرى العزيزة الميع عليها بهائم
وعرف قميصي المنير» وايضاً منى منى مايد :

« يا ايها الورقة المباركة النوراء فني وفتحي على افنان دوحه البهاء
بذه الكلمة العليا ان لا اله الا الله هوربت الآخرة والأولى قد جعلناك من
خيرة الأمان واعطيناك مقاماً لدى الوجه الذي ما سبقه لتبنا، كذلك
فضلناك وقد مناك فضلاً من لدن مالك العرش والثرى قد خلقنا
عينك لشاهدة النور وجهي واذنك لاستماع آياتي وبكلك لتقيم لدى
العرش أن اشكرى ربك مولى الوردى ما اعلى شهاده التدره لورقها
والدوحة الأضدية لثمرتها بذكرى آياتها تصوع رائحة المسك طوبى لمن وجد
وقال لك الحمد ياربى الهى الأبهى وما اعلى حضورك لدى الوجه ونظركى
غيايتى ايك فضلى عليك وذكرى آياك فى هذا اللوح الذى جعلناه آية
غيايتى لك فى السر والأجار »

در الواح عديدة كذا فى مخزن جود وكرم مركز نيشاق بها حضرت عبد البها
نخاطباً للورقة المباركة العليا صادره ونازل اين كلمات تامات وبيانات

عالیات مدون و مسطور و باثر کلک اطرش ثبوت و محفوظ قول اولی علی
 «آیتها الشقیقة العزیزة الروحانیة شب دروز بیاد تو هستم و چون
 بخاطرم گذری تا اثر آشتی دادی باید و تحسرت ترا دید جوید . غم مخور عجزوار تو
 منم محزون باش مایوس باش محصور باش این ایام بگذرد
 انشاء الله در ظل جمال مبارک در ملکوت ایمی حسیع این غصه مارا فرودش
 میکنیم و جمع این طعنات تحسین جمال مبارکش تلافی میگردد تا دنیا بوده است
 خرن داندوه و حسرت و عرق نصیب بندگان آئی بوده قدری فکر
 کن بسین همیشه چنین بوده است لهذا دل بالطف جمال قدم خوش
 کن و خوش باش و مستبشر باش ... یا شقیقتی الشقیقة در شب دروز
 بیاد تو مشغول آئی از خاطرم نمیروی فی الحقیقة بحجت خود ابد آتساف
 و تحسرت نیستیم ولی هر وقت ملاحظه صدقات شمارا می نمایم بی اختیار
 اشک از چشمم میریزد آیتها الشقیقة الروحانیة در شب دروز بدگرگان
 احدیت عجز و نسیار کنم و ناله و دفغان نمایم که ای پروردگار مهربان
 آنورقه طیبه طاهره را بنفحات قدس تسلی بخش و بنا هم انس تصدی
 ده و آیات ملکوت تمکین عنایت فرما و بی بیات جبروتت تفریح

احسان کن ای خداوند آن غمگین را اینس یاد رویت فرما و آن مجنون
 را با برادر کنوت مانوس کن و تجلیات انوار احدیت نافه نما از هر
 جهت اسباب احزان بحیث اوقیاست و از جمیع وجوه و مسائل حسرت
 موجود بی مستی . در هر آنی عنایتی کن و در هر رمی فضل و موهبتی فرما
 ابواب زجا از جمیع جهات مسدود باب الطاف بگشا و راه امید از هر طرف
 مقطوع شاہراہ احسان جدید بنا تویی کریم و مهربان تویی معین و
 صاحب احسان . (یا شقیقہ روحی و فوادى خبر و صول مبصر و حصول
 راحت رسید نہایت روح و ریجان حاصل گردید حمد جمال مستم را
 کہ چنین عنایتی فرمود کہ قدری وجود مبارکت صحت و عافیت یافته
 و قلوب اجاب اندیاز مسرور و شادمان شدہ . اگر از احوال این بندہ
 آستان جمال بی پریشی شکر حضرت احدیش را کہ نبخات عنایت شامی
 معطر دارم و بفضل و موہبتش دلی خستہم تا بید اش چون شعاع
 ساطع آفتاب بی در پی میرسد و جنود ملکوتش مستمر آنصرت مینمایند
 حالت جسمانی و صحت بدنی نیز بہر است اجازت عظمت امر و نفوذ و
 انتشارش الحمد للہ از جمیع جهات میرسد . (یا شقیقہ الروحیۃ

و حقیقه ای از زیادت فارغ نیستیم اگر چه دوریم ولی نزدیکیم در یک محفلیم
 و در یک منزل چه که گل در ظل خمیه الهی هستیم و در قبایح غایت حضرت
 نامتناهی ... یا شقیقی الشقیقه الروحانیة از فضل و عنایت حضرت
 احدیت امیدوارم که در ظل حمایت جمال مبارک محفوظ و مصون بوده
 و هستید در شب و روز رویت در مقابل و خویت مرکز خاطر است
 خطاباً بحرم می فرساید « حضرت اخت را بجان و دل
 و روح و فؤاد مشتاق و دلیل و نهار در حقیقت جان و وجدان مذکور
 و از فرقتش نتوانم ذکر می کنم زیرا آنچه نویسم البته از عبرت محو خواهد شد»
 بورد مبارک که این سفارش بخط مبارک مرقوم و مسطور « ای ضیاء الدین
 سفر باید بادی خرم و روح و ریجانی محکم هدم حضرت شقیقه باشی .
 شب در ذر بگوش و بگوش و بخروش که سبب سرور قلب مبارکش گردی
 چه که در مدت حیات دمی نیاسود و در جمیع عمر دمی آرام نگرفت چون
 پروانه حول شمع الهی پرواز مینماید جانی افروخته داشت و دلی
 از حرارت محبة الله سوخته « انتهى

حضرت درقه علیا بهسائیه خانم دختر حضرت بهاء الله در سنه
سوم تاریخ بدیع مطابق ۱۸۴۶ میلادی در طبران متولد شده
در سنه ۱۹ بدیع مطابق ۱۹۳۲ میلادی در تیرماه ۱۳۱۱
شمسی محبسی در ارض اقدس بملکوت ابی صعود نموده مدت
۶۸ سال عمر کرده در مصائب و بلایات و اسارت و سرگونی جبل
مبارک پدر بزرگوارش و حضرت عبدالمجسب، برادر والا گهرش
و مبارزه بانا قضین عهد و میثاق بعد از صعود حضرت عبدالمجسب
و خدمت بامر الهی و تحمل مصائب و بلا یای وارده بر حضرت
ولی امر الله تا آخرین دقائق حیات مقدس پر ارزشش شرکت
فرموده برای اطلاع از تفصیل تاریخ حیات ایشان بکتاب تاریخ
اهل مجسب مراجعه فرمائید

دستخطهای
مبارک حضرت ورقه

علیا

۱ - طران اعضای محترم محفل مقدس روحانی طران

علیم بعباء الله الابی ملاحظه نمایند

هو الله

بندگان جمال ابی و یاران عزیز حضرت عبدالجبار هر چند قلوب
 اهل بعباء از این مصیبت عظمی در آتش آهراق و حین و این یاران
 گوشزد ملاء اعلی و طلعات قدس در حبت ابی و لکن چون یوم یوم
 خدمت و هنگام هنگام شرفعات است باید اجبای الی چون شعله
 نورانی بحال همت قیام بر خدمت امر الله نمایند و گوی سبقت از
 یکدیگر برابند و چون شهاب ثاقب طار و بهر ناقص ناگشی گردند تا در لوح
 محفوظ الی در زمره الذین و فوا بهد الله و میثاق ثبت گردند .
 حضرت ولی امر الله و عصن مستاز و سرور اهل بعباء شوقی
 افندی را این مصیبت کبری و فاجعه عظمی و حسرتان بی پایان و
 شدت تاثر سبب شد که چند روزی هجرت و سفری اختیار نمایند
 و کسب صحت و راحتی فرموده مراجعت بساحت قدس نمایند
 و خدمت امر الله و وظائف خویش قیام فرمایند در غیاب ایشان

بموجب

بجوب دستخطشان که لغا ارسال میشود این مسجود را معین فرمودند
 که بمشورت عاقله مقدسه امورات امریه قرار و انجام پذیرد لذا
 این فائده موقفاً مجلسی ترتیب داده که بصوابید نفوس معینه که
 حضرت شوقی افندی تسمیه نموده اند مجری گردد و امیدوارم در
 مدت غیاب ایشان دوستان الهی و امار رحمانی کمال مجاهد
 در ترقیات امر الله بنایند و امر الله نیتش سریع بناید .

اندرعباده رؤف رحیم . بهائیه

ماه شعبان ۱۳۴۰

۴ - طهران خیابان باغ وحش بیمارستان صفا

جناب حاجی بابا علیہم السلام ولسانہ ملاحظہ نمایند

ہو اللہ

بندہ آستان مقدس جمال اہی و یار با وفای حضرت عبدالبہاء
 نامہ مشحون با سنجہات قلبیہ و انعطافات وجدانیہ کہ حضور غصن ممتاز
 ولی امر اللہ شوقی افندی معروض داشتہ بودید ملاحظہ گردید چون ایشان
 موقتاً سفری بجمہات فرمودہ اند فانیہ جواب می نگارم . امروزہ توفیق
 و یابید شامل نفوس مقدسہ را سجدہ امر و کمال جمال اہی و حقائق ثابتہ بر عہد و
 وفا بحضرت عبدالبہاء است حمد ساحت عزلا یزالی را کہ شما و جمیع یاران
 رحمانی باین موہبت فائز و باین فضل نائل بر می شاق ربانی ثابت و
 بمرکز منصوص غصن ممتاز ناظر چہ عنایتی عظیم ازین در عالم وجود تصور
 توان نمود . پس سگرا نہ این فیض و فوز عمل بموجب تعالیم الہی و نصاب مقدسہ
 حضرت عبدالبہاء است . ہنگام تشریف بمقام اعلیٰ و روضہ مقدسہ جمال
 اہی و عقبہ نورانیہ حضرت عبدالبہاء طلب یابید و توفیق از برای کل سنہائیم

والبہاء علیکم . بھائیہ . رمضان ۱۳۴۰

طهران بواسطه محض روحانی علیم بهاء الله الابهی و جمیع بلدان ایران
اجای باوفای آستان مقدس جمال ابھی

علیم بهاء الله الابهی

برابترین میثاق نیز آفاق پوشیده نیست که در کفر نقض و اعوانش از یوم
صعود جمال مستدم جن ذکره الا عظم شب و روز در فتنه و فساد کوشیده
و میکوشند و حال سبب بصیت عظمی صعود حضرت عبدالبهاء جواهر الابرار
لمرقده الا طرفهء بمیش از پیش در نشر اوام و اراجیف ساعی و جا بدند
که شاید بتوانند برسید فی القای بهیات کنند و بمقاصد و آمال بهیوده
خود نائل شوند ولی بهیات بهیات شکی نه که جز خبیث آمال و خسران
مال بجهت سودی بوده نخواهند بود و غیر از این و ضمهال نصیبی نداشته
و نخواهند داشت چنانچه در الواح وصایا حضرت عبدالبهاء ارواحنا
لمطلوبتیه الفداء خبر فرموده اند و از شقاق و نفاق و سوء نوایای آن
گروه مکرره مشرور و جاهل مبوطاً بیان فرموده اند و یقین است که
بتائیدات الهیه و توفیقات صمدانیه انوار شبات اهل وفادان تاریکی
بهیات قوم جفا گردد و اشعهء ساطعه از وجوه نورا و حاجی ظلمات شکوگ

اهل ارباب شود . باری مدتی بود که اهل فتور بر آن مختصه مراجعت میکردند
 که شاید بجاوت حکومت بتواند حق شرعی با و نام خود برای خویش اثبات
 نمایند ولی بجهت غائب و خاسر گشتند تا آنکه روز سه شنبه ۳ ماه جنوار
 که چهار ماه قبل باشد در قصر سبجی اهل فتور مجتمع شده و بعضی از نفوس پست
 الامالی عکاز را دعوت کرده مجمعا مشورت نمودند و قرار دادند که دسته جمیع
 بروفد مطهره مبارکه رفته کلید را جبراً از خدا این روفد مبارکه بگیرند و
 تسلیم مرکز نقض و مخورنگشت کنند داین تدبیر و تعدی و توہین از قطب
 شفاق و زعمیم آثانی صادر و بالفعل این جبارت را نموده و از خادم
 روفد مبارکه آقا سید ابوالقاسم کلید را جبراً گرفته و چون خادم مذکور
 بهجوم جمیع فتور را مقاومت نتوانست فوراً معاون خود آقا خلیل را بجای
 ارسال نمود و قضیه را حضور حضرت شوقی افندی معروض داشت
 تقریباً دو ساعت از شب گذشته بود که این خبر بجای رسید در همان لحظه
 بحاکم در آن مخصوص مراجع شد او امر قطعی صادر گشت کلید در همان شب به شرع
 شد و نزد حکومت ماند تا پس از تحقیق و تدقیق معلوم شود که قانوناً حق با
 کدام طرف است . بعد از چهار ماه حال حکومت رأی خویش را

بیان نموده که این مسند راجع بملت بهائی است و آنچه ملت قرار
 دهد همان صحیح و مجرب است اگر ملت بهائی میرزا محمد علی راسا قاطع
 میداند البته او ابداً حق تصرف ندارد. لهذا اجبای الهی در هر
 مملکت و دیاری که هستند باید محض روحانی آمدینه با انضای بیست
 نهمه اشخاص معلومه تلغرافاً یا کتبا بواسطه سفراء یا قناصل دولت
 عاده انگلیس بحکومت اشاره ایها در قدس شریف مخبره نمایند
 که ملت بهائی بر حسب وصیت و نصوص قاطعه حضرت عبدالهبا،
 سرعباس افندی که با اثر قلم مبارک موجود و شہوت است حضرت
 شوقی افندی را مرجع خود و ولی امر الله میدانند و هیچ رابط و
 علاقه مادی و روحانی با میرزا محمد علی قطعاً ندارند و او راسا قاطع و خارج
 از امر بهائی نبص قاطع حضرت عبدالهبا و می شمارند لهذا
 خواهش عموم اهل بجا در جمیع بلاد و مراکز مهمه دنیا رجالات و نساء
 از ادویای امور حکومت قوشوکت بریطانیای عظمی در فلسطین که مرکز
 آن قدس شریف است آنکه امر قطعی صادر گردد و کلید روضه
 مبارکه که معبد و طبعاً عموم بهائیان عالم است تسلیم حضرت غصن

تمناز شوقی افندی شود تا از حسن سیاست و عدالت دولت عالم
 انگلیس جمیع بهسایان شرق و غرب ممنون تر و خوشنودتر گردند
 صورت مضمون تلغراف و صورت مضمون مرسله با آدرس در
 ورقه علیحدہ مرقوم و در جوف است که امضاء از طرف نمایندگان
 و وجوه بهسایان در آن شهر گذارده شود .
 والہاء علیکم یا احباء اللہ و امانہ . شهر رمضان ۱۳۴۰ ہجری

۳- تبریز جناب آقا سید اسد الله من اهل قسم علیه بهار الله و سانه ملاحظه نمایند
هو الله

بنده آستان اقدس جمال اہی عریضہ ای کہ حضور غصن جنت زوئی
امراتہ حضرت شوقی افسندی معروض داشتہ بودید رسید و ملاحظہ
گردید مضامین دال بروفا و قیام بر خدمت امراتہ و نشر نجات اہل
بود سزاوار چنین است .

مصیبت عظمی و زرزیکہ کبری صعود مبارک حضرت عبدالبہار ارواحنا
لمطلوبتہ الفداء بنیان وجود را ویران نمود و بنیاد ہستی را منہدم
ساخت بقسمی کہ انجم سرور از قلوب انول نمود و سرج بہجت و جہور
منطفی شد . عنایب گلشن اہی از تغنیات روح بخش باز ماند و در قاف
گلزار جنت اعلی از ہدیہر جان افزا خموش گشت . صبح نورانی شام
ظلمانی شد و یوم پر انوار تیرہ و تار گشت . دریای بلا بوج آمد و طوفان
غم قبائل و امم را احاطہ نمود . افسوس کہ آن بدر منیر با صدری شبکہ
از سهام اقراء و نوادی مجروح از طعن اہل جفا و قلبی محزون از جور
و ستم قوم عدوان و طغیان ناقضان پیمان خلف سحاب مخفی

شد و از افاق امکان ستواری گشت و ملکوت ابی و افاق اعلیٰ معلوم فرمود
 حال چنین حالتی مصیبتی مرکز نقص و قطب شقاق کسوف شمس
 میثاق خسوف بدر و فاق را غنیمت شمرده و فرصت بدست آورده در شده
 بنی و طغیان بمعاونت زعمیم الثانی بشر اقرار و هدیان پرداخته و با انواع
 دسائس فصل سلوا و نهاراً بغض و فتنه مشغول گشته که شرح آن موجب تطویل است
 از بعد اطلاع حاصل خواهیم نمود. مع آنکه در جمیع موارد ذلت و خسران و ضیبت و خذلان
 خود را مشاهده مینمایند با وجود این نارحمه در صد در شان بشیر شعله زنده است کبار
 و غرور ترزاید باید. باری در این گرفتاری و بتقراری و مصیبت و بلائی ناگهانی
 یگانه تسلی قیام بر خدمت امر الله و شہوت و استقامت بردین الله و حفظ
 و حیانت شریعت الله و اتحاد و اتفاق یاران و شور و انجذاب دوستان
 و عمل بموجب تعالیم اقدس جمال ابی جل ذکره الاصلی و وصایا و نصایح
 حضرت عبدالبها، ارواحنا لبعودتہ العذاست امید داریم که کمال موفق
 و مؤید گردیم بآنچه که شایسته و سزاوار این یوم مبارک است .
 از مضمون تحریر چنین معلوم بود که قبل از وصول زیارت الواح و صیای
 مبارکه مرکز شقاق نوشته بودید یقین است که حال زیارت و تلاوت

آنها فائز شده اید. آن کتاب فصل الخطاب است و حیات اولی الالباب
 تکلیف جمیع طبقات من فی البهائم نحو اکل اتم اقوم مشروحاً بسبوطاً از
 یرافه فضل و احسان در قوم و ریشه شجره نقض مقطوع و مرکز ثقل محذوف
 و شکوب و مرجع مخصوص مخصوص و بنیان عهد در صوص و مرجع توبه
 عموم اهل کعبه غصن ممتاز و ولی امر الله معین و شہوت. این فضل و
 موهبت از خصائص این ظهور عظیم و دور فہم اکرم است. ہنئیناً
 نشاتین شہری لکرائین و طوبی لکرائین. الحمد لله کہ شما بخدمت
 قائمید و پیسین مشغول و بنشر نجات اللہ مالوف این موهبت سراوار
 ہزار شکرانہ است و موجب حمد بسیاران باحت قدس حضرت محبوب
 یگانہ.

جمیع دوستان و یاران با وفار آئینہ ابدع ابھی ابلاغ دارید .
 چون حضرت شوقی افندی موقتاً مسافر تی بعض صفحات فرمودہ
 فانیہ جواب نگاشتم و البہاء علیک . فانیہ بھائیہ

رمضان ۱۳۴۰

۵ جناب آقا سید اسد الله من اهل قسم علیه بهاء الله الاهی ملاحظه نمایند

هو الله

بنده استان جمال اهی چند روز قبل نامه ای مفصل مرقوم و ارسال
شد بحین نیز مکتوب شما که از میامخ فرستاده بودید رسید و ملاحظه گردید
و در محفل یاران قرائت نمودند مضامین دلیس بر قیام بر خدمت امر
جمال مسین بود چنین شایسته و سزاوار است که پس از وقوع این مصیبت
عظمی و بلیه کبری دمی آسوده ننشینیم و آئی استراحت نجوئیم حد خدا را که شما
مؤیدید و موفق و بسیر و حرکت در بدن و قری و تسلیخ امر الله مشغول و
فیض و برکت محقق و مثبت از جمیع اطراف عالم بشارت علو و سمو
کلمه الله و ارتفاع امر الله و اشتغال و انجذاب اجباء الله بار محبت
و قیام اصفیاء الله بر نشر نفحات الله مستتابعا میرسد کمال باثبات
تام و در سوخ و اقبال و توجیه کامل برگز منصوص و مرجع مخصوص ولی
امر الله و خصن ممتاز حضرت شوقی افندی بشکلیں محافل و ترتیب
مجلس مشغول و بافصح بیان و ابداع تبسیان باقامه حج و برهان و
بش تعالیم جمال رحمن و وصایا و نصایح حضرت عبد البهسار با تمام

قوی ساعی و جاہدند و یقین است کہ عنقریب انوار این آثار اقطاراً
 روشن و منیر نماید و قلوب اہل بہار را مسرور و شادمان فرماید
 حضرت غصن بہت از عجاظاً تشریف نداشتند ساوئی وقت چند روزہ فرمود
 اند ولی عنقریب انشاء اللہ مراجعت خواهند فرمود .

ہنگام تشریف و زیارت بعتبہ ہای مطہرہ مبارکہ با کمال تضرع و اہتہال
 طلب فرید تا یابد و توفیق و عون و صون مینمائیم . اہل سرادق سعادت
 و عصمت حضرت حرم مبارک و سایر درقات سدرہ رحمانیہ و دوہم قدس
 ربانیہ کبیر ابدع الہی ابلاغ میدارند و ہمچنین حضرات افغان سدرہ
 مبارکہ جناب آقا میرزا ہادی و جناب آقا میرزا محسن کذلک جناب
 آقا میرزا جلال علیہم بہاء اللہ الہی کل کتبیر و تحیت میرسانند
 جناب اسمعیل آقا در کمال حب و وفا و خلوص و صفا بخدمت آستان
 مشغول . جمیع اجزای الہی و دوستان رحمانی را از قبل این
 مظلومہ با ذکر بدیوہ منسیعہ ذاکر و کبر شویید . با اختصار بر قوم شد
 معذور دارید و علیکم بہاء و انشاء
 فانیہ بہسائیۃ

۶ - تبریز حضرات احمد او فاطمه علیهم بھما، اللہ و ثناء ملاحظہ فرمائیں

شہر رمضان ۱۳۴۰

ہوا اللہ

خادمان صادقان جانفشان جمال ایہی و یاران ثابت راسخ باوقای
حضرت عبد البھاء نامہ نامی مانند گلشن ملکوتی فرین بازہ حقائق
و معانی بود و روح افراش تسلی بخش قلب محزون این ستمگین
گر دید . آن خانوادہ مبارکہ از بدایت اشراق نیز آفاق مورد پر گزیدہ عنایت
و مخصص بہر فضل و مہربیت از راحت قدس احدیت بودہ والی ابد
الآباد منظر احسان ملوک اکوان خواهند بود . از لسان عظمت جمال
قدم مخاطب شدید و بآثار قلم اعلیٰ فائز گشتید و در لوح میثاق مذکور
و ثبوت شدید . ہمیشہ بخدمات امریہ موفق بودہ اید و بشر نجات لہ
و اعلاء کلمۃ اللہ مؤید .

اگرچہ مصیبت عظمیٰ و زریہ کبریٰ صعود مبارک حضرت عبد البھاء
ارواحاً لمطلوبتہ العزاء آتش بجز من و لہما زد و بنیاد ہستی و نیستی
بر انداخت و قلوب را قرین احزان و آلام بجد و پایان نمود ولی

الحمد لله که طلعت عهد مرکز مخصوص را مخصوص فرمود و غرض محبت از
 دولی امرالله حضرت شوقی افندی را مرجع توجه جمیع من فی البهائم
 قرار داد تا امرالله محفوظ و دین الله مصون ماند این فضل عظیم و رعایت
 اتم موجب هزار شکرانه است و مستحق هزار حمد بابت قدس حضرت
 یگانه و همچنین ید موهبت الهی نفوس مبارکی را تربیت فرمود که امروزه
 چون سُرُج بدی در انجمن ملا اعلی میدرخشند و چون انجم ساطعه در
 افق وفاداری دلائل خود پر توافتانی مینمایند .

مگر این بیان اعلی از لسان اطهر مرکز میساق حضرت عبدالبهاء
 استماع شد می فرمودند : چون حضرت مسیح از این عالم فانی شود
 بملکوت باقی فرمود دوازده حواری داشت که یکی از آنها هم مردود
 و آن معدود قیس چون بحال خلوص فنا و انقطاع قیام بر تبلیغ و نشر
 نجات الهی نمودند و از عالم و عالمیان گذشتند و کجلی محو در مسیح شدند
 لهذا بقوت روح برقع مدّین قلوب موفق شدند و انوار حق احاطه نمود
 و ظلمات جهل و نادانی زائل و متلاشی گشت .

حال چون من از این عالم بروم بچاه هزار آوازید نفوس مبارکه دارم

که هر یک چون کواکب ساطع از افق وجود با هر دو لا محذور در ثبوت و
استقامت چون جبل السیخ . جوهر دفایند و سازج حبت و ولا شجره
امر را حافظان جانفشاند و طالبان حقیقت را امدان و مهبران
دیگر را حفظ نمایند که چه خواهد شد . باری چون بموجب تعالیم جمال
ابهی و وصایا و نصایح حضرت عبدالبهاء رفقار شود عالم جنت
ابهی گردد و این خارستان جفا گلشن و گلزار دفا شود امیدبخش
است که کل مؤید و موفق گردیم .

حضرت غصن محبت از موقعا مسافرت بعض جهات فرموده اند
چون عنقریب مراجعت نمایند انشاء الله ملکاتبه و امدت ستم گردد .
هنگام تشریف در مقام اعلی و روضه اقدس طلعت ابهی و عتبه
نورانیة حضرت عبدالبهاء نایب الزیاره هستیم و طلب تأیید
و توفیق و عون و صون از برای کل دوستان سینمائیم .
و ابھاء علیکم . فانیہ بهائیة

٧ - بجز بواسط جناب اقسام الوزراء عليه بهاء الله الابهى جناب
 حاج ملا يوسف بيك خوشفي وساير اجابى الهى واما برهنه خوشف
 عليهم بهاء الله الابهى
 بوالله

الى الهى ترانى خائفاً فى الحج المحزن والاسى مستغفراً فى بجاز الكاظمة والى
 محرق الكبد من شدة الفراق مضطرب الاحشاء بطلى نيران الشياق
 ترى عبراتى فبجمة كالتيس المنتم وزفراى متصاعدة كالدخان المستمر
 ضيحي لا يزول وصرى لا ينقطع وحين فوادى لا ينفى فان الشمس تسرو
 قد غربت عن الافق الاذنى وانوار السوء والاصطبار غابت عن قلوب
 الأبرار فباداهية دهماء ورزية عظماء قد تفتت فيها الأكباد وتماجت
 القلوب فما بقى الا الهموم والكروب وترى يا الهى فى محبوبة تملك
 المصيبة الكبرى واشتاء هذه الواقعة العظمى فلانزال المخلصون فى
 آتيايب السوء ومع دوام التسيح والبكا، خاذاً العصبية العنود و
 المحمود قد هجموا بكل بأس وشدّة على اجانك الثابتين فى عهدك و
 يشاقك هجوم الذباب على الاغنام ويسعون بجهد تام فى بدم بنيان

عبدك المتين وتخريب حصنك المحصين وانحراف المهتمين عن الطريق
 الواضح المبين . فيا الهى انما اشكو اليك وابشعنى وغمى ودهانى
 لديك والتضرع باب احديتك وابى وانا ديك وانا جيت ياربى
 اخون بعد ما اخذت الهدى الصريح والميثاق المنصوص المحكم لا باياد
 وتلويح ان يتوجه الكل الى مركز عبدك والقائم بامرک حتى لا يتسبى شكك
 ويريب للربابين والمبغضين وبعد ما قام عبدك الوحيد على نصره امرک
 وارتفاع رايك ثلاثين سنة يدعوا الناس اليك خفياً وجاهراً وبش
 تعاليمك واصولك فى وجه الارض الكفاة واقطاراً ويرتقى اجانك
 فى هدى العلم والحكمة الالهية والاخلاق والفضائل الرحانية ليلاً ونهاراً
 وتحمّل من هولاء كل ظلم وبغى واقراء متواليها ومراراً وهم كانوا يرصدون
 كل مرصد ويحجون عليه باى ماشاءوا وقرروا عتوا واستكباراً ولكن
 بنصرتك القوية وتأييدك الشديدة قد خسروا وحل سعيم فى المحيوة
 الدنيا ومارجوا الا تباراً ودماراً فيا الهى بعد ما اصعدته واقمته فى جوارك
 وبذلك تزلزلت اركان السرور واندثت قلوب المخلصين واحاط
 دفان الهوم والغوم سطح الارض وارجائها . فحينئذ اولوا البغضاء

اقتنوا الفرصة وخرجوا من كل الطرق وهم من كل صديق يملكون
 وعرش عمرك ووثاقتك يملكون ولا صفياك يفتنون. ولكنهم بنيان
 انفسهم يخسرون ولا يشعرون ما يفعلون فيها هيات هيات ان
 مركز عمرك الا وفي والقائم مقام عبوديتك في امرك الاعلى الا بهي
 قد كتبت بارادتك وقوتك كتابا لا يفض ولا ينسى وقد رخصه بتقديرك لغز
 العليم كل ما يجب ويفرض لاعلاء امرك في هذا التحيز الا وفي كتابا فيه
 تفصيل كل شيء بحيث لا يبادر صغيرة ولا كبيرة الا احضيتها واقام مقام
 نفسه بشيئك غضا من دونه تقدير خضرا نظرا طريا ثابثا ثابثا
 دائما في غيضة فردانيتك وصدقته صمدانيتك وهو بوجهك الكريم
 وعونك القديم يدعو الناس اليك والى عمرك ووثاقتك القويم
 ويثبت امرك وتعاليمك في ملكك ويهدي عبادك الى سواء
 طريقك المستقيم فيا التي اسلك بالايام التي صرفها نورك لمسين
 ومركز عمرك المئين في شرفها لك وبالتيالي التي ما استراح فيها
 اليك التحيف للتطيف وكان ساهرا فيها ناجيا ومسامرا منك
 ساعيا في حفظ امرك واويا لك مجددا في بسط بساط فضلك و

عظمتک و اولوالبغضاء فی المهاد ستریحون و علی الواسطه تشکیلون
 و بالمصائب و البلیایا الّتی قاسیها و تحملها من المعرضین و المشرکین
 و المارقین فی اعلاء کلمتک بأن تحفظ اجالتک من سهام المتقرنین
 و شبهات المغیبتین و المضیبتین و تثبتتم فی غیاض عمدک و ریاض شاکتک
 و مدخلتم فی خبّه رضانتک و تحفظتم فی کرم حمایتک و تشلمم محظرات
 عین غایتک و تصونتم من الشقاق و التناق و توفقم علی الاتحاد
 و الاتفاق و تؤیدتم علی خدمه امرک و نشر آیتک و کلماتک انک
 انت الحی الدائم اتناظر المقدر العظیم الحکیم .

ای بسندگان حقیقی آستان مبارک و دوستان باوفای حضرت
 عبدالبهاء هر چند جانها از مصیبت عظمی و زرنیه کبری دچار الم و حسرت
 و فراق است و دلها از شدت تأثر در آتش احراق و لذات در مکاتبه
 با آن یاران تأخیر واقع ولی الحمد لله کل مقبول در گاه احدیتند
 و باده نوشتان بزم است ندای الهی را بلی گفته و پیانه عهد و پیمان
 بدست گرفته آید همه عاشق آن روی جهان آراء و دل بسته آن
 سوی نافذ گشا منجذب آن خلق و خوی دلربا و آن بیانات شهید پرور

جانفرا متقبس از فیوضات رحمانیه دلبرکتا و در آستان مبارک
 خادم صادق بهما حال انوار آن آفتاب در جهان علوی ابدی درخشده
 و تابان و ناظر بسیاران میباشد ابواب فیوضات سرمدیه مفتوح
 و جنود تأییدات منتظر که چگونه آن یاران در عمل بوضایای مبارک بکوشند
 و بپوشند و مانند دریا بخروشند دقیقه ای آرام نخویند و دمی نیاسایند
 و وضایای مبارک را بموقع اجرا گذارند تا بان عنایات لانهایات و فکند
 آن مرکز عهد و پیمان حضرت رحمن سی سال دمی نیاسود و راحت نخبست
 و همگی مقدس دمی آسایش نیافت شب و روز در هدایت و تربیت
 بیگانه و آشنا و حفظ و ترقی امر حیات خود را وقف فرمود حال
 مقتضای و فاجحان است که اجبای الهی در عمل بوضایای مبارک تپام
 نمایند و در شرفحات الله جهد بلیغ مبذول دارند و این صهبا، خمر مزاجها
 کافور را بدور آورند و امر الله را از فساد و القات آت اعداء حفظ نمایند
 و بسپان عهد و میثاق الهی را از رخسار ناقضین حفظ و حراست کنند
 و مدینه امر الله را از هجوم یا جوج نقض و فتور سدی سدید باشند الحمد لله
 اجبای الهی که سلها در عهد بیانات و معارف الهیه تربیت یافته اند

و از تسبیل عرفان و داناتی حقیقی سیراب شده اند و چشمانی بسینا و
 گوشهائی شنوا و قلبهائی دانا دارند در ایمان و ایقان و ثبوت بر
 و صایای حضرت یزدان مانند جبل راسخ زمین و زمینند و چون سخن
 با سق شجره طیبه اصحاب ثابت و فرعها فی السماء ریشه مستحکم دارند
 و فواکه طیبه بار آورند و از نمایش سربالی «انا الزبد فی ذی جوار» با خبر
 و از دوام و قراره انا ما ینفع الناس فیکفیک فی الارض نگاه و مستحضر
 واقعات نقض عهد و مخالفت موافق الهیه را که در ظهورات سابقه
 رخ داده خوانده و شنیده اند و افتخارات و امتیازات حادثه در
 اوائل این امر را شنیده و دیده اند که چگونه این فن تمحیص و تخلص
 حاصل و غیوم شکافتن نقض و مخالفت بتدریج از سماء الهیه زائل
 میشد چه که هرگز انگیخت نقض باشدید القوای عهد و پیمان یزدانی
 مقابلت نتواند و جمال تسویلات نفسانی با عصای قوت و شوکت
 آسمانی مقاومت نیارود.

ای یاران با وفای حضرت عبد البصاء مرکز نقض و مخالفت
 که هوای نفسانی و طبع خودش حتی در ایام اشراق شمس جمال

قدم ویرا همچون بخود سری در یاست پروری گشت لذا داعیای
 آغاز کرد و جمعی بیچارگان را با خود همدم و سسر از نمود رایت انانیت
 و نفسانیت برافراخت و خویش را در محبت بانفس حق شریک
 و سهم ساخت تا آنکه بالاخره بد قدرت حق بنیان مقاصد و
 آماش را بر انداخت. سی سال با مرکز عهد و پیمانش مخالفت و زید
 و هر قدر توانست در بدم بنیانش کوشید با آنکه جمال احدیت
 عهد و میثاقش را چنان محکم گرفت و مرکز پیمانش را چنان منصوص و
 واضح داشت که جای شک و ریب برای احدی نگذاشت. در
 کتاب مستطاب اقدس که در این عصر عظیم ام الکتاب و همین مکتب
 است و نیز در کتاب عهدی که آخر ما نزل من لسان العلم و کلمه و مشتمل
 بر آخرین و صسایای الهی است با صرح بیان عموم اهل کعبه را
 امر بتوجه بان ما اراده الله فرموده و اورا امین کتاب و حلال معضلات
 و مرکز امر مقرر داشت و سایر اخصان و افسان و اجبای الهی را بدو
 متوجه ساخت تا کل متوجه و مرتبط بمرکز واحد باشند و اساس امر
 الهی که توحید است محکم و برقرار ماند و در شیه شرک و اختلاف بر افتد

و چنانچه در آیام اشراق نفس حق توحید کامل در عصر شیا قش بز انوار
 آن شامل وظلمات شرک و شینیت و اختلاف محو و اصل گردد تا شجره ادراسه
 برومند شود و فواکه تعالیم مقدسه اش کام جان اهل عالم را شیرین نماید .
 و این وحدت مرکز و توجه به یکدل واحد جهانی در عالم امر نمبره قطب اثری
 است و ما سوایش از احکام دائره وظائف آنست . مرکز امر در بیگانه
 نمبره قلب است در بیگانه انسانی ارتباطات اعضا و تالیس وحدت
 شخصیه و تغذیه و تنمیه اعضا کمل با و منوط و متعلق است . مرکز امر در
 هیئت جامعه نمبره شمس است در هیئت جامعه کواکب که بقوه جاذبه و
 حرکات کمل منظم و در وابط مرتب گردد . مرکز امر نمبره شیرازه است در
 کتاب تدوینی که اوراق کتاب بدون آن از یکدیگر جدا و متفرق و تکثیر
 کتاب واحد نخواهد شد . حال هر فرد فرد از اعضا هیئت که داخل
 نطق آن وحدت مقدسه اند فی حد مقام هم در سببهم استفاضه حاصل نموده
 و مقام محترم محفوظ خواهد ماند و مصداق و ماننا الآوله مقام معلوم
 تحقیق پذیرد چنانکه چشم را در بیگانه انسانی مقامی مقدس که بعضی اعضای
 دون را آن مقام نه ولی همسند از نطق این وحدت خارج و رابطه است

از درک مقطوع از عضویت و حیات محروم تا چه رسد بدرجه و مقام مانند
 آنکه اگر چشم مقطوع و از مکیل مقطوع گردد از حیات ممنوع شود تا چه رسد که
 مقام عین را داشته باشد . عجا جمال مقدم و اسم عظم در باره
 شارب افیون لیس منی میفرمایند و فرقی بین معترب و دون آن ند
 صورتیکه شرب افیون که از فروعات خرنوبه است شارب را از عضویت
 و انتساب بیکیل ظهور مقطوع بینماید پس اگر نفسی مرکز عمد و میثاق
 حضرت یزدان را شناسد آیا چه حالی خواهد بود . حضرت مسیح میفرماید
 اگر چشمت تور ابلغرا ند آن را قطع کن و اگر دستت موجب لغزش
 گردد آن را حسد کن . ایگاش بهمین انگشامی کردند که از معرفت
 و شناسائی و اطاعت و فرمانبرداری آن مکیل انوار محروم بودند
 ولی طبل مخالفت کوفتند و لواء بغض و عناد را ترفع ساختند و در
 غیر مغزیات باطراف عالم دیدند و تخم فتور و زلزله و اختلاف در
 قلوب ساده لوحان کاشتند و با اعدا و مغرضین دستبازین امر
 جمال مبارک ساختند و بانها شوه و وعده و نوید دادند و نواختند
 و بارباب مساند قضا و فتوی واریکند استبداد جور و جفا و تصدیان

امور دور از خدا بجدت شدند و آنان را با انواع حیل و تراویز بر قلع و قمع
 مرکز میثاق حتی قدیر برانگیختند حتی نفوس خو بخواری را بیدل مال و
 منال بر ریختن دم اطران ولی ذوا بحلال مسبوث نمودند .
 آیا هیچ شخص منصفی تصور تواند نمود که اینان را اتصال در تباطا منسو
 با جهل احدیت باشد و یا از اعضاء اجتماعی هیت امر محسوب شوند
 آیا چشم مقلوع وید مفلوج خواهند بود نظر بر ساله ای که زعیم تا پیشان
 در حق زعیم اول و اعوان او نوشته بناید که مقاصد و اعمال ناستوده
 آنان را نسبت بمرکز عهد و میثاق الهی که هیچ ظالم عنود بخیر از حق در
 باره احدی روانمیدارد تعلیم خود یکجان یکجان شرح داده ترتیب مقررات
 سعایت نزد حکومت مستبده جابره و قیام بر قلع و قمع آن شجره بانیه
 جعل الواح بنام جمال مبارک بر ضد مرکز عهد و پیماناش تحریف در الواح
 و آیات مبارکه بدرجه ای که میگوید من نزدیک است طمیسانم
 از صحت الواح مبارک سلب شود و سایر اعمال ناستوده شان و محجب
 از همه این است که همین زعیم ثانی که رساله مملو از اعمال ناستوده زعیم
 اول و اعوانش نوشت حال ناندگوشت و استخوان بکلی گیر پوشتند

همیشه بر ریشه امر الله میزنند و از جهل احدیت و احبابی بینا و آگاهش
 شرم و آذرم نمیکند. اینک در قدای بخط شجاع بن زعمم الاول موجود در
 آن ذکر میکند که شخصی حاضر و معوث شده بود که هیکل عهد و میثاق الهی را
 شهید سازد باری گزینیم شرح آن بجد شود شنوی بهتادین کاغذ شود
 در مدت سی سال اضعاف مضاعف این بلا یاد ابر هیکل مبارک وارد
 میساختند و در این عرض بدت قدمی در راه امر بر بنداشتند و نفسی در خدمت
 امر کشیدند و تمام اوقاتشان مصروف در آنکه احبابی الهی را از عبودیت
 مرکز عهد و میثاق الهی منحرف و منحرف سازند و فتور و زلزله در ثبوت
 و رسوخ دوستان حق وارد سازند و هزاران نفوس از اعمال و فعاتشان
 محجوب از امر مبارک شده و از اقبال بان محروم گشتند.

این بود بنده ای از اعمال و مقاصد اهل فتور که آنان را از سدره رحمانیه
 مقطوع و از سعادت و عزت ابدیه دور و مهجور ساخته نقد خسروانی
 الدنیا و الآخرة و ذلک هو الخسران المبین.

ای یابترین ای رنجین و ای موفات ثبات این فانیه در اوقات زیارت
 بقاع متبرکه علیا بید شما هستم و در درگاه ذوالجلال تضرع و اتهال سیمایم

که تأییدات غیبیه اش نازل و فیوضات لانهائیش شامل گردد تا بتمت
آن اویسای الهی انوار و فاو صفا و ثبوت بر عهد ملک فضل و عطا افق
آن قریه را روشن نماید و از کفر شامت نقض و فتور نجات یابد بلکه بحکم
سعادت خوسف از خوسف حسیض در آید و باوج اعلی بر آید اوراق
مشبهات و منقریات بر عهد مالک رب الآیات نماذ و اسمی کل در
کتاب علیین ثبوت و رسوخ ثبوت گردد .

ای رب ثبت اقدام علی عهدک و امنحهم التمسک بعروه الاستقامه
فی امرک و احفظهم من جنود الاقراء و الشقاق و اذغلبهم فی ظل علم الميثاق
المرتفع فی قطب الافاق و اوقد فی قلوبهم مصابیح الانقطاع
فی محبتک و ایدهم بشدید القوی علی الخدمه لتعالیکم
انک انت الکریم و انک انت ذو الفضل العظیم

والتنور و البهاء علیکم اجمعین

فانیه بهائیة

۱۳۴۰

شهرشوال

۸ - یزد جناب اسفندیار خیاط پاری علیہ البہاء و آیشاء

ہوائتہ

بندہ حقیقی جمال ابی و یار نامین حضرت عبد البہاء نامہ خوش شیرین
 کہ حضور ولی امرائتہ شوقی افندی معروض داشتہ بودید ملاحظہ فرمائی
 چون ایشان مسافرتی موقت بعضی صفحات فرمودہ اند فانیہ جواب
 می نگارم .

فی الحقیقہ پس از این مصیبت کبری و بلیت عظمی صعود مبارک حضرت
 عبد البہاء، طیور و فارا این عالم خاک زندان جفا است و
 بلبان آزاد را قفس تنگ و تار . بستہ ارواح قدسی دل بعالم
 فانی نسیبندند و جواہر انس از شون این دنیا فراغت طلبند و غلامی
 جویند ولی مشیت غالبہ قاہرہ رحمانی و ارادہ محیطہ نافذہ ربانی چنین
 تعلق گرفتہ کہ این خاک سیاہ جنت ابی گردد و این تودہ غمبہ را
 رشک گلشن اعلی شود لہذا منظر ہر آسمی و مطلع اشراق شمس سبحانی
 جمیع محن و آلام و مصائب را بر وجودات طیبہ طاہرہ قدسیہ خود
 قبول نہ نمودند و احکام و شرایع و تعالیم آسمانی را کہ کافل فلاح

و نجات و خلاصی و نجات اهل عالم است وضع و تائیس
 فرمودند تا آن موهبت اصلیه جلوه نماید و آن حقیقت لطیفه آشکار
 شود و همچنین نفوسی را تربیت نمودند و بید غایت پرورش دادند تا
 باین وظیفه عالییه سامیه قیام نمایند و بانجام این خدمت همت
 کنند و شجره حیات راستایه نمایند و نوع انسان را خدمت فرمایند
 حمد خدا را که شما مؤیدید و موفق و از آن مواند آسمانی بجهه منند
 و در دو جهان سودمند .

جمع یاران رحمانی را تکبیر ابدع ابهی ابلاغ دارید .

واللهاء علیکم شهر شوال سنه ۱۳۴۰

فانیه بجهائیة

۹- تبریز جناب آقا میرزا حمید علی اسکوئی علیہ بہاء اللہ الابی

ہو اللہ

خادم صادق آستان جمال اہبی و یار با وفای حضرت عبد البہاء
 مسطور مشکور ملاحظہ فرماید از ریاض معانی نغمات طیبہ رحمانی ششام
 شد . صعود مبارک حضرت عبد البہاء ارواحنا لفظوسیتہ العذ
 فاجہ کبری بود و مصیبت عظمی فواد ما کلد شد و قلوب قرین درد
 و محن گردید ، بیچ قوانی در عالم وجود از عمدہ تسلیمت بر نیاید و تغزیت
 بنشد مگر قوہ شہوت یاران و مسانت و زرانت دوستان و اتحاد
 و اتفاق محبان فی الجملہ تخفیف ہجوم دہد و مزیل غموم گردد .
 الحمد للہ کہ آن جناب ہمیشہ آیام سجدت آستان مقدس موفق و
 و نبشر نغمات اللہ نوید و بشر و ط و فا قائم .

اگر چه شمس عہد بظاہر خلف سحاب خفا مخفی شد و نیر شایق در سوز
 غم تقدیس ستواری گردید ولی اشعہ اش از افق پنهان نمایان و نورش
 تابان والی الابد پر تو افشان خواهد بود آن فیوضات غیبی و آن موجب
 روحانی ہمسوارہ مادی طالبان در بہر شتاقان و در بہر عاشقان است

الواح و صایای حضرت عبدالبهاء، فصل الخطاب است
 و علت جمع شمل اجاب و سبب حفظ امر الله و صیانت دین الهی
 در آن مخصوص منصوص و دلی امر الله غصن ممتاز شوقی افندی نصبت
 قاطع ثابت و در لوح محفوظ بانامل فضل و عطا مسطور .

چقدر جای شکرانه است که چنین فضلی بسزول گشت چنین موهبتی
 رایگان شد . حال وقت قیام بر خدمت است تمام قوی تا
 حسن و فابل معانی جلوه نماید و شرایط جانفشانی با کمال و ادق
 صور ظاهر و باهر گردد . امید چنان است که کمال مویده و موفقی شوم
 حضرت شوقی افندی موقاً مسافرت بعض جهات
 فرموده اند و عنقریب مراجعت خواهند فرمود .

جمع یاران رحمانی را تکبیر ابداع ابهی ابلاغ دارید . و ابهها،
 علیکم . بهسائیه . شهر شوال . ۱۳۴۰

۱۰ - نور تا کر جناب آقا میرزا عزیز الله روشن نجل مجید

حضرت آقا محمد علی نوری تائری علیه بهاء الله الهی

هو الله

بنده جانفشان آستان جمال ابی و یار عزیز با وفای حضرت عبدالبهاء
 نامه نورا و وصل و از تلاوتش روح در بجان و مسرت و جدان حاصل
 گردید . بدیه شمسینه عظیمه شجره نامه مبارکه انشاء الله نیز وصول خواهد
 یافت و از ملاحظه آن فرح بسیار یان رخ خواهد داد . عکس لوح
 مبارک نقحوی خود که تقاضا ارسال داشته بودید بخدمت رسید و تلاوت
 گردید . شکر ساعت قدس محبوب ابی را که بخدمت امر الله قائمید
 و نبشرفیات الله دائم سرگشته آن در بر مهربانید و سرگردان آنزوی
 تابان و پریشان آن موی عنبر نشان . روشنید و نورانی و روشن
 و فارا بیل معانی . تعلق قلبی و اشتیاق روحی و وجدانی این مخلوق
 نسبت بیاران رحمانی و دوستان ربانی و بالخصوص نسبت بسین شجره
 قدس تفرید و دودش تجرید بدرجه است که از تقریر و تحریر خارج است
 و نفسی آمال و آرزو آنکه با کمال محابره و مدرسه غنایم ولی از بهول صدق

عظیم

عظیم و خطب جسیم بلای مشوم و قضای محتوم صعود مبارک حضرت
 عبدالبهاء ارواحنا لملفوظاتنا العزیزة العظمیٰ حسن ان مستولی و آلام
 و اشجان احاطه نمود که نه در دل قرار می ماند و نه در جان صبر و صلابت
 زلزله در ارکان وجود افتاد و ولوله و غلغله در ملأ اعلیٰ برپا شد برق این
 عزا جهان را بسوخت و حرقت این فرقت امکان را بگذاخت .
 اهل حریم کبریا لباس غم در بر نمودند و سگانه بارگاه قدس گریبان
 اضطبار چاک فرمودند . فی الحقیقه اهل محبت و متبیین سوره نهمتی
 کتل در این ماتم مؤلم و بتبیه ادیم شریک و سهم این ستم دیدگان شدند
 امید چنان است که پس از این فاجعه کبری تقسیمی حرکت جدیدی و
 اجتناب از بدیعی و تمسک و تثبیت شدیدی و ثبوت و استقامت
 سدید می حاصل گردد که حیرت بخش عالم و عالمیان شود و کل تعیین بام
 نمایند که هر چند آن لطیفه قدسی خلق قمیص جسمانی فرمود و آن طبر
 صمدانی ترک قفس خاکدان ترا بی نمود ولی آن روح رحمانی حاضر و
 از افق ابری و ملکوت اعلیٰ ناظر و هر دم قلوب پاران را به بشارتی
 مبشر و دل جهان ثابتین بر می شاق و در سخن بر عهد و پیمان را

بامید و نویدی خرسند و مسرور میفرماید . باری از سیر و حرکت آن
حضرت باطراف و تائیس مدرسه در موطن اطراف اقدس و تکمیل محافل
و مجالس نورانی در آن بلده رحمانی و شور و وله و آنچه اب آن
کینونات روحانی بنفحات قدس ربانی نهایت شادمانی رخ و
بر وقت که بروج و ریگان توجبه و مسافت با رض اقدس مکن قصد
کوی دوست نمایند در روی و موی را برابر اعیان مطهره مشکبوی
فرمایند این آوارگان تیر مشتاق ملاقات هستند .

در خصوص تعمیر بیت مبارک مرقوم نموده بودید ان شاء الله
ترتیب و قراری داده خواهد شد که خراب نگردد .

حضرت ولی امر الله غصن جنت از شوقی افندی عجباً
تشریف ندارند سفری توقت بعضی جهات فرموده اند و عنقریب
مراجعت خواهند فرمود و آنچه لازم است از قبل آن حضرت حضور
ایشان ذکر خواهد شد .

از قبل فانیه و اهل سرادق عفت و عصمت و حضرت حرم مبارک
و سایر روایات سدره جمانیه در دفتر قدس بانیه علوم کائنات آن قریه نورانیه را تحت

شائقانه ابلاغ دارید و با ذکر بدیعه منسیه ذاکر و کبر شوید .
 حضرات افغان شجره الهیه جناب آقا میرزا محسن و جناب
 آقا میرزا لادی و همچنین صهر مبارک جناب آقا میرزا جلال علیم بجا
 الله الا بهی کل بکیر ابدع بهی میرسانند .
 و علیکم البهاء و التشاء ۱۲ شهر ذی القعدة

۱۳۴۰

فانیه بهائیة

زیارتنامه ما و مناجاتهای منتسبین اخیراً از یرافه اظهر حضرت عبدا
 صادر و نازل عکس حسیع را بر میدارید نسخه ای از آنها بشرط اقدس
 ارسال مینمایید . نعم هذا العمل لم یسرور . بهائیة

۱۱ - طران محفل مقدس روحانی ایدیم الله و شیدیم
 وعلیم بهاء الله الأبهی مفتوح و ملاحظه نمایند
 هو الله

خدمت بدیرو اعضای محترم محفل مقدس روحانی طران ایدیم الله
 و شیدیم وعلیم بهاء الله الأبهی حضرت عبدالبهاء
 ارواحنا المرقده الأورفداء بعد از خبر صعود امة الله میں کسین ملکوت
 ابی امر فرمودند از امر یکا یک نفر از امان الرحمن بجای او جهت مدرسه
 تربیت طران معین غوده بفرستند لذا از آنجا این محذره مومنه
 شتعلہ میں کوی علیها بهاء الله را انتخاب غوده فرستاده اند
 قریب یک ماه است در حیفا باشتاقات محزونات مؤانس و
 زیارت عتبات مقدسات شرف و فائز شدند الحال عازم
 حرکت در صون و حمایت حضرت امدیت هستند و انشاء الله
 سلامتی بطران میرسند احباء و امان الرحمن از دیدارشان محفوظ
 و مشغوف میشوند و بوظیفه خود در مدرسه تربیت قائم و برقرار
 البتہ از طرف محفل مقدس روحانی آنچه لازمه سفارش و محبت

است در مراسم پذیرائی این معجزه شفقته مهربان که خالصاً لوجه الله
 و طلباً لمرضاة قطع علاقه از خویش و پیوند نموده اند از غرب بشرق
 متوجه گشته بفرمایند یقین است نهایت مراقبت و توجه در حق
 مشارک ایها مجری میشود تا بروج در بحیران و سرت دل و جان شمول
 بتعلیم و تهذیب اخلاق در مدرسه تربیت گردند و اسباب راحت
 از هر جهت رخ گشاید و قلب محزون مسرور گردد.
 و البهار و آتشنا و علیکم بهائیة

معرضه از یقعه ۱۳۴۰ - ۱۱ جولای ۱۹۲۲

۱۲- حسین آباد نیرود اعضای محفل روحانی و عموم یاران
روحانی علیم بهاء الله الاهی ملاحظه نمایند
بهو الله

بندگان استان جمال اسی و دوستان رستان باو فای حضرت
عبدالبهاء نامه رسول ملحوظ افتاد چون حضرت غصن ممتاز
ولی امر الله شوقی افندی عجات تشریف سبتمی برده اند و عنقریب
مراجعت خواهند نمود لذا فانیه باختصار جواب می نگارم .
بشارت از ورود نفس ثابت ثابت ناشرفعات الله و بنده
جانفشان حضرت کبریا ، جناب ناطق علیه بهاء الله الاهی بان
دیار داده بودید . و شردۀ تداوت و زیارت الواح و صلیای حضرت
عبدالبهاء ارواحا لملطوبه سیه الفداء ، در انجمن اصفیا و خبر سرت پرود
اتحاد و اتفاق و ثبوت و رسوخ و توجه احب الله بکر مخصوص مرجع
مخصوص ولی امر الله و ستمین کتاب الله و حافظ دین الله و حارس
شریعه الله حضرت شوقی افندی از این اخبار نهایت سرور حاصل گشت .
یقین است که ضامن لطیفه نورانیة و سران میره رحمانیه همواره

اقتباس انوار از مرکز اسرار نمایند و استفاضه از فیوضات جمال مختار
فرمایند. گوش هوش بسروش ملا اعلی دارند و از جام عطا باره و فایز
غیر محبوب را معدوم دانند و از هر چه که درون ضای اوست چشم پوشند
حقیقت پرستند و حق جو و سرست صهبای حبت او. انجمنه که باین
مواهب مؤیدند و موفق حال وقت شور و وله است و هنگام جذب
و طرب. افکار باید حصر در مرکز واحد گردد و آراء در نقطه واحد جمع
شود و آن ترویج تعالیم الهی و عمل بموجب وصایای حضرت عبدالبهاء
ارواحاً مظلومیستة الفداست تا انوار تابند شدید تر باشد و فیوضات
توفیق از هر جهت احاطه کند و در مدتی قلیده ترقیات عظیمه حاصل شود
و اسرار نپسنان واضح و عیان گردد و روح در بحیران تمام نمایان
شود. از الطاف خفیه و عنایات جلیه جمال الهی امید چنان است
که اجبای باوفای خود را بروح جدیدی مسووث فرماید و با تشریح
و فتوح بدیعی جلوه دهد و لیس بدامن فضل و احسانه ببعد.

و علیکم البهاء و آتشاء فانیه کلبانیه

میانج بواسطه جناب آقا علی اکبر احدزاده علیه بحسب الله الهی
 و توسط جناب آقا سید الله قمی اجابتی الهی علیم بهائیه الهی
 هو الله

بندگان آستان جمال الهی و یاران عزیز با وفای حضرت عبدالبهاء
 نامه مختصر و مفید که جناب احدزاده علیه بحسب الله مرقوم نموده و
 نامه‌های مبارک آندوستان رحمانی را مذکور داشته بود رسید و ملاحظه
 گردید. مضامین سبب سرور شد زیرا حاوی معانی رقیقه و حاکی
 از احساسات ضمایر لطیفه صافییه بود.

در این عصر عظیم و قرن کریم شمس عنایت از افق مشرق و صدانیت
 چنان اشراقی فرمود و با شعله و ضیائی سطوع کرد که عالم وجود را نورانی
 نمود و کینونات و سررا را مجالی و مریایای قدسیه فرمود بقسمیکه آن
 هویات با بهره را بهره توجیه و تقابل نیست منیر و کواکب انق عیلتین
 استفاضه از فیض بسین نمودند و بر سر توحید و در تفرید و اوقف و
 آگاه شدند و بر قائق حقائق انتباه یافتند. شکر حضرت محبوب را
 که با لطف خفیه و اعطاف جلیه کشف اسرار نمود و خرق استار

فرمود الفاظ صورت معانی یافت و معانی طراز رحمانی عهد صریح
تصریح تکلیف نمود و نص واضح بسین تشریح کتاب تدوین و سه نمود
مرجع مخصوص منصوص گشت و ولی امر و بسین کتاب فصل الخطاب شد
و بدامن فضل محبوبنا الابهی و غنایه من اشرفتنا بانوار عبودیتیه الارض
و السماء .

حضرت عبدالبهاء ارواحنا لملکوتیه العزاء نعمت را بر اهل بها
کامل و تمام نمود و فیض و فضل را شامل خاص و عام فرمود بنیان اخلاف
بر انداخت و بنیاد شقاق و نفاق را ویران ساخت و شاهراه هدایت
را الی الابد واضح و لائح درشت امید چنان است که بروج جدیدی بسویش
شویم و بتائید شدیدی مؤید گردیم در میدان خدمت و وفاداریت و صفای
جولانی نمایم و لیس بدامن الطاف ربنا العلی الاعلی بسعید .

چون حضرت غصن ممتاز ولی امر الله شوقی افندی مجازاً سفری موقت باطل
فرموده اند فانیه جواب را با اختصار گناشتم معذور دارید انشاء الله تعزیر
مراجعت میفرمایند و مرسله و مخا بره مستمر و برقرار شود . و حکیم البهائ الابهی

بهاءیه ۱۹ شهر ذی قعدة ۱۳۲۰

خراسان مشهد و عموم توابع آن اجای جمال رحمن و ثابتان
بر عهده حضرت یزدان علیهم بحبها و الله و شانه ملاحظه فرمایند

هو الله

بندگان آستان طلعت ابھی و یاران عزیزان باد فای حضرت
عبدالہباء معلوم است کہ مصیبت عظمی و فاجعہ کبری صمود مبارک
حضرت عبدالہباء ارواحا لمظلومیستہ الفداء چہ آتشی بدہمازد
و چگونہ اعضا و ارکان و جوارح را بگذاخت . فواد ہا مکلہ شد و از
دیدہ ہا سرشک خونین جاری گشت . حقائق تقدیس نفع آمدند
و جواہر تزیینہ بناہ و جرع مشغول گشتند . سینہ ہا سوزان شد و جگر ہا
بریابان گردید . نہ در دل متواری ماند و نہ در جان صبر و اصطباری
بلیس و فاخر تغنیات روح افزا با ماند و در قہا بقا از ترغبات قدس
اعلی خموش گشت . آن ہد بر سین در خلف سحاب بقا مستور شد و
آن شمس علیین در مغرب عزاسنی متواری گردید و از افق غیب
پہنان مشرق لامکان اشراق انوار منہ نمود و سطوع اشعہ و
ضیاء نمود . یاری این ستدیدگان تقبھی در بحر احران مستغرق

در طوفان هجوم واکدار حرمان و همچون آن دلبر نهربان گرفتار شدیم
 که سان از تقریر آن عاجز و بیان از توصیف آن قاصر . روز را
 بنوح و نذبه و شب را بغمان و ناله گذرانیم لهذا این تأثر و تحسیر و
 تأسف سبب شد که در ارسال تحریر تاخیر گشت و در تقدیم مراتب تعلقاً
 قلبی و احساسات وجدانی تعویق حاصل گشت و فی الحقیقه اهل بجا
 در کسین سفیه حمر او با بحین در قلزم کبریا و فائزین بغیوضات افق
 اهی و شاتین بر عهد او فی رجلاً و نساء صغاراً و کباراً در این عالم
 مؤلم و بتیة ادهم شریک و سهم این آوارگان بودند و بسبح روح و فؤاد
 ناله آن عشاق دلبر آفاق و محترقان بسا فراق را استماع سینمودیم
 و آه خزین از دل نعلین بافق علتین میرساندیم و باناله چنین تضرع
 و این بدرگاه جمال سین سینمودیم که ای پروردگار مهربان و ای
 نغمه دل سوختگان ترحمی و تفضل فرما صبر و صطباری عنایت کن
 تحمل و قراری ده بادت فضل و کرمت مرا همی بر این زحسم نه
 و علاج این درد بی درمان فرما . اجابت را تیسرت بخش و یاران
 و کفیرانت را تعزیت ده . این قلوب مجروح را التیام بخش

و این فوائدی معروض را بدریاق خود و رحمت شفاعت عطاکن اشجار
 پرموده از اریاح خزان را بهیوب نسائم رحمن طراوتی بخش و از بار
 آفروده از سموم هجران را لطافت و نصارتی عطاکن. ارواح را
 بشارت ملکوت ابدی قرین افراح نما و اشباح را بهوائت فوق العالی
 انشراح و انبساطی ده. توئی فضال و توئی رحمن و توئی معطی مهربان
 باری آن اقلیم کریم از بدو اشراق نور مبین مستفی از اشعه
 نباعظیم گردید و مستنیر از ضیاء شمس جمال قدیم شد. فیوضات رحمانی
 چون غیث باطل بر آن بلده طیبید و بارید و از غمام رحمت سبحانی
 رشحات غرغریات ربانی آن قطر نورانی را طراوت و لطافت بخشید
 اشجار و وجود مخضر شد و از بار معنوی شکفته گردید. شقائق حقائق بر رویید
 و ریاحین معنوی سرسبز و خرم گردید و نسیم شگبار از آن خطه و دیار بوزید
 و سایر اقطار را غبار بار فرمود و نافه اسرارش را نمود. خراسان بیشه
 غضنفران رحمن شد و لانه و آشیانه مرغان خسته از ضوان گردید جمال
 قدم و رسم اعظم جل ذکره الا منع آن قطعه مبارکه را بعناست مخصوص
 منحصر فرمود و با لطافت مالا نهایت مشمول داشت. خواه بلسان ابد

اعلیٰ و خواه باثر قلم اعلیٰ و هر یک از یاران آن کشور نور را تا ج غرت
 ابدیه بر سر نهاد و در راه فضل و موهبت در بر نمود و خلعت فضائل و کمالات
 معنوی پوشاند و ستایش و ثنا فرمود و تجید و نیایش نمود چنانکه در بطون
 الواح مبارکه و متون اوراق و آثار رحمانیه مدون و مشهور و هر وقت
 ذکر خزانسان از لسان اقدس مالک امکان و ملکیت اکوان جاری
 میشد، میکمل مبارک با همراز میآید و آثار شایسته کبری از وجهه نوراء و
 چهره اقدس ابرج استنی ظاهر و باهر میگشت. فیوضات مستمر بود و
 عنایات از سحاب الطاف بر آن دیار منمیر. تا دوره میساق رسید
 و کأس دماق بدور آمد و شمس عهد از مشرق و فاق بضیاء عبودیت
 کبری و سناء رقیبت عظمی بر توافشان شد و قلوب دار و احوال مستغنی
 و منور ساخت. روح بدیعی در جسد امکان دمیده شد و قیوم جدیدی
 در جهان دل و جان آشکار گردید. افنده اهل محبت متبشیر بشارت
 ملکوت ابی شد و ضمائر و سرائر مستظلمین در ظل شجره مقدسه نوراء
 مستنیر بانوار وفا گردید یاران آن سامان مجدده در این نشئه پیمان
 برست از جام است گردیدند و در میدان شہوت لور سوخ و وفا گوی

سبقت را بودند چنان استقامتی آشکار فرمودند که محیر عقول و پکار
 شد و چنان ثنات و زرائع و متعاضاتی اظهار داشتند که بنیان
 شبهات اهل ارباب را منهدم ساختند. ریح مسجوم نقض را
 در آن مرز و بوم تأثیری نماند و امید اهل فتور کجی مقطوع گردید و در کز
 نقض نجیب آمال و خسران مال یقین تام حاصل نمود. یقین است
 نفوس که شامشان برای یکجنت ابی معطر شده و آذانشان با سماع
 نغمات غنایب گلزار بقا متذکّر گشته و آوازشان نغمات قدس که از هفت
 ریاض حرم منتشر استعاش و اهیتر ایاقه بسته از نفیخ زانغ و نجیب
 غراب دل آزرده کردند و احرار و اقباب فریاند و فرار اختیار کنند.
 باری حضرت عبد البهار ارواحنا المظلومیته العزاء
 از یوم صعود جمال اقدس ابی تا صین عروج روح اطرا نورش با فوق
 اعلی و ملکوت استی مدت سی سال ز روز راحه داشت و شب
 آرام. وحیداً فریداً منطلوماً سبحوناً با صلاح عالم پرداخت و به
 تربیت و تهنییب من فی الامکان قیام فرمود شجره امر را استایه
 نمود و سدره تقدیس را از عواصف و قوا صفت شدید محافظه

فرمود دین الله را حمایت و حراست نمود و شریعت الله و مذهب الله
 را حیانت فرمود. اعدای امر را مقهور ساخت و بدخواهان را
 مایوس دانا امید کرد. آن لطیفه ربانی و سازج غرضدانی مدت حیات
 را بیلا و ابتلا گذرانید و مورد هر گونه افترا و بهتان از اعدای خارج
 و داخل گردید. در این عالم جز جور و جفای نصیبی نداشت و بغیر از محنت
 و تعب و زحمت چیزی مشاهده نفرمود. در نیمه شب آه سوزان از سینه
 او برتفع و در اسرار سخن بدیع مناجات بمساع علیین توصل. چنین
 حالتی نفوس را بید مبارک پرورش داد و تربیت فرمود تا بهیکل امر را حصن
 حصین گردند و سفینه میثاق را در عتین. جنود شهبات را بصولتی
 پراکنده نمایند و بنیان ارجیف اهل ارباب را بضرستی منهدم سازند
 الحمد لله که آثار آن غایات مشهود شد و اسرار آن زحمات عیان گردید.
 آن وجودات مبارکه و ذوات نورانیه بحسن و فاقیام فرمودند و با شتقا
 و ثبات سرشق اهل نجات گشتند. باری آن روح قدسی نعمت را
 بر اهل مهب تا تم و کامل فرمود و فضل و احسان را شامل خاص و عام
 نمود و مبداء را در آب با حسن طراز جلوه داد و خاتمه مو اهب الطاف

را با لواح و صایا فرین داشت و تکلیف جمیع طبقات اهل بحسب ارباب
 با تم و اکل و اقوم بیان واضح و مبرهن فرمود و مرکز امر را بنص صریح
 قاطع بستن داشت و ولی امر بپسین کتاب الله حضرت شوقی افندی
 را تعیین فرمود و مرجع توجیه را بنص محبت از منصوص نمود باب
 اختلاف را الی الأبد سد و فرمود و سبیل مستقیم و منهج تویم را بجهت اهل
 و ابداع و وجه واضح و مشهور نمود. شجره شقاق را از ریشه در آورید و پستان
 نقض و نفاق را از اساس بر انداخت. مجال شبهه نگذاشت و محل
 شک و تردید نماند و فاتحه الألطاف را بنجامة الاعطاف انجام داد
 نکر الله و نحمده علی هذا الفضل العظیم و العفو العظیم

حضرت ولی امر الله شوقی افندی بعد از وقوع این فاجعه عظمی و زبرد
 این زریه کبرنی از شدت تأثر و احزان و هجوم و غموم بسیار پان که بر
 آن قلب لطیف روحانی وارد و تحمل بار گران و مسوئیت عظمی ترتیب
 لازم را مرتب فرمودند و باطراف مرقوم داشتند که آرزو و آما لم
 چنین است که چندی تنها و فرید در محلی خالی و خلوت از بهر قیل و قال
 نیاز و نیازها و تضرع و اشتهال مشغول گردم و طلب تایید و توفیق از

ملکوت ابهی نمایم و بهمین نیت و قصد حال خریدت که مسافرت فرموده اند و ما را بحرمان و بحرمان مستلما نمودند . امید چنان است که عنقریب نتایج این مسافرت مشهود و عیان گردد و سبب سرور و جویباران شود و فوائد عظیمه از سفر مبارک ایشان حاصل شود و بزودی مراجعت خواهند فرمود و ابواب در اسله با تم و اکمل و وجه مفتوح شود و مخبره مستر گردد .

این فایده نظر تعلق قلبی و اشتیاق روحی قبل از مراجعت ایشان بارض اقدس تجریر این نامه پر از ختم نامعلوم و مبرهن شود که آنیاریان عزیز باوقای حضرت عبدالهباء چه منزلتی در دل و جان این آوارگان دارند و چگونه از ذکر ایشان آنی فراغت نداریم . این منطلومه و اهل سرادق عفت و عصمت و رفات مبارکات سدره تقدیس اجابی الہی و اما، الرحمن آن ارض کمیزان عزیزان جمال مبارک را با بدع اذکار و اجمل تحیات ذاکر و مکریم . و البہاء و الثناء علیکم

(بہسائیہ) شہرزی القعدہ ۱۳۳۴

نادر محض روحانی نمره ۴ در غرہ شہر حال و اصل بشارت مند

در آن و شکرده اتحاد و اتفاق یاران آن سامان قلب خزین و فواد
 غمگین را سرور بسیار بیاپان بخشید. تکلیف محافل و انعقاد مجالس متعدده
 سبب انشراح خاطر گردید و روح در یکجا حاصل شد در استان
 مقدس محبوب اعلی و عتبه مقدسه جمال اهی و مرقد مظهر نور حضرت
 عبدالبهاء ارواحنا لطلبه تقسیم العزاء کمال تضرع و ابتهال فرید تا بیدار
 و توفیقات صمدانیه را مسألت در جامینه ما نمیم. جناب آقا شیخ
 محمد علی علیه بجزار الله الاهی را تحت ابدع اهی اطلاع دارید رفایه بیایا

بهراتنه

- ای پیروان پاک یزدان نامه نگاشته دوازدهم شوال رسید و دل
 و جان را خوشی بی اندازه بخشید ستایش ایند توانا را که در این روز
 فیروز آفتاب بخشش چنان تابش فرمود که از پر توشن جهانها بر افروخت
 و پرده های نادانی و گمراهی بسوخت. دست و پای مردمی را از بند
 ذره بجزیرهای افسانه های بی پایه و اندیشه های فرومایه بگشود و زنگ و کرد
 این مغاک خاکدان را از آئینه جهانها زدود. در خمانه بی پایانش
 را بگشاد و باده دانائی و بنیائی و دوستی را ارزانی داد. سر پرده بیکائی

دراخت و شالوده بیگانه را بر انداخت . تراد ماد آیین های
 زنگارنگ از باده گلرنگ دوستی او چشیدند و دست از زوئی کشیدند
 و در جسم بیگانه او یک رنگ شدند . پاکانی که کلبوی شناسائی او
 رسیدند و مانند آینه تابناک درخشیدند دل از هر چیزی جز او گسیختند
 و با او پیوستند . گفتار و رفتار او را در گوش بهوش کردند و هر چه جز
 آن فراموش نمودند از جهان پائین بجهان بالا در پروازند و شایسته
 شنیدن و فهمیدن هر راز . پس چنین روزی روز ستایش است
 و نیایش و دست شستن از هر آلائش .

روحی بجهان بالا نمائیم و دست نیاز سوی آن دلبر بی انباز دراز
 کنیم و درخواست آوریم که : ای بخشنده مهربان و پرورنده
 دل و جان ما را بجز پیچیدن راه تو اندیشه ای نه و بجز خشنودی
 تو از زوئی نیست دلنا بیک یک توأم است و همه با یکدیگر
 همراز و همدم . در ستایش و پیروی تو هم آواریم و براه تو در پروا
 ناتوانائیم توانائی بخش و یاور میسر ما . توئی دستگیر
 و توئی پرورنده و مهربان

بهریک از دوستان راستان آستان یزدانی درود بسیار
برسانید . جانان همیشه خوش باد فانیه بهمانیته

شهر زیقده ۱۳۴۰

اعانه بجهت مشرق الأذکار شیکاغوا لازم بمجموع اجا و اماء الرحمن
اطلاع نمایند

۱۶- تبریز محفل مقدس روحانی علیم بهاء الله الاهی

هوائه

بندگان هستان جمال اهی و یاران عزیز با وفای حضرت عبدالبهاء
 نامه نامی چون گلشن ربانی فرین باوراد و از بار حقائق و معانی بود که
 با جمل از طریق از ترتیب یافته و مانند نسیم ریاض معنوی و شمیم فردوس جهانی
 مرور و عبور نمود و شام جان و وجدان این آوارگان و ستمدیدگان را
 معطر و مغرب فرمود .

چون غصن ممتاز و ولی ادرالله حضرت شوقی افندی موقفاً سابق
 بعض جهات فرموده اند لذا فانیه با اختصار جواب می نگارم .
 شکر ساحت قدس محبوب اهی را که آن عند یسبان گلستان عرفان
 و بلبلان بوستان ایقان و طمینیان بر شاخه شجره فضل و جان
 بابدع الحان تسبیح و تهلیل ملک اکوان مشغول و تبریل آیات قدس
 و ترنیم نغمات انس بالوف و تجمید و تقدیس رب مجید نغمه سرایند
 الحمد لله صدور منشرح قلوب منجذب ددل و جان مفتون آن روی
 تابان . دریای فضل و احسان جمال مبارک پر موج و هیجان است

و انوار عنایت او فائض بر جهان و جهانیان . سحاب کرم در زیرش است
 و آفتاب جود و بخشش باشد اشراق در تابش . هر شانی از شئون این ظهور
 اعظم و قرن اکرم پنجم ممتاز و اشرف و اعلی و ابی از قرون ماضیه است
 بهیچ وجه قیاس با عصا ساله نتوان نمود و بهیچ سر را این یوم عظیم واضح
 در روشن و مبرهن است که نزد واقفان اسرار و صاحبان البصار و مجربان
 راز بی نیاز حقائق محسوسه محسوب میشود زیرا در این یوم بدیع پنجم اشاره
 و تلخیص انمول نمود و شمس تصریح اشراق فرمود و بدر تشریح و توضیح ساطع بر آفاق
 گشت (مرکز مخصوص مخصوص آمد و ولی امر الله و مسین کتاب الله غصن ممتاز
 حضرت شوقی افندی با اثر قلم مرکز مشایق حضرت عبدالبهار ارواحنا ملطفه
 الفداء تشخیص و تعیین شد و شا به راه هدایت الی الابد واضح و واضح و روشن
 گشت . این فضل از خصائص این ظهور عظیم و این عنایت از لطائف محبوبت
 این دور اکرم است) امید داریم که شکر اند این الطاف خریده و موهب
 جمیده بر خدمت امر الله قیام نمایم و بنشر تعالیم مبارک پردازیم و وصایا و
 نصایح حضرت عبدالبهار را موقع اجرا گذاریم تا روز بروز دائره امر توسعه
 یابد و طالبان بمطلوب رسند و عاشقان بحال معشوق فائز گردند و

تشنگان بر چشمه عذب فرات وارد شوند و فرج و سرور روحانی احاطه کند
و انشراح صدور حاصل شود.

هنگام تشریف و زیارت با عقاب مقدسه طاهره روحانیه نایب الزیاده
از قبل کمال سستی و کمال تضرع و ابتهال فرید یابید و توفیق از برای کمال
سألت نمایم. و البهاء و التشاء علیکم فانیه بهائیة.

غصن محبت از و ولی امر الله حضرت شوقی افندی نظر شدت

تاثر و کثرت احزان و آلام از صود مبارک اقدس حضرت عبدالبهاء

ارواح و اترتبه الفداء اراده مبارکشان بر آن تعلق گرفت که چندی در

گوشه خلوتی و فراغتی تبصرع و ابتهال و مناجات و راز و نیاز با حق

قدس بی نیاز خاطر انور را مشغول دارند لهذا مسافرتی موقت

فرمودند امید چنان است که بزودی مراجعت فرمایند و دل و جان

کمال را سرور و شادمان نمایند و لیس بدامن فضل الله بفریز

بهائیة

۱۷- در بر جند بواسطه جناب اقسام الوزراء علیه بهاء الله
 خوسف جناب حاج ملا یوسف بیک علیه البهائه
 و آتشاد من ربه الابهی ملاحظه فرمایند
 هو الله

ای شخص حلیل محترم درستان ستایش بشمار نمایند و یاران شای
 بی پایان از آن وجود مبارک فرمایند که فی الحقیقه آستان جمال مبارک
 بنده جانفشان است و حضرت عبدالبهار ایار عزیز با وفا در تبلیغ
 لسان تبلیغ بگشایند و در فصاحت بیان و اقامه حج و برهان موهبت
 رحمان بنمایند. بیکل امر احسن حصینند و نفسیه میثاق ادرع متین
 و در شجرت و استقامت آیت رحمت حضرت احدیت. بر حقائق
 امور مطلقه و برد قانع رموز و اسرار واقف و آگاه. از این شهادت
 و بشارت نهایت مسرت حاصل گشت. فی الحقیقه احبای خوسف
 راشایسته و سزاوار آنکه قدر این نعمت بدانند و این موهبت را
 غنیمت شمرند زیرا بسیاری از بلدان محتاج چنین نفس نفیسی هستند
 و مشتاق چنین انیس و جلسی طالب بحیاب و تبلیغ کم یاب

شکر جمال اقدس ابی را که چنین کسینوناتی خلق و نیگونه نالی لئارا
در صدف امکان پرورش داد چنین جواهر زو اهر را زینت بیکل جهان نمود
باری در این ایام نظر بغروب شمس میثاق و افول
کوکب اشراق که فراقش آفاق را پرا حراق فرمود و هجرانش بنیان
وجود را ویران نمود و لید لید مستولی شد و ظلمت دها، غبار را احاطه
کرد طیور لیل بجنبش و حرکت آمده اند و از دهنه های ظنون و او لام بر
آمده بال و پری گشوده اند و بانشار اوراق شبها و رسائل ناریه
پرداخته اند و قصد آن نموده اند که در امر الله خلی اندازند و قننه و قنای
بر پاک کنند زیرا بجمیع وسائل و وسائط تمسک و تمشیت شدند و جز
خسرا و خیمت آمال فایده نبرند . حال کمال قوی میکوشند که
باین واسطه بنیاد امر را از اساس بر اندازند و نفوس سلیمه و قلوب
ضعیفه را متزلزل کنند و عقول را مضطرب و افکار را مشتوش
و پریشان نمایند غافل از آنکه حضرت عبدالبهاء ارواحنا لطلبوتیه
الغدا مدت سی سال اجبار ایدار فرمود و یاران را همشیار کرد و
بجو اعظ حسنه و نصایح مشفقانه اهل کعبه را آگاه فرمود و از

دسائس و حیل و خدعه و تزویر و مکر حرب فتور و ناقض حضور خبر داد .
 چنانکه در دستخطهای مبارک موجود و ثبوت است . همچنین جمال قدم
 و اسم عظیم اردو احاطه آفتابین مندار در منا جاتها و الواجبات
 نازل از قلم اعلیٰ جام سخط و غضب و قهر و سطوت خود را بر ناقضین
 عهد و ناکشین میثاق بر نخت و در کز نقض و قطب شقاق را بنیر و
 « و اگر آتی از ظل امر منحرف شود معدوم صرف خواهد بود » بزانو
 در آورد و با سفل آن فلین انداخت چنانکه این انحراف را حضرت
 عبدالبهاء هم در دستخطهای مبارک و هم در الواح و صایا که آخرین نغمه
 آن بسیل زار و صیحه آن هزار گزار طلعت ابی است شرح و تفصیل فرمود
 اند و در جانی جمال مبارک اهل فتور را بخطاب « و الذی نقض
 العهد علیٰ عنة الملک و الملکوتیه مخاطب فرمود در موقعی بعقاب :
 « حفظنی من شر اعدائک الذین نقضوا عهدک و میثاقک »
 معاتب گشتند . جمال مبارک ناقضین عهد را اعدای خدا خوانده
 و معلوم است که اعدای خدا البته اگر از دشمنان برآید امر او
 در دین او و شریعت او و زحمات او و صدقات او و حبس و سخن گزینی

و بلا و ابتلائی اور اچگونہ محو و نابود خواهند کرد و بدر خواهند داد و عجب
 اینست که باین علو و استکبار برحق و دنو افکار و سوء رفتار و تہنک
 حرمت امر پروردگار اظهار مظلومیت نمایند و ناله و زاری کنند و دست
 و پا بوسند و تعلق گویند و گردن کج کنند و مکر خم نمایند تا ضعیفی ابدام
 اندازند و سادہ دلی را محروم از رحمت پروردگار کنند .

مقصود آنکه جمال مبارک ارواحا لرب عبثۃ المقدسة فداء بنفس صریح
 قاطع اجبای خود را از معاشرت و مجالست این گروه مکروه منع
 شدید فرمود و با حرار و اجتناب از قوم لود و عنود امر نمود و نفس
 ناقضین و ہمت ناکشین را بستم کردم و افعی تشبیه فرمود و حضرت
 عبدالبہاء علت و سبب این منع شدید و احتراز و اجتناب و ابتعاد
 از ناکشین را در دستخطها در سائل و الواح خویش مبین و واضح فرمود
 و کمال زیارت کرده و تلاوت نموده اند و اگر نفسی میخواہد بر اعمال
 مرکز نقض و افعال قطب شقاق واقف و آگاہ گردد و با لغرض
 بیبیانات جمال مبارک و اندازات شدیدہ عبدالبہاء قناعت نکند
 و حمل بر مقصد و معانی نماید و مصداق « و ان تا تیمم کحل آیتہ

لَنْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا» باشد بخزوه میرزا بدیع الله زعمیم آثانی که برادر
 ذکر نقض است در همه بلاد آن خزوه بخط و مهر و امضای منتشر
 است رجوع کند و بدقت بخواند ملاحظه نماید که سیئات اعمال او را
 چگونه یک یک تشریح کرده و شهادت بفسق و نفاق و شقاق
 او داده. این رساله را تا بتین نوشته اند که اسناد باو نسبت دو
 باشد برادر خود مرکز نقض نوشته حال چه شهادتی عظیم و اثبت و
 احکم و اتقن از شهادت برادر در حق برادر که با او همراز و مسازور
 فتنه و فساد با او شریک و سهیم بوده بالاتر از این چه میشود.

باری اجبای الهی باید بیدار باشند و هشیار و دقت در امور فرمایند
 الحمد لله کل آگاه و پرانتها بند و محرم راز و ثابت و مستقیم برابر
 بی نیاز. حضرت عبدالهبا، بسیل هدی را واضح نمود و طریق
 صواب را لائح و مبرهن فرمود و الواج و صایا را با ثمر قلم مبارک
 مرقوم داشت و تکلیف جمیع طبقات اهل مجار امتین نمود و مرکز
 توجه و دولی امر الله و متین کتاب الله حضرت شوقی افندی را
 تعیین نموده بود و باب اختلاف را الی الابد مسدود کرد و قبایح اعمال

مگر نقض را بسو طابیان نمود و کمال را امر به تبلیغ فرمود و از معاشرت
و مکالمت با ناقضین نهی شدید نمود و چیزی فروگذار نغیر نمود
حال وقت آن است که کمال متفقاً منجذبا شتعدا ثابتاً را بنها
علی دین الله باعلاء امر الله و ارتفاع کلمه الله پردازیم و از هر فکری
و ذکر بی بخدمت و جانفشانی در بسیل رحمانی بری و بسیدار گردیم
بذاهو الحق الواضح الثابت المبین .

جمع یاران الهی و امان رحمن را از قبل این فانیه بدایع اذکار و اجل
تحمیات ذاکر شوید .

حضرت شوقی افندی ترویجاً لکلمات الله و انتشاراً لامر الله و
اعلاء کدین الله مسافرتی موقت بعضی جهات فرموده اند و
غشقیب نتایج این سفر آشکار کرده و سبب سرور و وجود قلوب یاران
شود و بزودی مراجعت خواهند فرمود و مخبره و مکاتبه مستمر و برآ
گردد .

مکتوبی نیز چندی قبل بواسطه جناب احتشام الوزرا در بنام آنجناب
مرقوم و ارسال شد البته رسیده و دقت در مندرجاتش فرموده اید

آنچه اوراق شبهات از طرف مرکز نقض نزد شما رسیده و یا از بعد
برسد یقین است که بمصدرش عودت خواهید داد زیرا بقای آن
سبب مفرت کبری است و حسرت و ندامت عظمی .
ارشدت مهربانی بان حضرت وصیانت آن جناب لوجه الله شکسته
شد و یقین است که عودت آن اوراق ناریه علت تأیید شدید
و فیض عظیم خواهد شد چون این رسائل ناریه بایر نقاط از مرکز نقض
ارسال شد و کل را مصحوب باجوبه یا غیراجوبه عودت دادند .
این است شأن ثابتین و این است سمت راسخین و الله غنی
عن العالمین و علیکم السَّلَامُ الْاَهِی . شهر ذیقعدہ ۱۳۴۰
بهائیت

۱۸- طهران جناب حاج آقا محمد علاقه بند علیہ بہار اللہ الابی ملاحظہ نمایند

ہو اللہ

بندہ آستان جمال ابی ویار با وفای حضرت عبدالبہار نامیہ کلین
وصول یافت و بر مضامین اطلاع حاصل گشت نامہ نامی مسؤلہ ازل
نیز رسید حد ساحت عز مقصود را کہ آنجور مسعود سنین معدودات در
ظن عنایت و فضل ربّ الآیات البہرات ہموارہ بخدمت امرتہ
و تشریفات اللہ در نہایت استقامت و ثبات صرف اوقات فرمود
و مستفیض از فیض اشراق گشتید و در یوم شیاق تریل آیات وفاق
نمودید و بالواح عدیدہ بدیعہ نعیمہ ازیراعہ مالک بریہ منقحہ و سرا فراز شدید
و بخدمت فائقہ شائقہ مؤید و موفق گشتید . حال در این یوم بدیع
نیر بجد اللہ در صراط مستقیم سالک و در منہج قویم سار و مرجع منصوص
و مرکز مخصوص غصن ممتاز و ولی امر اللہ و مستین کتاب اللہ حضرت
شوقی افندی متوجہ و ناظر . این مواہب شایان تقدیر و این الطاف
مستحق ہزار شکرانہ بدرگاہ محبوب یگانہ است .
و اما مرکز نقض و قطب شفاق تمام قوی بانثار اوراق شبہات

بجہات

بجہات متغول و در این ارض اقدس لیلًا و نهارًا بجاوت و عظیم
 آتشی با انواع حیل و دسائس فتنہ و فساد می نمایند و از افراد بہتان
 چیری فروگذار نسنمودہ و غمی نمایند کہ شرح آن موجب تطویل و کدورت
 و احزان است ولی بجد اللہ جز پریشانی حال و ضیبت آمل و خسران
 مال تا بحال نتیجہ و فائدہ ای نبرده اند و یقین است کہ روز بروز
 ذلیل تر و مضحک تر خواهند شد و آنچه از قلم میثاق صادر تحقیق تمام
 خواهد یافت و وعدہ محتموم ثبوت خواهد شد .

باری در خصوص تقریر گذارشات و تحریر راپورت کافی التاب بنجو
 اختصار مجری دارید زیرا استماع بشارت امریہ باعث سرور قلب
 و تسلی خاطر این ستمدیدگان است .

ہنگام تشریف و زیارت با عتاب مطہرہ مقدسہ نوزاد سربرستان
 نہادہ با کمال تضرع و ابہتال فرید یابید و توفیق برای آن حضرت
 و عموم دوستان آئی و یاران با وفای رحمانی رجا و استدعا
 می نمائیم . و علیکم البہاء و التشاء فانہ بہ سائتہ

۱۵ ذیحجہ ۱۳۴۰

فرع دود و حرمانیه و غصن محبت زرد و شجره ربانیه حضرت شوقی
 افندی نظر کثرت احزان و شدت محن و آلام و تأثر و تحسیر از صعود
 مبارک مولی الانام حضرت عبدالبهاء ارواحنا لرب تراب تریبه المعطره
 المطیبه فداء اراده نموده اند که ایام معدودی در مرکز خلوتی
 با حالت فراغتی مناجیاً متبتلاً مستقبلاً متضرعاً الی ملکوت الانوار
 اوقات مبارک را صرف فرمایند لهذا هاجرت و مسافرتی موقت
 با طرف فرموده اند و امید است که عنقریب مراجعت خواهند فرمود
 لذا فانیه جوابی شماره با اختصار نگاشتم

۱۹ - طهران اعضا محترم محفل نشر نفحات علیم بحسب ائمه و شماره ملاحظه فرمائید

به ائمه

نامه متورخه ۱۹ ذیقعدہ ۱۳۴۰ نمبر و ۳۵۵ وصول یافت .
مضامین نشر نفحات ملکوت علیین بود و سبب سرور و تسلی خاطر این قلب
خرین و فواد عمیقین گردید . آن محفل قره بعین محافل است زیرا اعضایش مکتوب
ناشر اند و اجزایش مستند از فیوضات رب الایات البہرات و یقین است
تأییدات الهی و توفیقات صمدانی از جمیع جهات احاطه خواهد نمود .

یازده الواح مبارکه مطبوعه و همچنین ترجمه روزنامه انیسفر که ضمن نامه ارسال
فرموده بودید کل قرائت و تلاوت گردید و روح و روحان از مشاہدہ آن
آثار بدیعہ منیعہ حاصل شد حال اگر ممکن دو یا سه نسخه دیگر از الواح صحایا
مبارکه ارسال ببقیہ نورانیہ فرمائید .

ہنگام شرف و زیارت باعقاب مقدسہ رحمانیہ با کمال تضرع و اہتبال
مزید الطاف در حق آن بندگان جانفشان بسیل نیران و یازدان باوقای
مرکز عهد و پیمان رجا و استدعائینمائیم . و علیکم البہاء و التمشاء

۱۹ محرم ۱۳۴۱ (بہائیت)

۲۰ - مرآة اعضای محفل روحانی عظیم بمجاء اللہ و ثناء ملاحظہ نمایند

ہواللہ

بندگان آستان جمال اقدس اہبی و یاران باوفای حضرت عبدالہیاء
 نامہ آن محفل نورانی رسید و ملاحظہ فرماید . از بشارت اتحاد و اتفاق
 وثبوت و رسوخ و توجہ آن دوستان رحمان بولی امر حضرت یزدان و
 غصن ممتاز رب عزیز نشان نہایت سرور و روحانیت حاصل گردید .
 فرع دوختن ربانیتین و عمرہ شجرتین رحمانیتین حضرت شوقی افندی
 نظر بکثرت احزان و شدت تاثر و تحمیر از صعود مرکز عہد و پیمان ملک
 اکوان حضرت عبدالہیاء ارواحا لرمہ الاطر فداء ارادہ فرمودند کہ
 چندی و جیداً فریداً در مرکز خلوتی تبصرع و ابہمال و مناجات باحت
 قدس رب آیات البینات اوقات مبارک را بگذرانند لہذا مسألتی
 موقت باطراف فرمودہ اند و امید چنان است کہ عنقریب مرجعت
 بارض اقدس خواهند فرمود پس فانیہ باختصار جواب نامہ
 آن محفل را نگاشتم و با کمال عجز و نیاز طلب تأیید و توفیق در حسیح
 شون برای آن ثابان بر پیمان از آستان حضرت یزدان نمودیم

فی الحقیقه حضرت حاج علی محمد آقا احمد آف علیه بهاء الله الاهی
 بکمال جانفشانی بخدمت امرالله قائم و در نشر نفعات قدس دائم
 کمال زبان بستایش و شنای ایشان در نامه های خویش گشوده اند امید
 از الطاف الهی چنان است که در جمیع احوال مؤید و موفق شوند.
 جمیع یاران رحمانی را از قبل این مظلومه محرومه بکسیر ابرع
 ای ابلغ فرمائید. و علیکم البهاء و آتش ناء ۲۲ محرم الحرام
 ۱۳۴۱ فانیه بهسائیة

۲۱- شیوان بواسطه محض روحانی جناب احمد علی شیوانی علیه
بهاء الله و شانه ملاحظه نمایند

هو الله

بنده ثابت راسخ باوفای جمال اهی . الحمد لله که بزیارت و تلاوت
الواج و صیایای مرکز میثاق محبوب آفاق حضرت عبدالبهاء
ارواح را رسد الاطر فداء فائز و مشرف شدید و گلشن جان و دل
طراوت و لطافت بی اندازه حاصل نمود . این عنایات از خصائص
این ظهور اعظم افخم اکرم است که بسبب راد واضح و دلیل رالایح فرود
هر دم باید شکرانه بساحت قدس جمال جانان نمود که چنین فضلی بسزوی
داشت و چنین فیضی احسان فرمود و بخدمت و جانفشانی قیام
کرد تا حسن و فایا حسن و الطیف و اتم و اقوم و جوه جلوه نماید .
هنگام تشریف باعتاب مقدر نظر نورانیه سرسجود نهاده
باکمال تضرع و ابتهال رجا و استدعای تأیید و توفیق از درگاه
ذوالجلال میسئایم .
در خصوص شرفیابی بارض اقدس الحمد لله که از قبل مأذون بوده اند

و آن

وآن اذن باقی و دائم ولی چون حضرت غصن ممت از عجاقتا در
 ارض اقدس تشریف ندارند و عنقریب مراجعت خواهند فرمود
 بهتر آن است که غزیمت تشریف را مرهون مراجعت و تشریف
 فرمائی و آتی امر نمایند و آنوقت عازم کوی دوست شوید تا شرفایی
 از هر جهت تمام و کامل باشد

و علیکم البصائر و التشاء (بهائیه) ۲۲ محرم الحرام

۲۲- شیوان اعضای محض روحانی علیم بهما، الله و شانه ملاحظه نمایند

هو الله

بندگان استان جمال اسی و یاران باو فای حضرت عبدالبهاء
 اگرچه صعود مرکز نیای محبوب آفاق مصیبت عظمی بود و بلیت کبری
 و آتش همچون آن شمس تابان محرق دل و جان. چشمی نمائند که درین باقم
 خون نگریت و سینه ای نمائند که آه سوزان کشید ولی الحمد لله که الوح
 و صایای آن نسیج فضل و احسان و تعیین مرکز امر و پیمان تسکین سوز و
 گذار و آه و فغان کرد و مرهم زخم دل های پریشان شد. قوت امر
 جلوه عظیمی نمود و سطوت کلمه الله اقتدار عجیبی بنمود و روز بروز افزا
 و آثار این قوت و اقتدار آشکار تر و پدیدار تر شود. حال بشکرانه این
 الطاف باید خورر استعد و همیای خدمت نمود و بموجب تعالیم
 جمال مبارک دو صایای حضرت عبدالبهاء که حیات عالم و نجات
 امم است قیام و عمل کرد تا از هر جهت ابواب سرور و روحانیت
 بوجه عموم مفتوح و باز گردد.

غصن مست از دولی امر الله حضرت شوقی افندی نظر شدت

احزان و کثرت مصیبت و آلام ازرزیه وارده و بلیه نازله اراده فرمود
 که چندی و جیداً فرید آدر مرکز خلوتی تبصرع و ابتهال و مناجات
 بساحت قدس ذوالبحال صرف اوقات مبارک را فرماید لهذا
 چندیت که مسافت فرموده اند ولی امید شدید است که در همین
 مدت قلیل مراجعت بارض اقدس فرماید . عجائبات این منظومه
 محرومه جواب نامه آن محض نورانی را با اختصار نگاشتم .

فی الحقیقه جناب حاج علی محمد آقا احمد آف علیه بهاء الله الهی
 بخدمت عظمی قیام فرمودند و نیفیه شهر شهر و قریه بقریه زنده نغمات
 قدس رحمانی را منتشر ساختند و بسبب سرور قلوب اجا و نشاط
 و انبساط یاران الهی گشتند . بنیاً لهم من هذا الفوز العظیم .

جمع یاران و احبای رحمانی را از قبل این فانیه تحت ابدع الهی
 ابلاغ دارید و علیکم البهاء و الثناء فانیه بهائیه

۲۲ محرم الحرام ۱۳۴۱

۴۲- خراسان فروغ حضرت فروغی علیه بقاء الله وثناءه ملاحظه فرمایند

هوالمحبوب

بنده آستان جمال اقدس ایمی دیار عزیز باوفای حضرت عبدالبهاء
نامه پر سوز و احتراق که در فراق و صعود دلبرا فاق نیز عهد و میثاق
با چشمی اشکبار و نوادی آتش بار و قلبی شکر بار مرقوم و ارسال فرموده
بودید رسید و ملاحظه گردید. بزم مصیبت را ببار است و جشن غزار را
از نو بر پا داشت. این ماتم مؤلم طبعه ادبیم بود و در زبانه اضم. زلزله بر
ارکان وجود انداخت و دلوله و غلفه در سگان ارض و سما افتاد.

این ماتم مؤلم بجای مبرم بود و قضای بدلم. بنیان سرور را منهدم
ساخت و بنیاد شادی و جهور را منهدم نمود. از این ماتم مؤلم نجوم
در رمی کفهر گشت و سما معانی منقطر شد. این ماتم مؤلم شعله آفاق
زد و بسج طباق را محرق ساخت. از این ماتم مؤلم هم و عم قبایل و اعم
احاطه نمود و خزن و الم شوب و مل را فرا گرفت. برق این ماتم جهانرا
بسوخت و جهانیان را بگر بدوخت و خاک سیاه بر فرق امکان نخت
این بجای ناگهانی صبح نورانی را شام ظلمانی نمود و یوم پرانوار را تیره

و تار کرد. از عیون عیون خون جاری گشت و از صد و مجروح ز فرات و
 حشرات بلند شد. آه و این ملائکین مرتفع گشت و صیح و صریح
 اهل فرودس برین بعنان آسمان رسید. نجیب بگا، از مکان برآورد
 ابی بر خاست و حوریات جان رحمن با گریبان چاک از غرفات عزت
 تقدیس و رفارف قدس تنزیه باکیات بعین، کاشفات الرأس،
 کاشفات الوجه، حافیات الرعل، لاطات المحدث برون دیدند و بجز
 و ندبه مشغول گشتند. آن یگانه محبوب آفاق حضرت عبدالبهاء
 ارواحا لرتبه الطاهرة فداء از یوم صعود جمال اقدس ابی تا ساعت عروج
 روح اقدس اطرا عدایش بملکوت اسنی و افق اسمی مدت سی سال
 نه شب آرام داشت و ز روز آسایش و قرار همسواره بدل مینالید
 و بجان میزاید. در نیمه شب آه سوزان از صد و مشکت بنان اهل طغیان و
 مرتفع و در سحر گمان سخن بدیع مناجات بمسامع سکان جبروت اعلی
 متوصل. طوفان بلارا با قلبی متواز و لا متقابل میفرمود و امواج زریا
 و هجوم شدائد و قضایا را با فوادی طاف بمسرات تحمل می نمود. هر غم
 بی امان را ببنگم فضل و احسان علاج می فرمود و هر درد بیدرمان با داروی

جود و لطف بی پایان شفاعت میگرد. هر مضموم محزون را بخشایش
 و نوازش گوناگون تملطف خاطر می نمود و هر مضموم دلخون را با لطافت
 حضرت بیچون تملی میداد. هر مایوس نا امید را بمواهب آلتیه مانوس
 میفرمود و هر محروم مجبور را بغنایات رحمانیه امیدوار مینمود. سینۀ اهل را
 سپر بلا و سپیل مذهب فرمود و وجه انور را معوض لطافت نازله از کفل جبارت
 نمود. آن مظلوم آفاق را خرب شقاق از هر طرف احاطه نمودند و جند
 نفاق از هر جهت مهاجم گشتند. اهل فتور در ظلم و جور قصور کردند و شانه
 غرور در افترا و بهتان و عدوان و طغیان کوتاهی نمودند هر دم علت
 درد و المی گشتند و هر محظنه سبب حزن و غمی شدند. بنیان امر الله را
 ویران خواستند و بنیاد دین الله را آرزوی غلل نمودند. در تفریق جمع
 کوشیدند و در تشیت شمل و سیده ای فرو گذار نشمودند. با هر مخالفی
 موافق شدند و با هر منافقی موافق گشتند. در القاء و فساد و فتنه و فحشاء
 و نیمه هر دینه ای تشبث گشتند و بهر خسیسی پیوستند. در چنین حالتی
 و چنین غربت و کربتی و بلا و مصیبتی آن مظلوم آفاق بوسه یابا و نصایح
 شفاعت مشغول بود و بخواهت دو صایای آینه کمال را پند نصیحت میفرمود و بر ثبوت

و رسوخ بر امر و زراعت در صانت و متانت دلالت مینمود . باری از
 جتنی هجوم مل را مدافعه میکرد و از جهتی اذیت و تعدی اهل عدوان را بر
 منطلومان مانعت می فرمود و وقتی غیوم شبهات اهل ارباب را مقبذ
 و پراکنده مینمود و هنگامی اثبات آیات بنیات میفرمود و در جمیع احوال
 و اوقات تمام قوی حفظ امر الله نمود و حراست و صیانت شریعت الله
 کرد و مقصد وحید و مراد اصلی از تحمل این مشقات و حمل این بیات
 حفظ کلمه جامع بر بنیة بود و صیانت دوحه فردانیه و تربیت نفوس مستعد
 و تهذیب کینونات صافیه و تقلیب ماهیات قابله و تضمین اسرار الهیه
 و تنویر سرر ابرو حانیة . حمد ساحت محبوب اقدس ای را که اسرار آن
 الطاف آشکار شد و الواریر اعطاف لایح و نمایان گشت . کتاب
 مستطاب و صیایای حضرت عبدالبهاء فصل الخطاب آمد و اسرار مبد
 در کتاب آشکار شد . تجلی فضل سپایان هویدا و عیان گردید و عهد
 اقوم و میثاق اتم بنام غصن ممتاز و ولی امر الله حضرت شوقی
 افندی ازیراعه اعظم انجم رقم شد و سرملنون و در مصون بعون
 و عنایت حضرت بیچون ظاهر و واضح گردید . این فیض عظیم و فوز

بین بر ابرار و اختیار بارقه انوار بود و بر ناقصین اشرا صاعقه منتقم قهار
 باری در تحریر جواب نامه آن حضرت فی الجمله تأخیر شد
 و سبب شدت احزان و هجوم محن و آلام بود البته این مظلومه محزون
 را معذور خواهید فرمود . هنگام تشریف و زیارت با عتاب مقدسه
 مطهره نورانیه ارواحا لمظلومیتیم الغدا و از قبل آنحضرت و عموم
 یاران رحمانی نایب الزیاده، مستقیم و مزید یابید و توفیق راجعاً و استعنا
 ینمائیم . از قبل این فانیه و اهل سرادق محضت و عصمت حضرت
 حرم مبارک و سایر ورقات سدره قدس رحمانیه و دوحه عزربانیه
 نسبتین و عموم اجباء و اوایا، و اصفیای الهی و کمیزان عزیزان
 بدفای صمدانی را بتجیات ابدع اتم انبی و اذکار اجمل اکمل اعلی
 ذاکر و مکبر شوید . و علیکم البهاء و الثناء ۲۲ محرم الحرام ۱۳۴۱
 فانیه کعبانیه

جناب محمد حنفی انصاری و جناب آقا محمد رضای انصاری

علیها بقاء الله الابی ملاحظه فرمایند

بوالله

ای دو بنده آستان جمال ابی دودیار با وفای حضرت عبدالمجید
نامه ای که شترکام قوم و ارسال نموده بودید رسید و ملاحظه گردید
از سرور و انبساط آن دو خادم جانفشان حق و ثبوت در سوخ آن
دو نفس خاضع خاشع در گاه غمی مطلق بنایت روحانیت و تسلی خاطر
حاصل گردید از فضل و الطاف محبوب امکان امید چنان است
که روز بروز تبایند و توفیق فرید گردد.

از زیارت و تلاوت الواح و صایای حضرت عبدالبهاء اظفار شکر
نموده بودید فی الحقیقه عنایتی عظیم از آن در عالم وجود متصور نه
المحمد که مرکز امر و مرجع عهد منصوص و واضح و باهر آمد و قلوب یاران
رحمان تسلی و اطمینان تام حاصل نمود و بروح جدیدی در روحانیت
بدیعی مویید و مبعوث شدند.

جناب آقا محمد رضا علیه بقاء الله الابی که از قبل باذن شرفیابی

منتهی بودند آن اجازه دائم و باقی است و اگر چنانچه حرکت و توقف
 بمرض مقصود امر همون تشریف فرمائی و رجوع حضرت غصن متناً
 نمایند احسن و اصبوب است تا از هر جهت نعمت فیض و فوز تمام
 و کامل شود. و علیکم البهاء الالهی ۲۲ محرم الحرام ۱۳۴۱
 (بهاءیه)

۲۵ - گاوکان اجای الہی علیہم بہما والہ شائد ملاحظہ نمایند

ہوالہ

بندگان آستان جمال اہی دیاران عزیز باوقای حضرت عبدالہاء
نائد شمار سید و تلاوت گردید . از یقین مرکز امر الہی و ولی عہد ربانی
شکرانہ بدرگاہ رحمانی نمودہ بودید و انظار ہستان در وحانیت فرمودہ
بودید فی بحقیقہ در عالم وجود حقیقی اعظم ازین نہ و فیض و مہبتی اکبر
ازین نیست . حضرت عبدالہاء ارواحا لرمہ الاہل فرادہ فضل عظیم
فرمود و عنایت جزیل منبذول داشت . شاہراہ ہدایت را واضح نمود
و مرجع اہل بہار اہل کمال صراحت توضیح و تشریح فرمود و آنچه سبب
سعادت ابدی و دستگیری و فلاح و نجات سردی است از برادر لطف
وجود مرقوم و مشہوت داشت . حال وقت قیام بر خدمت است
تمام قوت تازہ بروز سرور و شہرت حاصل شود و روح در بیان دل جان
کامتر گردد . غصن محبت از و ولی امر اللہ حضرت شوقی افندی
نظر شدت اخزان و کثرت مصائب و آلام از صعد مبارک محبوب
انام ارادہ نسر نمودند کہ چندی و حیداً فریداً در مرکز خلوتی تضرع

داہل

و اشتهال و مناجات اوقات مبارک را صرف فرمایند لهذا
 موقفاً مسافرتی باطراف فرموده اند و امید است که عنقریب رحمت
 بارض اقدس فرمایند پس فانیه جواب شمارا باخصصار نگاشتم .
 جناب حاج علی محمد آقا اهداف علیه بھاء اللہ الابی فی الحقیقہ
 بخدمت عظمی قیام فرمودند و نبشر نجات قدس رحمانی مشغول گشتند
 و در جمیع مواقع مؤید و موفق شدند . طوبی لهم و منیناً لهم
 و علیکم البھاء و التشاء فانیه بہائیہ

۲۴ محرم الحرام ۱۳۴۱

۲۶ - محققان اعضای محفل روحانی عظیم بهاء الله و شانه ملاحظه نمایند

هو الله

بندگان آستان جمال ابي و ياران عزيز با وفای حضرت عبدالبهاء در قوم مسطور
 ملحوظ گردید و از سرور و روحانیت و ثبوت و استقامت آن جمع محترم
 نهایت روحانیت حاصل شد. غصن محبت از دوتای امر الله حضرت شرفی
 افندی نظر حکمت بالغه مسافرتی موقت با طرف فرموده اند لهذا عجائبات
 این مظلومه جواب شمار مختصر میکنم. جناب حاج میرزا علی محمد آقا
 احمد آف علیه بھاء الله الاهی بخدمت عظمی قیام فرمودند و حاصل نغمات
 مشکبار رحمانی شدند و بر بدن و قری عبور و مرور فرمودند و شام دل
 و جان یاران الهی را معطر و مغرب نمودند و الواح و صایای حضرت عبدالبهاء
 را بسمع اهل وفا القا کردند و در جمیع شئون و احوال مؤید و موفق شدند
 طوبی لهم و منیناً لهم. بنگام شرف و زیارت با عتاب مقدسه نورا
 بالکمال تضرع و ابتهال رجای عون و صون و عنایت و تأیید برای کلت
 نیناسیم. و ابھاء و الشنا علیکم. ۲۴ محرم الحرام

(بجایه) ۱۳۴۱

۲۷- طهران بواسطه جناب دوا فروش علیه البهاء و اثنائه جناب آقا
میرزا لطف الله موهبت علیه کعبه الله و شانہ
ہوائہ

بندہ آستان جمال اقدس امی یار با وفای حضرت عبدالبہاء مکتوب شمارید ولاحظہ
گردید مضامین عجز و نیاز بدرگاہ حضرت بی نیاز بود لہذا قریش باعث
تسلی قلب این محزونہ مظلومہ شد. در این قرن انجم انوار فضل و عنایت
طلعت قدم واسم اعظم اینجانب خاک را تابناک فرمود و مواعظ و نصایح
مشفقانہ حضرت عبدالبہاء یاران رحمانی و دوستان نیردانی را آیت حضور
و شوع نمود و تعلیم محبت و فائز نمود و درس پاکی و آزادگی آموخت و تفہیم
حقایق و معانی کرد پس کل در آن فضای متعالی ذرات حقیریم و در آن
عزیز گریائی اشباح ناتوان و ذلیل. اوست مجیر کل و نصیر و ظہیر کل و حافظ و یار
کل. چون نظر بخود نمایم کل ما یوسم اما او بخود و الطاف و مہمت و اعطاء
با کل ما نوس و یقین است کہ امتحان و فہستان از لوازم ضروریہ امکان
علی الخصوص برای نوع انسان بااختصاص برای مدعیان محبت ایمان تاغش
از زمین و پاک از ناپاک و مشوش از خالص تمنا و سرافراز گردد. آیہ مبارکہ:

« اَلَمْ أَحْسِبْ اِنْسَانًا لْيُرْكَوْا اَنْ يَقُوْلُوْا اٰمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْقَهُوْنَ » در هر لحظه
 و آن حکم و نفوذش جاری و در سریان . آما زرار آتش سبب مزید جلوه نورانی
 است پس امیدوار چنانیم که تبرع و ایتهال و دعا و مناجات و حسن
 نیت و وفاد طیب سریرت و پیروی حقیقت و قیام بر خدمت قیام
 و توفیق حضرت احدیت بعالمی در آئیم و بجالتی برسیم که رحم او شامل حال
 شود و نصرت و یاری او دستگیری فرماید . الحمد لله که شما همواره بر نشر
 نغمت الله و اعلاء کلمه الله موفق بوده و یقین است که تموید خواهید بود
 اسامی مبارکه مرقومه در نامه حرم محترمه ائمه الله جذبه خانم صدیه متصاعد
 الی الله جناب آقا محمد و جناب آقا غلام حسین و ضمیمه ایشان ائمه الله
 قدسیه خانم علیها و علیها الهباء و آشنایان را از قبل این فانیه تحت
 مملکتیه رحمانیه ابلاغ دارید .

بهنگام شرف و زیارت با عتاب مقدسه مطهره نورانیه سبج و نهاده
 رجای فیض و برکت وجود برای کمال مسنایم . و علیکم الهباء و آشنایان

بکسانیه

غرة صفر سنه ۱۳۴۱

۲۸- طران بواسطه حضرت بشیر آملی جناب حاج میرزا حسن نیکو
علیه البهاء و آشناس ملاحظه فرمایند

هو الله تعالی

بنده جانفشان آستان مقدس جمال ابی دیار باوفای حضرت
عبدالبهاء نامه مسطور منظور افتاد و معانی سبب سرور قلب این مجزونه
منظومه گردید. از فضل سلطان بقا آن نفس زکیه مطمئن بنصیحات
طلعت اعلی و آن شجره شمره میفوا که جنت ابی چنان ریشه در ارض طیبیه
عرفان و ایقان محکم و متین نموده که عواصف جور و طغیان اهل عدوان
و قواصف سم و تعدی نادانان را در آن تأثیری نه بلکه روز بروز نشو
و نمایش سرعیر و ظهور و بروز آتاش شدید تر.

صورت جوانی که بر من استکبر علی الله و نکست عهد الله مرکز نقص
مرقوم فرموده و لغاً ارسال نموده بودید ملاحظه گردید. مضامین حجت
قاطع و برهان ساطع بود ولی افسوس که نسائم روح پرور اشجار یاسه را با بهتر از
و حرکت نیارد و اریح جانخش گلزار احدیت در خزه صفا و حجر مله اثر نکند.
پریشان شود گل بسا و سحر نه مهزیم که نشکافش جز تبر

همان است که مرقوم فرموده اید قد طبع الله علی قلوبهم و فهم الله
 علی سمعهم و آذا نهم و لا تغنی الآیات و النذر . مدت سی سال حضرت
 عبدالبهاء ارواحا لرسمه الأظهر فداء از ظلم و انحراف و ازیت و جنایات
 بیوفایان که بر میکیل امرالله رواداشتند ناله و فغان فرمود و گریه و زاری
 نمود و نصیحت فرمود و بآدمه و برابین ارضی و سماوی و عقلی و نقلی و حسی
 اثبات نمود که نتیجه نقض خسران مسین است و عاقبت نکش زیان
 و پریشانی و وبال و خیمت آمال . تحیر اینجاست که آن مواظب محبت
 آمیز و آن نصایح شفقت انگیز حسن اثر که بخشید سهل است بلکه یوما
 فیوما بر طغیان و عیسان و بغض و عدوان آن بیوفایان فرسود
 تا بالآخره « سوف یجدون انفسهم فی خسران مسین » تحقق یافت
 چنانچه در الواح و صایا حضرت عبدالبهاء مخاطباً لاجتباء می فرماید که
 ملاحظه مینمائید که نقض چگونه روز بروز رو باضمحلال است حال باوجود
 این حرکت مذبوحی که دارد باز بشر شبهاست و انتشار اوراق اقلیه
 مشغول و از جمیع اطراف و انکاف اجبای الهی جواهرهای کافی
 وافی مرقوم فرموده رد اقوال پیورده سخیفه او نمودند فرج کسید

مركز انقض الی نحره . عنقریب این رایجہ و فراء مقطوع شود و صحیفہ
 امر از این نقطہ سودا پاک و ظاہر گردد .

از اشتغال و انجذاب و قیام اجبای الہی بر خدمت امر اللہ و نشر
 نعمات اللہ مرقوم فرمودہ بودید این ثرہ بشارت عظمی بود . از
 مشرق الأذکار سنگسار و تخریب آن بید بخردان مرقوم فرمودہ بودید
 از حق میطلبیم عدل و انصاف عطا فرماید و ہر شیاری و بیداری بخشد
 جمیع یاران عثمانی را از قبل این فانیہ تحت ملکوتیہ ابلاغ فرمائید
 و علیکم البہاد و التشاء ۱۷ شہر صفر ۱۳۴۱ (بہائیہ)
 اہل سراق عفت و عصمت حضرت حرم مبارک و سایر و رفات
 دوہ قدس ربانیہ عموماً تحت ابدع ابھی ابلاغ میدارند .

(بہائیہ)

۲۹- طهران جناب آقا میرزا غلامعلی دوا فروش

علیه بهاء الله و ثناء ملاحظه نمایند

بوالله تعالی

بنده آستان مقدس جمال اهی نامه ای مرسوله مورخه ۲۵ محرم
 نمره ۳۵۸ درهم صفر نمره ۳۵۹ برود و اصل ملاحظه گردید.
 همچنین پاکت نمره ۱۲۷ از طرف محض روحانی آن نیز وصول یافت
 از بشارت صحت و عافیت آن حضرت و عموم یاران رحمن نهایت
 سرور و روح و ریجان برای عموم عائله مبارکه حاصل گشت ولی از حرکات
 ناشایسته بعض نفوس غافله نسبت باجاء الله که اخیرا پی در پی خبر
 رسیده فرید براخران و آلام گردید از عتبه رحمانیه سأل و آلمیم که
 بهوشان راهوش در ایت عطا کند و خفقان را بیدار و آگاه نماید
 و دیده بصیرتی بر حال عقد و حل امور عطا کند تا بین مصلح و مفید
 تمیز دهند و این را از خائن و بدخواه را از خیرخواه فرق گذارند و
 بشناسند. امروز تلگرافی با جناب شد و استفسار از راجحی یاران
 گشت منتظر جوابیم زیرا بی اندازه نگران خاطریم.

پاکت

پاکت حضرت امین که تفافستاده بودید ملاحظه گردید و اینک
جواب نگاشته در جوف ارسال میشود، همچنین نامه‌ای که بمحصل روحانی
مرقوم آن نیز در جوف است.

هنالان بوستان محبه الله جناب غلامحسین و جناب غلام عباس
و جناب غلام الله و صبایای محترمه روح بگیر و مهر بگیر و فرح بگیر
و امه الله و والده محترمه شازا از قبل این فانیه و حضرت حرم مبارک و
درقات سدره رحمانیه تحت و سلام و ثنا برسانید، همچنین جمیع
یاران را تحیات ملکوتیه رحمانیه ابلاغ فرمائید و در مقامات تقدسه
مطهره کمال تضرع و ابتهال رجا و استغای عون و صون و حفظ و
حمایت از برای کل مسیمائم و علیکم ابهاء و التشاء

۲ ربيع الأول ۱۳۴۱

(بهائیه)

۳۰ - اصفهان جناب آقا میرزا عبدالحسین خان عکاس جلالی

علیه بجزا و الله و ثناءه ملاحظه نمایند

هو الله تعالی

بنده آستان مقدس جمال اصبی مکتوب مورخه ۱۵ صیام که حضور
غصن ممتاز دولی امرالله حضرت شوقی افندی معروض و ارسال نموده
بودید وصول یافت و مضامین معلوم گردید در خصوص مرکز نقض و
اوراق شبهات اوسه سال بود که این شخص در داخل و خارج بقتنه و فساد
و زرع بدو رشتاق و نفاق مشغول و همی و غمی و فکری و ذکر می جزا خست
در امرالله نداشت چنانکه نزد خاص و عام چون آفتاب واضح و سبزه
و در آثار صادره از قلم مرکز میثاق و همچنین در الواح و مسایلی مبارکه حضرت
عبدالبهاء ارواحنا رسته الاظهر فدا و نوایا و قبح افعال و مقاصد شیطانیه
او مشبوت و مسطور است دیگر لزوم بشرح نیست تا آنکه مصیبت
عظمی و زریه نگبری در این اوقات واقع شد مجدد مرکز نقض بخمال خود
میدان را خالی و فرصت را منتقم شمرد و بحال تمت قیام بر تشار اوراق
شبهات کرد غافل از آنکه تعالیم جمال مبارک و او امر اسم عظم جل ذکره

و ثناء

و شانه و نصیاح و مواظب حضرت عبدالبهاء ارواحنا لملکوتیه الفداء بنیه
 و اساس امر اچنان قوی و محکم و بنیان کلمه الله را چنان زرین و محکم فرموده
 و اجابای باوقای خود را بعالمی گشاده که قوای من فی الوجود و سطوت
 و اقتدار صفوف و جنود بغض و عنایتش رخنه و اثر و نفوذ در طفلی بهائی نماید
 و در از صراط مستقیم و منج قوم منحرف سازد چه خاصه رحالی که هر یک
 چون جبل بانج و طول شامخ مستقیم و ثابت و راسخ در محبت الله هستند. و در
 این مدت مدیده و سنوات عدیده بجد الله جز خسران و زیان و خسیت
 آرزو و آمال چیزی دیگر نیافت و نخواهد یافت علی الخصوص در این اوقات
 مبرطرف که هجوم نمود سدی محکم و سدید یافت و سهام شبهات او مردود
 و مرجوع بخود او گشت و مصداق بیان مبارک در الواح و صایا « فرج
 کیدر که تنقض الی نخره » ظاهر شد: بهر جا که رسائل شبهات فرستاد بعینه
 همان را بعضی با جواب و برخی بی جواب راستا بخود او با گشت نمودند لهذا
 بکلی بایوس از رخنه در امر الله گشت.

و اما سألہ آقا عبدالمهدی شرح حاشی منحصّل است مختصر نیست که
 حق جل جلاله باب توبه را باز گذارده و اما معنی توبه تغییر مسلک و شرب

واعمال و افعال انسان است نه مجرد بقول و کلام هر وقت حرکات
 و سکنت و رفتار و کردار انسان موافق تعالیم جمال مبارک در نصیاح و عطا
 حضرت عبدالبها شد آن توبه توبه حقیقی صمیمی قلبی است و یقین است
 که مقبول عند الله است و مادون آن بی نتیجه و بی ثمر است و اما شخص
 معهود هنوز در اوج غرور و استکبار طیران مینماید. از حق میطلبیم آگاهی
 بخشد و انقیاد و دانائی عطا فرماید.

یک ظفری عکس مبارک حضرت عبدالبهاء اردو احوال مره الاطرفه
 با حضرت غصن ممتاز مخصوص آنجناب لفا ارسال میشود.
 جمیع یاران و احبابی آن سامان را از قبل این فانیه و اهل سرادق عفت
 و عصمت حضرت حرم مبارک و وورقات سدره رحمانیه تحت ابد
 ملکوتیه ابلاغ فرمائید.

بنگام تشریف و زیارت با عتاب مقدسه مطهره نورانیه نایب الزیارة
 از قبل کمال مستقیم ورجا و استدعای فریدتاید و توفیق برای عوم بنمایم

و علیکم البهاء و الثناء ۵ ربیع الاول ۱۳۴۱

بهائیه

۳۱ - حضرت آقا میرزا ابراهیم خان شیردیوان علیه‌سأله و آله و شأنه ملاحظه فرمایند

هو الله تعالی

بنده جانفشان استبان جمال قدم نامه آنحضرت نورخنده ۲ محرم وصول یافت
از علوهیبت و اقدامات فائده آن منجذب حقیقت تلیت خاطر حاصل
گشت و سبب تعزیت عموم عالمه مبارکه و وورقات سدره رحمانیه گردید .
آن آیت ثبوت و استقامت از مخلصین و مقربین درگاه احدیت معدود
و جمیع خدمات مدوده مشکوره شما در صحیفه نورا، بنده افضل و جود ثبوت
و مسطور . هر آن در عقبه مبارکه سر سجده عجز و نیاز گزارده شکر و حمد محبوب الهی
نمائیم که جمال مبارک چنین بندگان نورانی خلق فرمود و حضرت عبدالبهاء
چنین دوستان باوفای رحمانی را تربیت نمود و در حصن جود و الطاف پر
داد و بتأییدات ملکوتی نوید فرمود و بجنود آسمانی نصرت نمود و ابواب سعادت
ابدی و فلاح در سنگار برابرد و آنان گشود و در مدارج مواهب معنوی ارتقا بخشید
فی الحقیقه پس از فاجعه عظمی مصیبت کبری صعود مبارک حضرت عبدالبهاء
ارواح لرمه الأظرفداء بقای در این تنگنای امکان و ذریت در بن نظم
این جهان بسی دشوار و ناگوار ولی بامید آنکه بلکه بنجد متی در سبیل الهی موفق

شویم و محبوبیت رضای رحمانی نائل گردیم. خود راستی دسیم و صبر و تحمل پیشه
گیریم و آلا از این دهر بوی فاجه توقعی داریم و از این زمانه پر جور و جفا چه صفا و
دو فانی جوئیم. جواهر وجود را نصیبی خبر تلخی و سوانح روح را غیر از ابتلاء، نظم
و ستم بهره ای نبود دیگر این ذرات نابود را چه ذکر می و چه وجودی.

باری امید داریم که در جمیع شئون و احوال منصور و منظر گردید. مکتوبی
بجناب آقا عزیز الله صدر العلماء جدید علیه بها و الله الاهی مرقوم و لفا
ارسال میشود تسلیم ایشان بفرمائید و تحت مکتوبه از قبل اینفانیه ایشان
ابلاغ نمائید. جمیع یاران آتی و اولیای رحمانی را در خفا و سایر نقاط
از جانب این مظلومه و اهل سراق عفت و عصمت حضرت حرم مبارک
دور قات سدره رحمانیه با ذکر بدیعه نسیعه ذکر شوید. از حسن ترتیب و نظام
مجلس تبلیغ و سایر مجالس نهایت برود حاصل گشت انشاء الله روز بروز بوقت و نفوذ فرود کرده
و بموارد مرعات حکمت را بفرمائید زیرا لازم است تا موصفا و غوغائی از جهل و ابله و قباخ
جدیده مکرر بظهور نرسد. امید افضل حق چنان است که در همین اوقات قریب غرض مستانگی
امد الله حضرت شوقی افندی از سفر و هجرت در جهت بارض اقدس فرمائید و البته ذکر خیر آن
و عموم یاران مان در حضور ایشان خواهد و عظیم البها و او. بهائیه ۱۵ ربیع الاول ۱۳۴۱

بواسطه حضرت میردیوان علییه بهاء الله الابهی
 خلیل جناب آقا عزیز الله صدر العلماء، نجل من صدق الی الرفیق الاعلی
 حضرت آقا اوس صدر العلماء علییه بهاء الله الابهی
 بهاء الله تعالی

بنده مقرب آستان جمال ابهی خبر عروج بنده مقرب درگاه گریاه
 والد محترم بملکوت اعلی بسمع این ستمدیدگان رسید و براخران الام
 عموم عائله مبارکه افزود. از فضل الهی امیدواریم که صبر جمیل بیارماندگان
 آن شخص حسیل در این خطب حسیم عنایت فرماید. در هر حال باید بر
 تسلیم و رضا بر آنچه که قلم قضا امضاء نموده بخشاد و یقین است که
 آن طیر و فاباستان بقا پرواز نمود و در ملکوت علین با اهل راز و
 نیاز و سازگشت و برضای منیره مطمئنند واضح و مبرهن است که
 پس از مصیبت عظمی و نزول زرتیه گبری صعود مبارکه حضرت
 عبدالبهاء ارواحنا لرمه الاطهر فداء برای نفوس رحمانیه صلح تمیص
 جسمانی موهبت آسمانی است و انتقال بعالم الهی بخشش یزدانی
 لهذا محزون و مغموم باشید. الحمد لله آنحضرت نعم الاثر و نعم الخلف

آنوچود نورانی هستید و البته بحال قوی بر سنج و مسلک آن بزرگوار
 سلوک و رفتار خواهید نمود تا نفوس غافل را بشریعیه الهیه دلالت
 فرمائید و تشنگان را بر چشمه عذب عرفان وارد کنید . مخلص
 بفضل و عنایت جمال مبارک و مهربانی و وفای حضرت عبد البهاء
 باشید .

از قبل این فانیه و حضرت حرم مبارک و درقات سدره رحمانیه
 تنوم بازماندگان را تسلیت دهید و تحت مملکتیه رحمانیه ابرار
 فرمائید و علیکم البهاء و التشاء . بهائیه

۱۵ ربیع الاول ۱۳۴۱

۳۳ تبریز حضرات برادران احمد اف علیهم

بها و الله و ثناءه ملاحظه فرمایند

هو الله تعالی

برادران احمد اف و یاران محمود رب و دود نامه مورخه یا محرم
 ۱۳۴۱ رسید و تلاوت گردید بشارات مرقومه سبب تسلی خاطر این
 محزون و عموم عائله مبارک شد. آن نفوس رحمانیه بل عموم آن
 خانواده همواره در جمیع مواقع بفضل و الطاف جمال مبارک و
 نظر شفقت و مهربانی حضرت عبداله با مؤید و موفیق بوده اند.
 آن جود و عنایت لم یزل از افق اعلیٰ مستمر و آن رأفت و وفا
 لایزال از ملکوت ابی شامل آن مقربان در گاه کبریا بوده و خواهد بود
 همت فوق العاده راجع بکلید روضه مبارکه مطهره و اقدامات فائده
 ای که در اینخصوص محفل روحانی تبریز اظهار داشتند سزاوار تحسین
 و تجیبات و امید است که عنقریب نتایج اهتمام مخلصین و متعزین
 در این خصوص باهرو آشکار گردد. از قرار معلوم و مفهوم حکومت محلیه
 حاضر مستعد آن است که چون انشاء الله در همین مدت قلیل

حضرت غصن ممتاز و ولی امر الله مراجعت بقیعه مبارکه فرمایند
 کلید را حضور ایشان تسلیم نماید و البته بشارت این ساله محتمله را
 بیاران اخبار خواهیم داد.

از آسایش و راحتی اجتناب و امنیت آن سامان مژده فرموده بودید این
 خبر بی نهایت سبب سرور قلوب محزون گردید.

مکتوب جوف را بجناب میردیوان علیه نفحات الرحمن تسلیم فرماید
 از قبل این فانیه و حضرت حرم مبارک و سایر ورقات سدره رحمانیه
 منتسبین و اسرار خانوادۀ خود و عموم یاران و اماراء الله راجحیت
 ملکوتیه رحمانیه ابلاغ فرمائید.

بنگام شرف و زیارت با عتبات مقدسه مطهره نورانیه نایب الزیاده
 از قبل کمال هستیم . و علیکم الصبحاء و التشاء

بهائیه ۱۹ ربیع الاول ۱۳۴۱

۳۴ - جناب آقا میرزا یوسف خان وجدانی
علیه بهاء الله وثناءه ملاحظه فرمایند

بهو الله تعالی

بنده آستان مقدس جمال ابی نامه مورخه ۱۵ محرم که از شناسگر
ارسال نموده بودید و همچنین نامه ای که بجناب افغان آقا میرزا هادی
علیه بهاء الله الابهی مرقوم داشته بودید هر دو ملاحظه گردید .
ظلم و تعدی اشرار که برابر و اختیار مظلومان آن اقطار وارد بر خزن
و اندوه این غمخواران افروز . فی الحقیقه غافلان در جور و عدوان
کوتاهی نمودند و نادانان در اذیت و جفا قصور نکردند . چون نامه ها
قراست شد آن ولوله امان الرحمن و آن ناله طفلان و آن فغان جوانان
و آن این چنین پیران زنده دلان و آن هنگامه و غوغا در نظر محبتم
گردید . پس بادی حزین و فوادی نمکین توجه بعبثیه مقدسه عالیه نمودم
و عون و عنایت و صون و حمایت جمال ابی را رجا و استدعا کردم تا
دفع ظلم اشرار فرماید و یاران و امان خود را در ظل رعایتش از هجوم بدخواهان
محافظه کند . خوب وقتی شاهد شناسگر بودید برای مخابره با مکرر

و معاونت آن ستمدیدگان و نوازش و تسلی و درججوی آن بیچارگان .
 مکاتیب متعدده عمومی و خصوصی به شکر و ساری مرقوم شد
 و اینک بواسطه شاملاً ارسال میشود برای صاحبانش ارسال دارید
 الحمد لله شاملاً مقتضیات و شروط واجب و وفا علی و در سیر و حرکت
 المبتدیه بهر کشور که عبور و مرور فرمائید و بایاران ملاقات کنید سبب
 سرور و روح و ریحان گل گردد .

امید است که در همین اوقات نزدیک حضرت غصن ممتاز از سفر
 هجرت مراجعت بارض اقدس فرمایند . جناب آقا شیخ عبدالحسین
 آواره تفتی علیه بیا، الله الا بهی چند روز است که از باد کوبه و سلابول
 وارد تبعه مبارک شده اند .

اهل سرادق عنقت و عصمت حضرت حرم مبارک و ورفات و
 رحمانیه و عموم منتسبین شجره ربانیه تحت روحانیه ابلاغ میدارند .
 جمیع یاران الهی و امام ربانی را از قبل اینفانیه تحت و بنا ابلاغ
 دارید . و علیک البهاء و التشاء ۵ ربیع الثانی ۱۳۴۱

بھائیة

۳۵- بواسطه جناب میرزا یوسف خان دهبانی . شکر اجابتی الهی

و اما در حقن علیم و علین کعبا، الله الانبی ملاحظه فرمایند

هو الله تعالی

بندگان و کیزان آستان عظیم جمال الهی و ایران و خادوات حضرت عبدالباق
 واقعه مؤلمه و فاجعه مؤشیه شکر بر ابراهان و آلام این مظلومه و محوم عالمه مبارکه
 افزود. شکر در فیر قضا و قدر شد و اجابتی الهی و اما در حقانی عرض
 خطر شدید گشتند. اشرار در اذیت و جفا گویای نمی نمودند و از فضل ربانی
 و عنایت سبحانی آن نفوس مطمئنند راضیه رضیه در ثبوت و استقامت
 قصور و تقوی می گردند. هر چند صدمات وارده و بلا یای نازل بر شما بی نهایت
 عظیم و شدید بود ولی چون در سبیل محبوب یکتا و مقصود بهیما واقع سزاوار حمد
 و شکرانه است. هر حادثه و واقعه ای در عالم وجود مرتبط و متعلق بنشأ و
 سببی است. جمیع مظاہر الهی در آیام خود متبلا بصدقات و بلا یای گوناگون
 بودند و تمام نفوس متهدتیه رحمانیه گرفتار شدند و مصائب تنوع شدند. ملاحظه
 در اساس این ظهور عظیم نمایند: شجره مبارکه در بحبوه طوفان و گردباد بلا یای شود و ما
 نمود و اکنون سایه بر آفاق انداخته و سراج منیر امر ربانی در شدت زوابع

و عواصف زریاروشن و افروخته شد و همین روشنی بخش جهان و جهانیان
 گردیده . البته نفوس مؤمنه موقظه بابته را سخته نیز نظر بان مبده و اساس
 معوض شداند و بلایا واقع شوند پس باید شکرانه نمایند که بقطره ای از آن بجز
 مصائب وارده بر جواهر قدسیه فائز و مرزوق شدید و این موهبت عظمی در
 بسیل محبت طلعت اعلی و بندگی و عبودیت جمال اقدس اسی دروستی و وفا
 بحضرت عبدالبهاء منقحر و سرافراز گشتید .

بهنگام شرف و زیارت با عتاب مظهره مقدسه نورانیه با کمال تضرع و
 استمال رجا و استدعای تأیید و توفیق و عون و حمایت برای آن
 یاران و امان و رحمن مینماییم و امیدواریم که روز بروز بر جلالیت و انجذاب
 و اشتغال و اتحاد و محبت بنمایید .

این مظلومه و اهل سرادق عنفت و عصمت و حضرت حرم مبارک
 دورقات سدره رحمانیه جمیع اجزاء الله و امان و رحمن را با ذکر باریه
 منیع ذاکر و مکریم و تحیات روحانیه ملکوتیه ابلاغ میداریم .

و علیکم و علیکن البهار و الشمار . ۵ ربیع الثانی ۱۳۴۱

بصائیة

کینزان جمال مبارک و خادما ت صا دقات حضرت عبد البصاء
 نامه شمار سید و ملاحظه گردید . این مظلومه و عاقله مبارکه بنیابت مخرد
 شدیم که بچنین صدمات و بلا یائی دچار و گرفتار شدید و مورد چنین ظلم
 و عدوانی واقع گشتید ولی چون در سبب بندگی و کنیزی جمال الهی با جاالت
 ثبوت و رسوخ اتم اکمل اوفی هدف سهم و سنان جفا در ره محبوب
 یکتا شدید باید کمال شکرانه بدرگاه خداوند بیا نند بنائید که بچنین مو جب
 و عنایتی مختص گشتید . ولوله و غلغله و ضرب و طعن و شتم و سب
 و لعن در محبت رب ذوالمنن هلهله و عیش و طرب و جشن و غنیمت
 اکتفا شده شما بقطره ای از دریای بلایائی که بر طلعت اعلی و جمال الهی
 وارد شده فانز گشتید و بر شمع ای از بجور مصائب و زاریائی که بر حضرت
 عبد البهاء نازل گشته مرزوق شدید . اشراق مشرق الاذکار را خراب
 نکرده و نخواهند کرد بسبب ان خویش را بر باد دادند و مدرسه را نسوزانند
 آتش بر شیه خود زدند بنیاد مشرق الاذکار عالی و متعالی است
 و یقین است که اعظم آزار را بنا خواهید نمود . مطمئن بفضیل جمال مبارک

و عنایت و الطاف حضرت عبدالبهاء باشید .
 جمیع یاران و اماء رحمن را از قبل این فانیه و اهل سرادق عصمت
 و عصمت حضرت حرم مبارک و درقات سدره رحمانیه تحیت
 روحانیه ابلاغ دارید . و علیکم وعلیکم البهاء و التشاء
 بهائیة

۵ ربیع الثانی ۱۳۴۱

۳۷ - سنگسر هو الله تعالی

یاران و کینزان عزیز آسمی نامه مرقومه ملاحظه گردید و بدقت تمام قرئت
 شد خبر خزان بکثیر مصیبت وارده بر شما برصائب و احزان این مظلومه و محوم
 عانده مبارکه حضرت عبدالبهاء افروزدولی اگر بحقیقت نگری این بلا چون در
 بسیل عبودیت و بندگی جمال الهی و محبت و وفای بحضرت عبدالبهاء بر شما وارد
 لهذا هویت و فضل عظمی است و باید سبب سرور و جوهر و جذب و شوران مستعدگان
 گردد زیرا شرط و فاقبول هر جفا فی درجت محبوب کتبات . الحمد لله که در بحایات
 استقامت و شجرت و ایقان و اطمینان و مقاومت این طوفان عظیم نمودند
 و چون سد سدید مقابل این سیل شدید قنات و درزانت آشکار فرمودید . این
 غمزدگان در بلا یا و احزان وارده بر شما بخدم ناله و فغان شنیدیم و همراز جانسوز
 آن گروه ابرار گشتیم . اگر چه مشرق الاذکار خراب شد و آتاشیه مدرسه محترق و خسته
 بیدار شد ولی الحمد لله قلوب بنور عرفان روشن و از کفر تمیته محو و آباد است . هنگام
 دیدارت با عاقبت صغیره رحمانیه با نهایت تضرع و اتهال رجای مزید فضل و عنایت و
 دعوت حمایت در حق آن نفوس مبارکه بنماییم . جمیع یاران آسمی و امانی را نیز از قبل مخطوم و در قنات
 سدره مبارکه تحیات روحیه رحمانیه ابلاغ دارید و میگویند که اینها و شما بهایه بیخ شانی
 ۱۳۴۱

۳۸ - طران جناب حاج آقا محمد علاقه بسند
علیه بهاء الله والطفه ملاحظه نمایند

هو الله تعالی

بنده آستان جمال اهی و یار صمیمی حقیقی حضرت عبد البهاء
نامه مورخه نهم ربیع الاول ۱۳۴۱ رسید و بر تفصیل ملکی و ملکوتی
اطلاع تام حاصل گردید. فی الحقیقه نامه از هر جهت جامع و کامل بود
بکرات و مرات تجزیه شده که آنچه واقع گشته و وارد آمده نتیجه عزت
دین الله و ارتفاع کلمه الله بوده حال نیز چنین است. هر چند طوفان
و گردباد امتحان شدید و عظیم است و سفینه امرالله محاط بصدمات و
لطمات امواج است ولی ملاح الهی سکان فلک رحمانی را در قبضه
قدرت و عظمت خود گرفته و در نهایت سکون و وقار و هسیت و قدا
سیر و حرکت دهد و عاقبت با صل سلامت و مرکز عراقات کشاند
از اینجبت اطمینان تام موجود.

مژده قیام اجباء الله را بر خدست امرالله و شبت و رسوخ و توجیه
کل را بفضن محبت از و ولی امرالله در قوم غنوده بودید بی نهایت

این خبر سرور پرورد بود.

در اعقاب مقدسه نورانیه بحال تضرع و ابتهال رجا و استغای
مزید تأیید و توفیق در حق کل مسیما نمیم .
مکتوبی بحباب آقا میرزا عزت الله خبیری علیه بهاء الله نگاشته
شد در جوفاست برسانید .

از قبل این فانیه و اهل سرادق عفت و عصمت و حضرت حرم
مبارک و سایر ورقات سدره رحمانیه منتسبین خود دیاران و اماء
رحمن را با ذکر بدیعه منسیعه ذکر و مکتب شویید و علیکم البهاء و تهنات
بهائیه

۱۵ ربیع الثانی ۱۳۴۱

۳۹ - حضرات اعضاء محترم محافل مقدس روحانی و عموم اجابى الهى
 و اماه الرحمن عليهم و عليهم بھاء الله الابهى ملاحظه فرمايند
 ہوا المحبوب

بندگان آستان جمال ابهى و ياران عزيز عبدالبہاء قلم قضا چنين امضا
 فرمود کہ اين بيت اخزان ہمسوارہ ہدم مصائب و آلام بسيابان
 باشد . ہنوز غم مصيبتى متلاشى نگشته سحاب ہم و غمی جديد تر تفع شود
 و سایہ بر افق دل و جان افکند . بہرہ و نصيب اين دل شکستہ تا کون
 و درقات مقدسہ سدرہ رحمن از بد و طفوليت تا کون از ثمرہ شجرہ
 زندگانی ہمین بودہ . ہيکل مقدس مشبک نقطہ اولی روح ماسوا ، فدا
 در مقام اعلى روبروست و اجازت از نين شہداء در مقابل نظر
 زندان طران جمال قدم و اسم عظيم ارواح المقربين لعنتہ التامیہ
 فداء و نفس و سرگونی آن ذات اکرم ببدن و بلاد و اخيراً بسجن مظلم
 حکا نقش خاطر . بلایا در زايای حضرت عبدالبہاء ارواح المرسلہ الابرار
 فداء و حوادث جسيمہ و وقایع عظيمہ مدت حيات مبارکش بر لوصہ دل
 مشوت و نالہ های سحرگاہيش بر صفحہ قلب منقوش و این و چنین قواد

روحانیش در گوش هوش و بدیهی است که مصیبت عظمی صعود جمال
 کبریا، چگونه بنیان وجود را منهدم ساخت و شعله نافرانش اعضاء
 و جوارح را محترق نمود. هنوز سرشک خون از دیده با قطع نگشته در خم
 دل السیام نیافته نادری قضا بوقوع بلیه کبری و زریه دها، عروج
 حضرت عبدالهبا، صلاداد و این غمزدگان را یکباره با شش همچنان
 محترق ساخت و ظلمات اخزان سراسر محیط باین خاندان و دودمان گردید
 یاران جمال مبارک آیا منظور آن وجودات مقدسه مبارک که از
 تحمل آن آلام و مصائب چه بود و مقصود آن ارواح لطیفه نورانیه از
 قبول آن صدمات و مشقات چیست بر منصفی شهادت دید که جز
 اصلاح و پاکیزگی نوع بشر از تعارض عالم امکان و ترقی و تقدم و متصف
 نمودن بفضائل همچنان انسان مقصد و مرامی نبوده چنانچه بفضله
 و الطاف آثار آن کمالات با هر دو انوار آن مواهب در اقطار عالم لایح
 و ظاهیر. شجره امر رحمانیه یوما فیوما بر و مند و تنومند گردد و در وجه قدس
 صمد نیسه آنا فانا بر نشو و نما بنماید و سایه بر مستطلین نظر جلیش افکند
 و معلوم است که ثمرات آن شجره و بار و بر آن چیست محبت صمیمی

الف حقیقی، اخلاق ملکوتی، صفات رحمانی، مودت و مهربانی
 خضوع و خشوع و خزانگی، ظهور و بروز شدن ربانی فوکه و اثمار طیبه
 آن سدره قدس صمدانی است. مقصد آن وجودات مبارکه و هیما
 مقدسه از تحمل محن و آلام در یک قرن تمام برای اثبات این حقیقت
 و تحقق این کیفیت بوده که اخلاق انسانی عموماً و یاران غیر انسانی خصوصاً
 تعدیل گردد بقسیمکه از نفس و قدم و قیام و سکون و حرکت و سایر نشئون
 آنها نمایان گردد و مابه الامت یاز و الا فراق از مجتبین و غافلین چون
 شمس از ظل مبتین و واضح و لائح و مبرهن آید. هر چند تقویه تأثیر
 کلمه الله بهویات و کینونات اجاء الله و ثابتین بر عهد او فی منجذب
 بمغناطیس محبت الله است و در هر دیار و کشور باین اعتبار شهر و بیان
 انوار منوره لی چیزی که هست نیست تا عوارضات که منبعث از عالم
 جزئیات است تجلی مضمحل و محدود کلیات که آن سنوحات رحمانیه است
 نگردد آن جلوه اصلی حقیقی چنانکه باید و شاید چهره نگشاید و حسن حال
 نماید و آن نیست که بر نفس ثابت و راسخی بلایا و زاریای آن طبعاً
 قدسیه راه همسواره بخاطر آرد و بر مظلومیت آنان رحم کند و بر امداد

و شریعت الله و بجزون شهدای سبیل الله ترجم نماید . صلاح امر را مقصود
 بر هر صلاحی داند و عزت امر را بر هر عزتی ترجیح دهد . هر حادثه ای را
 خواه جزئی و یا کلی بحسن نیت و خلوص طوبیت متعابلی نماید و شریعت الله
 را که محض الفت و اتحاد تائیس و ایجاد شده و سید اختلاف نکند .
 حضرت عبدالبهاء میفرماید : اگر دین سبب اختلاف شود بیدینی البته
 بهتر است . باری امروزه نیز حضرت غصن ممتاز و ولی امر رب
 بی نیاز همواره مقرر صد و مستطربل آرزوی دل و جان مبارکش است
 که این حقیقت که ظهور و بروز فعالیت و مابہ الا تیار اهل کعبه از
 دیگران است از بهتیت هر فردی از یاران در عالم فعل در کمال وضوح جلوه
 نماید . معلوم است که هنگام افول شمس میثاق و زیر عهد
 محبوب آفاق ارواح لرمه الأطل فداء حضرت غصن ممتاز در خارج
 بقعه نورا تشریف داشتند و چون خبر وحشت اثر مصیبت کبری
 بسمع انورشان رسید تقسیمی متأثر و متالم و محزون گشتند که از وصف خارج
 است . با تکرر مزاج و قلبی پر حسرات دارد بقعه مبارک شدند .
 در آنوقت اهل فتور نیز در نهایت طغیان و شرور نشر منقریات سرا

و چهار اشغول بودند این حرکات نیز مزید تاثرات وجود مبارکشان
 شد لکن اجماعت فرمودند و اوقاتی چند بالانفراد در مشیت اموریه
 و ترتیب مصالح و مؤسسات روحانیه و تضرع و دعا و مناجات بدگاه
 عزیمتیه گذراندند و بجدات از الطاف آیه در مدت هجرت کسان
 بقسمی آثار ثبوت و رسوخ و استقامت و یگانگی و اتحاد و محبت و شور
 و انجذاب و الفت از یاران و اما، الرحمن در شرق و غرب و ارض
 اقدس نوراً و عموماً ظاهر و باهر شد که از یکطرف مرکز نقض و قیود و بدخواهان
 مغرور را از رخه در امر الله مایوس و مخذول و مقهور نمود و از طرف دیگر
 مراتب مذکوره و صفات ممدوحه احباب تسلی خاطر نورانی ایشان
 گردید پس باصحت تام و سرور کامل مراجعت بقیعه نوراً فرمودند و
 بانجام وظائف مقدسه خویش پرداختند و چون امور مهمه کثیره
 و مشغله و فیره تراکم بود و عرایض و ملکاتیب از افراد و جماعات نیز
 مستمر و از عدم فرصت جواب یگان یگان غیر میسر لکن از ملکاتیب
 فردی صرف نظر فرموده و بخطابات عمومی بجا فعل مقدس روحانی
 مباشرت فرمودند و تکالیف و دستورات العمل را با وضوح بیان تبیین نمودند

و کس بیارن الهی با عالمی سرور و جهانی مسرت و جور آن تکالیف است
 معنوی را تلقی نموده با اجرای آن قیام کردند و مقدمات امریه باین نحو بر دم
 رو متقدم و در هر جا رو بعلو و ارتقاء گذاشت . در آن اشنا که ورود بعضی
 مستمر در یکی دو عریضه مضامین مدل بر این بود که در بین بعضی از بیاران غیر برای
 حاصل و کدورتی موجود و سپین برخی چنانکه باید و شاید احترام و تمکین تام از
 محفل مقدس روحانی خویش نمی نمایند . معلوم است که اینگونه اخبار با صراحت
 و یا اشاره چه تیری در قلب مبارک حضرت ولی امر الله دارد و چه انعکاس
 ناموافقی افکند . لهذا کرة اخیری انحراف مزاج برای وجود مبارک رخ داد
 پس با صراحت و الحاح غایبه و التماس و ابرام اهل حرم در جا و تمنای طاعتین
 حول درناستان گذشته مسافرتی فرمودند و بسیار مفید واقع شد و صحت
 و عافیت کامل حاصل گشت و از اثر بشارت روحانیه که از اطراف و
 اکناف از محافل مقدس روحانی و سایر جماع و انجمنها حتی از افراد اجاب
 بی در پی میر رسید چنان خاطر نورانی سرور و قلب ربانی مشوف که پس از
 مراجعت از سفر تابستانی ارشادت حب و تعلق بیاران رحمانی حتی با
 افراد بیاران نجابره پرداز صند در محافل و اجتماعات دائما تمجید و ستایش

و اظهار رضایت از عموم بندگانشان جل مبارک و یاران باوفای عزیز
 عبدالبها، میفرمودند ولی متأسفانه باز در بعضی عرایض استقامت عدم روح
 در میان بدین بعضی از دوستان فرمودند و عدم احترام برخی نسبت
 بخاص روحانی تا اینکه در این اوقات از این قضیه نیز مجدداً قلب مبارک
 محزون و متأسر و مصمم بر هجرت شدند. این فایده و اهل حرم و عموم
 و رفات مبارک بقدر امکان محض از راه دفع تاثرات از نواد لطیف
 مبارک در حضور انورشان عنوان بذرات روحانیه امریه که از اطراف
 متابعاً بفضل الله و ارادوسیمین ثبوت و رسوخ و استقامت و محبت
 و جانفشانی عموم اجبار در شرق و غرب عالم معروض و اظهار داشتیم و
 التماس بر تغییر این تصمیم نمودیم مقبول نیفتاد. فرمودند:
 «قلب من حساس است همان نحو یک کدورت بعضی را از یکدیگر احساک
 میکنم و صدمه میخورم همانطور صفات و خصائل مدوخته اجبار نیز تقییر
 می نمایم بل تجدی عزیز می شرمم که در صورت الفاظ تلخ
 بعد از مصیبت کبری یگانه تسلی قلب من همما استقامت و وفا
 و محبت اجابا بحال مبارک و حضرت عبدالبها بوده قدر و منزلت

این صفات حسنه بجای خود محفوظ و نهایت امتنان و تشکر از کافه
اجاء الله و اما، الرحمن در این موضوع دارم ولی این شور و عشق و محبت
به نهائی نشینه امر را باصل مقصود نرساند و مدعای اهل کعبه را به
اهل عالم ثابت نکند. اجابا باید برای حفظ و صیانت و از دیاد عزت
دین الله بوساطه فعاله تثبیت نمایند و آن اینست که ارشدت محبت
پریش یکدیگر کنند و کدورت از همدگر را بقلب خود راه ندهند. اگر
فی مثل یکجا نگان از یاران سوال کنند که ایثار شما از سایرین چیست.
اگر در جواب گویند که در سبیل عشق و محبت بمرکز امر جان و مال فدا
و ایثار نمائیم عالم متمدن باین جواب اکتفا نماید و خواهند گفت که
محبت و فداکاری شما از برای شخص واحد امراض مزمنه عالم اجتماعی را
امروزه درمان ننماید و علاج نکند. اگر گویند که دین و آئین ما دارای
تعالیم و مبادئی است که دانیان روزگار انکار آن نتوانند جواب
شوند که مبادی و تعالیم عالیه وقتی سرایت در خلق امکان نماید و
امراض قتاله نیست اجتماعیه هنگامی شفا یابد که مدعیان و پیروان
آن خود اول بان عامل شوند و قدر و قیمت و فوائد آنرا در حیات

و معاملات یومیّه خود بکار برند و محکم نمایند. اگر چنین نباشد چنین شود
 نابدالاتی نماید. و فرمودند که انظار اهل عالم امروزه در نهایت
 دقت مراقب و توجه بایران است باید نهایت مواظبت بنمایند
 و در رفع و دفع هر کدورتی بکوشند و متابعت محافل روحانی خویش را
 واجب شمرند و همان تسمیکه انعکاس کدورت بعضی از یاران باهدگر
 بر قلبم افتاده صفا و محبت و الفت و وفاشان باید گیر و تکلیفشان
 از محافل روحانی نیز بر فوادم منکسر خواهد شد و هر وقت چنین انعکاس
 و جلوه امی احساس نمودم فوراً مراجعت بارض اقدس نموده بوظایف
 مقدسه خویش میسر دارم. این پیام را مجموع احباب ابلانغ «دارید»
 و پس از این بیانات نثره دو هفته است که از اراض اقدس حرکت
 فرموده اند.

حال امی یاران عزیز عبدالبهاء و صدای مبارک حضرت عبدالبهارا
 که می شنیدم: از حضرت شوقی افندی مواظبت نمایند تا غیباً
 کدورتی بر خاطر نور ایشان ننشیند و شجر روحانیتش بارور شود باید این
 بیان مبارک را بر سواره بخاطر آریم و آنافاتا بر تذکر و محبت و الفت

و موت و شهادت و کرامت بنفرا نسیم و خواهش در جای این
 فانیه آن است که یاران الهی همگی نمایان فرمایند و چنان با نور محبت
 بدرخشند که پرورش جبار روشن و منور سازد و قلب مبارک حضرت
 غصن تمساز از اثرات آن محبت با بهتر از آید و بزودی انشاء الله
 مراجعت فرمایند . و قبل از آنکه این فانیه چشم از این عالم بر بند
 فراق خاتمه یابد و با قلبی مسرور با یاران الهی وداع نمایم .
 سرور آیام معدوده این فانیه و حضرت حرم مبارک منوط و معلوق
 بهمت آن یاران عزیز عبدالبهاست . و علیکم البهاسه الاهی

فانیه کهباسیه

۲۱ شعبان ۱۳۴۲

۴۰ - اجبای الی و اما، الرحمن علیم بجهاء الله الاهی ملاحظه فرمایند
 الی الی سراج امرت را بدین حکمت برافروختی از ارباب مختلفه جفتش
 نما سراج از توزجاج از تو اسباب آسمان و زمین در قبضه قدرت تو
 بندگان آستان مقدس جمال الاهی و یاران عزیز حضرت عبدالمجید
 معلوم است که از بدو اشراق شمس ظهور تا هنگام انوار نیر میثاق رب
 غفور همواره سفینه امر الله معوض لطافات امواج بلا و صدمات طوفان
 محنت و ابتلا بوده و لم یزل شجره مبارکه علیا محاط با باریح شدید
 وزوابع عظیمه گشته با وجود این آن کوکب متعال در گردش سیر کمال
 و حرکت و انتقال و تراکم سحاب بغی و ضلال لازمال باشد فضل و فضائل
 جهان را روشن و پر انوار فرموده فلک نجات مامن و ملاذ اخیار و بر
 گشت و سدره رحمانیه بقوا که قدس صمدانیه فرزند شد و مذاق ربانیان
 از شهد انما رحمت الله شیرین و پر صلاوت نمود. از غنایات جمال مبارکه
 دیده ما بینا و گوشها شنوا شد و از انلطاف حضرت عبدالمجید، دلها آگاه
 و ارواح پر انستباه گردید. قلوب محرم اسرار شد و نفوس مطلع انوار
 گشت و مستمرا ابد از لاسرمد نظر وجود و احسان از انفق پنهان

متابع و لحظات و عنایت و مرحمت رب منان لایقطع است .
 پس هر دمی باید شکرانه نمایم و هر لحظه بوجد و سرور و شادمانی بخدمت گزیم
 و هر چند قصر مشید امر الله را بخوان از بر حدیث است و کلمه الله را
 بنیاد بغایت متین و زرین و اهل و فاد ثابتن بر عهد او فی تبایدات
 ملکوت اسی مانند جیل ثابت و حصین و برجست و ولاستدیم و مکن
 ولی عواصف آسمان نیز در شدت همبوب و قواصف اقتان در
 نشستی در جبه ظهور و بروز . کل باید در هر صین رجاء و ثنای حفظ و نسیا
 نمایم و طلب عون و صون و حمایت کنیم . تصریحیات و اندازات
 جمال مبارک را در توفیقات منزلت بخاطر آریم و تبویحیات و توضیحیات
 مسطوره در الواح حضرت عبد البهسا ، و بالآخر دو وصایای
 مبارکه اش متذکر گردیم . این وصایا آخرین نعمه آن در قاف گلشن
 بقا بود که بر شاخار سدره فضل و احسان تغنی فرمود و اولین بل
 اعظم ترین جلوه و اشراق آفتاب موهبت و اگر ارمی بود که از افق
 فیض و انعام تجلی نمود . این وصایا سیاح اقومی بود که برای حفظ
 گلستان ادر الله آن مظلوم بکتابت مبارک بنشاند و حصن متینی

بود که حول بسیان شریعه الله بنیاد فرمود. این وصایا گنج روانی
 بود که آن محبوب بهیمن را یگان نمود و میراث مرغوب را عدل بود که
 حضرت عبدالبهاء برای اهل کعبه باقی گذاشت. هیچ فضلی در
 عالم وجود مقابلی با این فضل مسین ننماید و هیچ گوهر رخسانی مشابهت
 با این درخشین نکند. ولی امر الله غصن ممتاز حضرت شوقی افندی
 ربانی را با اثر قلم مبارک تخصیص فرمود و مرکز مرجع من فی الابداع را
 بوجود اقدس فرع شعب از دو حین ربانیتین تخصیص داد. تکالیف عمومی
 را با توضیح بیان تبسیان فرمود و شاریح صمدانیه را با مبلغ و افصح آیات
 تشریح نمود. شجره فساد را از ریشه بر انداخت و ابواب اول اختلاف را
 بکلی مسدود ساخت. هر آن شکرانه این احسان لازم و هر کجند حدود
 شای رت نشان فرض و واجب و سزاوار چنان است که همواره آن
 وصایا را تلاوت نمایم و در آیات او تمعن کنیم و از آستان مقدس جا
 و عنای تایید و توفیق بر اجرای او امر او نمایم.
 باری چند یوم قبل مکتوبی عمومی تحریر نموده ارسال داشتم. همچنین دستخط
 مبارک مفصل حضرت ولی امر الله خطاباً لاهل البهائیه که بازگویی

مرقوم فرموده اند آن نیز ارسال شد و بسته کمال زیارت و تلاوت آن
 فائز خواهند گشت. تعمیم و انتشار آن در بین اعدا لازم و واجب است
 مقصد آنکه حال نیز از شدت تعلق روحانی و کثرت محبت رحمانی بیارایان
 الهی و ثابان بر عهد و میثاق یزدانی بنگارش این نامه پردختم و این
 بیان مبارک حضرت عبدالبهاء ارواحا لمره الأظهر فداء که در الواح
 و صایا از برائعه فضل و عطا مسطور و مرقوم خاطر دوستان را منذر
 و نظریاران را معطوف بنمایم. قوله الأصلی:

«البته هر مغرور که اراده فساد و تفریق نماید صراحتاً نمیگوید که عرض
 دارم لابد بوسائلی چند و بهانه ای چون زرد مغشوش تشبیه نماید و سبب
 تفریق جمع اهل کعبه گردد» و در لوح دیگر میفرماید که مقصد هر نفسی
 را از سیاق کلام او نفهمید صیبت و بکنه مراد او پی برید. و حال تمام
 جل اسمع الاعظم می فرماید: «لا تطمئنوا من کلمة و اردو لا تصدقوا
 کلمة قائل» و امثال این بیانات مبارکه را تعدد و تاحصی در الواح و
 صحف الهیه مرقوم و مسطور است و بدیهی است که مراد از این آیات
 بیانات ایقاع و نه تباه اهل بجا بوده و هست تا حصین امرت

محفوظ از دسائس اهل وساوس گردد و سراج و آج کل کلمه الله مصون اند
 از ریاح مختلفه اهل نفس و هوس ماند و حتماً مقتضی آنچه از قلم اعلی و انام ال
 مبارک حضرت عبدالبهاء نازل و مرقوم اجاباً و تفصیلاً در عرضة امکان
 تحقیق باید لهذا شایسته چنان است که اهل کعبه و منجبین آن طلعت
 نورا، سراپا چشم و گوش گردند و بحسب و جان و اعضا، و ارکان فطانت
 و بهوش شوند. حضرت مسیح خطاب بنومین میفرماید که چون حمامه میگوین
 و دبیج باشید و مانند شعبان بسین بدر که فطین گردید. در این امر
 خطیر تا اهل نشاید و اغماض نباید زیرا همی از نفسی تیشه است که
 بر تیشه شجره امر الله خورد و حرفی از نو هوسی شراره آیت که نجر من
 اهل کعبه افتد نغوز بالله من ذلک و وقانا الله من طیش النفس
 الامارة. غرض مرضی است که انسان را از جمیع مواهب ملکوتیه
 محروم نماید و بجاه خدا ن و خسران انگند. مقصد این است که
 هر نفسی از رفیع و شریف، عالی و دانی، عالم و عامی حتی ولو
 اگر حضرت از بواهر وجود و سوانج من فی الوجود باشد اگر چنانچه
 کلمه کبری فی تملیق بلکه ای نماید که را نکه غرض نفسانی و انانیت

و جدانی از آن استقام شود مقصدش تفریق کلمه الله و تثبیت شمل
 اهل بجهت احتراز از اینگونه نفوس فرض و واجب و عدم اعتنا
 با قوال و گفتار آنان حتم و لازم . و عده های صریح آئیه در شرف وقوع
 و تحقق است چه از بیارات و چه از اندازات و لابد بر آن است
 همچنانکه راجحه مشکبار جنت اسی در مرور و شعله نار محبت الله در سطوع
 انفاس شلجیه و همسات زهرریزه نیز در عبوق آید . پس باید در مرتب
 حفظ و صیانت امر الله فوق طاقت کوشید و تأیید و توفیق از علوت
 اعلی کمال تضرع و ابتهال طلبید و هر چند تا کنون نظر بحکمت کبری
 الواح و صایا انتشار عام نیافت بلکه فقط مودوع در محافل روحانیه
 بلدان بود ولی حال عکس از روی اصل که بخط و اثر قلم مبارک است
 برداشته و عنقریب ارسال خواهد شد تا سبب ازدیاد روح در میان
 آن جوهر شویب و طمیسان گردد و هر فردی از یاران و ثابتهین
 پیمان نخواهد زیارت و تلاوت نماید و استنساخ کند .

و علیکم البهاء الأبی . بهائیه

۳ شهر شوال ۱۳۴۲

۳۱- طهران حضرت امین الهی علیه مبارک الله الاهی ملاحظه فرمایند

هوالمحبوب

حضرت امین الهی را از این بقیه نورانی تحیات رحمانی ابلاغ میداریم .
 جذبت که از صحت و سلامتی خود و اجای الهی خبری مرقوم نهشته اند
 امید داریم که همواره در صون حفظ و حمایت ربانیه در نهایت سرور و دریا
 محفوظ و مصون باشید . این فانیه ناتوان با طوم و رقعات سدره
 رحمن هر چند مستغرق بحر خزانیم ولی با وجود این دمی از یاریاران ذکر
 دشمنی دوستان فراغت نداریم و همواره در اعجاب مقصدت مبارکه
 نورانیه نایب الزیارة از قبل کل مستقیم و نما در جای فریدت مایید و توفیق از
 برای جمع یاران الهی مینمائیم .

خبر خزن اثر صعود و عروج نفس زکیه نبشته راسته حضرت آقا سید نصر الله
 با قراف علیه هبسا ، الله الاهی مملکوت باقی تنغرافیا از طهران رسید
 دبی نهایت سبب تکدیر قلوب گردید . هر چند آن طیبور کلزار اصدیه نظیر
 متعارج الی الله و حضرت حکیم کریم و حضرت آقا میرزا حسین رنجانی
 علیم الطاف انبه و رضوانه از کفانی قفس امکان باشیان قدس رحمن

پرواز نمودند و از ظلمات جهان رستند و بحیرت انوار شتافتند ولی
 مفارقت این خادمان صادقان و بندگان آستان جمال رحمن کردت
 حیات را در عبودیت تعبیه سامیه علیا صرف نمودند البته موجب تحسیر
 و تأسف قلوب گردد. امید چنان است که کل بحین صبر و صطبار تثبیت
 جویند. از قبل فانیه و عموم عالمه مبارکه بازماندگان متصاعد الی الله
 حضرت باقواف تلیت و تعزیت ابلاغ دارید و تحیت و ثنایرسانید.
 قضیه آواره البته بسمع آن حضرت رسیده با وجود آنکه سال
 گذشته کرده اولی که وارد تبعه نوزاد شد نهایت محبت و مهربانی در حق
 او مجری گشت و کمال مواظبت و معاونت در رعایت از هر قسلی شد
 و چون باستم تسلیح مسافرت بارو پانمود و مورد عنایت و تجمید و تحسین
 حضرت ولی امر الله بود لند ایاران انگلستان در جبهه احرام را نسبت
 باو تجدد مبالغه رسانند و از هر حیث پذیرائی کردند. مقصد آن است
 که از بیع جنتی تصور در حق او نشد تا آنکه رجوع بقاهر مصر نمود و بطبع
 کتاب خود پرداخت و چنانکه از بعد معلوم شد میانه محض و اجبار بهم
 زد و فساد نمود و باطراف سرانوش که در مصر اختلاف است

و این کیفیت را لباس مخصوصی پوشاند . در آن اشیا حضرت غصن
 ممتاز و ولی امر الله بحجج و سائله تثبت فرمودند که رفع این غلظت را در
 مصر فرمایند ممکن نشد زیرا که کور با انواع و اقسام طرق نمیکنداشت که آفت
 میانه یاران و محفل روحانی را انجام حاصل شود لهذا طاقت صبر و تحمل و توانایی
 برای وجود مبارک نماند و متأثرات آسفا از لقبه مبارک که مهاجرت فرمودند
 چنانچه از دستخط منبع درجه احزان قلب انور معلوم و واضح است
 پس آواره از مصر مجدداً وارد ارض مقصود شد و نکته اینجا است که مجرد
 آمدن او سوء تفاهم از فیما بین یاران مصر برداشته شد و امور امریه
 در مجرای صحیحه جریان گرفت و معلوم گشت که محرک خلاف او بود
 از اینجا نیز مکاتیبی نوشته انتشار داد . مضامین کذب و افتراء و بهتان
 و ذکرش سبب احزان گردد . در بیروت نیز همین اقوال و حرکات را
 نمود و با طراف خبر داد که العیاذ بالله اختلاف در هر جا برپاست
 لهذا محض حفظ و صیانت امر الله تلغرافی بغداد ارسال شد مضمون
 این بیان مبارک جمال قدم جل ذکره العظم : لا تطمنوا من
 کتل وارد و لا تصدقوا کتل قائل . و چون بغداد رسید و خواست

که فتنه انگیزی نماید احباً در کمال استقامت و منانت جلوگیری از او
 نمودند و دوری و تبری جستند. مقصد آنکه هر چند اینگونه اقوال و
 اعمال بیسبب تأثیر و اثبتهی ندارد و قابل ذکر و اعتنا نبوده و نیست.
 ولی این بیوفائی در این ایام حزن و بلا سبب شد که زمام صبر از کف
 برفت و ارشادت احزان این مجرورانه تا توان را مجبور بر نگارش این
 مختصر که حقیقت واقع است نمود.

الحمد لله فرده صحت و سلامتی وجود مبارک حضرت ولی امر همه دنا
 میرسد. جمیع درقات سدره مبارکه و حضرات افغان در نهایت
 سلامت و عافیت تکبیر ابدع الهی ابلاغ میدارند.

و علیکم السجاء و التشاء

بهائیه

۲۴ سوال ۱۳۴۲

۴۳ - بهمان حضرات اعضاء محترمه محفل مقدس روحانی و سایر اجابى

الهی علیم بهاء الله الاهی ملاحظه فرمایند

هوالمحبوب

بندگان آستان جمال اقدس ابی و دوستان باوفاى حضرت عبدالهبا،
از تائیش و شنای آن یاران و ثبوت و استقامت و محبت و انجذاب
و وفای آن خادمان ملکوت الله زبان و بیان این فانیه خزینه عاجز
و قاصر است . از غنایات طلعت کبریا، و الطاف حضرت عبدالهبا

هر یک الحمد لله چون ستاره رخشانند و چون بدر نور افشان .
ذات ابی آن محبوب کیتا هر یک از بندگان خویش را در این یوم عظیم
سراجی روشن و منیر فرمود و حضرت عبدالهبا، آن مقصود بی همتا
قلب هر فردی از ثابترین بر عهد و پیمان را چون گلزار گلشن فرین بازان
و اوراد معرفت و تعین و اطمینان نمود . این مواهب موجب شکرانه
است و این فضل و احسان مستلزم حمد و شنای رب یگانه .

هر چند اوراق مملو از کذب و افتراء بهتان نفس بیوفا اریاح امتحانی بود
که بر آن ارض مرده نمود ولی اشجار مستینه مکلمه ثابته را باکی نه و بنیان زمین

و صیغه تقننه را بایستی نیت زیرا روح قویزه مبارکه حضرت عبدالبها و جود آ
 طیبه خالصه را سواره حفظ و صیانت فرماید و حمایت و حراست
 نماید و چون جبال را سخته مقاومت عطا کند الحق سزاوار چنین بود که
 مجرمی داشته و شایسته چنان که قیام فرمودید زیرا اول ناکید در الواح
 و صایا بنما حفظ و صیانت امر الله است چنانچه می فرماید :

ای اجبای آئی اعظم امور محافظه دین الله است و صیانت شریقه الهیه
 و حمایت امر الله و خدمت کلمه الله (الحمد لله که آن نفوس مقدسه مخذبه
 مشتعله ببار محبت الله موفق و مؤید بحفظ و حراست دین الله شدند
 کلمات مجوز نفس بیوفار اما حفظ فرمودید که مجرد منصب از اعراض
 نفسانیه و مقاصد شخصیه و بریط و بعضی و بهبوده است که اطفال همه
 این دور مبارک بر بطمان و بی اساسی و وساوس خفیه آن مطلع و
 آگاه چه جای رجالی که سرشت و جودشان بید فضل و الطاف جمال
 مبارک عین گشته و اشجار نفوسشان بمیاه جود و اعطاف رحمانیه
 ستایه و پرورش یافته بسته اینگونه جواهر نورانیه که مشاشان از
 نفحات قدس صمدانیه همواره معطر و باذات را آنچه گریه و لوله بر قدر

خفیف باشد از نسیم غیر شمیم گزارا احدیه فوراً امتیاز دهند و کلام غرض
 مغرور را ولو هر قدر در طی الفاظ و حروف رقیقه باشد در قالب
 دوستی و دلسوزی و خیرخواهی ریخته شود از بیان صدق و راستی خلوص
 و حق پرستی و وفا پروری تشخیص فرمایند. بر آستی نیست که چون غرض
 پیش آید ادراک و هوش بجلی زائل شود و سلطان عقل اسیر و محکوم شیطان
 نفس و هوئی گردد چنانکه مکرر تجربه شده و این بیان مبارک در الواح
 و صایا جامع معانی عظمی و سبب بیداری و انبیا است قوله الاصلی
 «د بسته هر مغرور که اراده فساد و تفریق نماید صراحتاً نمیگوید که غرض
 دارم لابد بوسانمی چند و بهانهای چون زرعشوش تشبث نماید و سبب
 تفریق جمع اهل بهب گردد» مقصد نیست که الحمد لله صراط امر
 مستقیم و بنیان شریعت الله محکم و قویم. مرجع اهل بهب امر که توجیه
 اهل و فابین کتاب الله حضرت ولی امر الله غصن ممتاز شوقی
 افندی ربانی نبض قاطع واضح بین منصوص و متین و شریعت الله
 و احکام الله و شایع امریه و تعالیم مقدسه و تکالیف عمومی کل کائنات
 فی وسط النهار واضح و آشکار. نه ریزی پنهان مانده و نه سری پنهان

شده نه جای تاویل و توجیه مانده و نه محل تردید باقی گذاشته
 وقت تبلیغ و هنگام خدمت است و زمان آسما و اتحاق
 و یگانگی و همت . از اعجاب مقدسه رحمانیه امید داریم که کل نموده
 و موفق گردیم .

بشارت صحت و سلامتی وجود مبارک حضرت ولی امر الله دانا میرسد
 در جای کلی است که شب فراق بپایان آید و زمان هجران بزودی
 منقضی شود و وجود مبارک در نهایت سرور و روحانیت بقعه مبارکه
 مراجعت فرمایند . این فانیه و جمیع درقات مبارکه اجاب
 الهی و امام الرحمن را بحجت ابدع الهی ذاکر و مکریم .

و علیکم البهار الالهی بهسائیه

۲۷ می سنه ۱۹۲۲

بواسطه حضرت امین الهی علیه بقاء الله الاهی

احبابی الهی و اما، الرحمن علیم و علیم بقاء الله الاهی ملاحظه فرمائید
هو الاهی

بندگان مستان مقدس جمال الاهی و یاران عزیز باوفای حضرت عبدالبنا
جناب امین الهی علیه بقاء الله الاهی نامه ای نگاشته و ذکر خیر
اجا و اما، الرحمن فرموده و ستایش و ثنا از ثبوت و استقامت و محبت
و مودت و همت و فداکاری کل نموده . فی الحقیقه این شخص صلیل
نیتش خالص و مقصدش خیر و آرزوئی جز خدمت و عبودیت درگاه
احدیت نداشته و ندارد . در یوم اشراق شمس الوهیت در نهایت
خضوع و رقیقت براتب محویت قائم و در دوره میساق در نهایت
شوق و اشتیاق بجانفشانی دائم و حال نیر در کمال خلوص و غیر خواهی
با وجود ضعف جسمانی و ناتوانی سالک بسیل بندگی و طالب سرور
وجود در روح در میان یاران رحمانیت . باری تقریر و تمجید ایشان
سبب تحریر این نامه گشت و این غریبه بجز احسان را ندکرو یاد
یاران و اما، الرحمن مشغول ساخت . الحمد لله از فضل الهی شایسته

بر عهد و پیمان یزدانی و منجذبین طلعت سبحانی در جمیع ثن و مراتب
و مقامات مؤید و موفق بوده و هستند .

مژده صحت و عافیت وجود مبارک غصن محبت زوولی امیر حضرت
شوقی افندی ربانی ستمرا میرسد و قرب تشریف فرمائی ایشان را
ببقعه مبارکه نورا بشارت میدهم .

هنگام تشریف و زیارت بمقامات مقدسه نورانیة رحمانیة نایب الزیارة
از قبل کمال بوده و هستیم . و علیکم و علیکم البهائم الابهی

۱۳ شهری الحجة ۱۳۴۲

بهائیه

بواسطه حضرت فروغی

مشهد حضرت آقا میرزا عزیز الله خان نخل شید سعید نیروارکی

علیه بهاء الله الاهی ملاحظه فرمایند

هوالمحبوب

بنده آستان مقدس جمال ابهی و یار عزیز با وفای حضرت عبدالبهاء
شکر ساحت قدس احدیت را که آن شجره شهادت در میدان حدیث
بناش عبودیت و محویت و جانفشانی جلوه فرمود و تمام همت بر اعداء
کلمه الله قیام نمود. جمال مبارک جل ذکره و ثناء را اراده چنان
و حضرت عبدالبهار آرزو چنین که هر منجذب ثابته ای آریات مومنت
حضرت رحمانیت گردد و هر موقن مخلصی عضو فیض بخش بسکال عالم از نی
شود. همنسأ نفسی که بتأییدات صمدانیه فائز بان منقبت گردد و خوشا
بمال شخصی که بتوفیقات ربانیه حائز بان غایت شود. الحمد لله آن منجذب
بنفحات الله در این طوفان آسمان و کجوه افستان در خط مبارکه
خراسان مافوق همت بخدمت یاران پرداختند و پیش از طاقت در
تلطیف و تسکین خاطر آن مظلومان سعی نمودند و فاضلین اقتضا نماید

و خلوص

و خلوص و صفای چنان مستلزم شمارد لذا هر چند از طبیعت و آرزوی بردگان
 الهی منبذ است محزون و آزرده خاطریم ولی از حسن الفت و وحدت و تقاضای
 یاران رحمانی نیز بی اندازه مسرور و شادانیم و از فضل حق امیدوار که این
 اضطراب بزودی تسکین یابد و این گردد و غبار فرو نشیند و یاران محفوظاً
 مصوناً مراجعت با وطن نمایند و ممکن و استقرار جویند

بشارت صحت و عافیت همگی آنور حضرت غصن ممتاز و ولی امر الله را
 مرده میدهیم و تشریف فرمائی ایشان بقیه مبارکه انشاء الله در اوقاب
 اودان خاطر جمیع دوستان را مسرور میداریم. و علیکم البهاء و التشاء
 ۵ محرم ۱۳۴۳ بهائیه

ضلع محرمه و همشیره مکرّمه را از قبل این فائیه و حضرت حرم دور قات
 مبارکه تکبیر و تحیت ابلاغ دارید.

جناب دکتور قاسمخان چند روزی در ارض اقدس حضور حضرت ولی
 امر الله مشرف بودند اکنون در اروپا تکمیل معلومات طبیه بنوعی غمخیز
 مقتضی المرام مراجعت نموده بخدمت ملک و ملکوت پردازند.

والبهاء علیکم بهائیه

۴۵ - بواسطه زائر بقعه مبارکه جناب آقای میرزا حسن نیش آبادی علیه بهائتہ الہی
 شہرود جناب آقای محمد حسین اصفہانی نجل مصاعدا علی امده آقای میرزا محمد علیہ بوہائتہ الہی
 ہوا محبوب

بندہ آستان مقدس جمال الہی و یار باد فای حضرت عبد البصاء
 الحمد لله نفس مقدس بزرگوار پدر نامدار آیام حیات را در عبودیت و
 خدمت در گاہ احدیت بسر برد و در سبیل الہی تحمل ہر گونه زنج و شفت
 و تعبی فرمود تا آنکہ از شدت علم اعدا و جور و جنای الداء ناچار ترک وطن
 نموده بپہران موطن حضرت جانان ہاجرت نمود و ما بقی آیام حیات را
 نیز بگذر و شنای الہی گذراند و تا نفس اخیر بجد و شکر عنایات ربانی مشغول
 بود و عاقبت با قلبی مطمئن و روحی مستبشر بملکوت الہی صعود فرمود
 و در بحر رحمت و مغفرت استغرق گشت این مواہب مخصوص حسین
 نفوس مبارکہ است و مختص بر جملہ من شیاء شکر خدا را کہ پسر ہر پدر
 نیز بر اثر اقدام آن روح پاک ہموارہ حرکت و سلوک میفرماید و از فیض
 جمال قدم و فضل حضرت عبد البہاء ہر دم مستفیض و بہرہ مند
 و شاد و خرم است و در ساحت قدس غصن تمنا زندگور و مکرّم از

الطاف الیه امید چنان است که اسباب مغربلر ان و راحتى جان
 و وجدان و تربیت نو نفس لان فراهم آید .
 جمیع تعلقین و یاران رحمانی را از قبل این فانیه تحت تکمیل مطلوبیه
 ابلاغ نمایند . و علیکم البهاء و التثناء ربيع الاول ۱۳۴۳
 بهسائیه

۴۶ - طهران محفل مقدس روحانی دامت تأییداته ملاحظه نمایند

امنای عزیز الهی همواره از استان مقدس جبال اسی
تمنای موفقیت عظمی در حق آن هیأت مجلده نمائیم برستی
قلب این فانیه در نهایت سرور و طمینان از اقدامات و خدمات
باهره عظیمه آن نفوس مبارکه است و یقین است که روز بروز بغنیای
الهیة این مسرت و ابتهاج ازدیاد جوید

در خصوص بیوت مبارکه در طهران معلومات و اطلاعات این فانیه را خورسته
بودید تا سفانه نظر بصغر سن در آنوقت مواقع و محلات مبارکه را

در خاطر ندارم

و علیکم البهاء و التشاء ۴ جمادی الاولی ۱۳۴۸

بجائیة

۴۷- دوران اعضای مجلده محض روحانی عظیم مبارکته الهی ملاحظه نمایند
 اجای الهی و امنای رحمانی در جمیع احوال در عقبه قدس
 رحمن طلب نمایند و توفیق در حق آن بندگان آستان مقدس می نمایم
 یکی از خانمهای محترمه انگلیسی نامش میس نیومی بدون
 Miss Naomi Brown که دوست و آشنا با شخص بزرگ
 محترمی از دوستان خصوصی حضرت ولی امرالله است عازم بایران
 است. وعده فرموده بودند که هنگام مسافرتش سفارشنامه ای در
 حق ایشان مرقوم فرمایند. حال چون خانم مذکور عازم و حضرت
 ولی امرالله در معتز تابستانی تشریف دارند لذا این خانمیه حسب الوعد
 مبارک این چند کلمه سفارشنامه را در حق مشارالیهامی نگارم و
 خواهش چنان دارم که در هر نقطه و جایی مساعدت و همراهی و احترام
 و پذیرائی از ایشان شایسته کمال روح و ریحان را در این مسافرت و ملاقات
 بادوستان حاصل نمایند. زادکم الله تائیداً و توفیقاً.

۲۹ سپتمبر ۱۹۲۹ بهائیه

۴۸ - آباوه در قات مجذبات موقنات و امان الرحمن محفل روحانی

علیین بحب الله الاهی ملاحظه نمایند

هو الاهی

ای خواهران عزیز و مجذبات جمال ذوالجلال روحی تسویجا کنن و توکلن
 در سوختن فداء نامه آنور قات تحررات اعضهای محفل روحانی که حاکی
 از مراتب شوق و اشتیاق و قیام بر خدمت امرالله و ترویج دین الله
 و اشتغال بنا بر محبت الله و اتفاق و اتحاد و یگانگی و محبت و دوستی
 و مهربانی امان الله آن ارض بایکدیگر و احراق بنا بر فراق نیر آفاق بود
 باین ستمیده روزگار و اصل و قرأت شد و پس از تلاوت بحال عجز
 و نیاز بدرگاه حق بجا زوال تضرع و استعدا نمودم که آن ورقات مؤمنان
 در جمیع شؤون و احوال تأیید و توفیق عطا فرماید از قریب مجیب
 فی الحقیقه این غسبر دگان را سروری در عالم وجود نیست مگر بشارت
 استقامت اجبای الاهی و یاران حضرت عبدالبهاء روحی مرقده الامل
 فداء و امان رحمن که بوفای قیام نموده اند و کمر همت را بر خدمت امرالله
 بسته اند و راحت و آسایش خویش را در بسیل الاهی انفاق نموده مشغول

بدبث تعالیم ربانی هستند و باجای نفوس پرداخته اند و در فکر این هستند
 که دم اظهر نقطه اولی و بلا یا و صدمات و هوس و انیری جمال امی و احران
 وارده بر سبک مقدس عبدالبهاء روحی لاجاب کفهم الغدا نتاج و ثمراتش
 الیوم بواسطه ثبوت و رسوخ و استقامت یاران الهی و اما در حالی عالم
 وجود ظاهرا هرگز در باری مکتوب شماره تقدیم غصن محبت از و ولی امر نبی
 حضرت شوقی افندی نمودم تلاوت فرمودند و بسیار اظهار مسترحت خوشنویسی
 فرموده و فرمودند الحمد لله و المنة در ظل لواء میثاق یاران و در قاتی
 مبعوث گشته اند که هر یک از این نفوس مبارکه مقدسه در میدان عرفان
 صف شکن لشکر کمال و ضلالتند و وعده های الهی در حق این نفوس تحقق
 یافته که می فرماید من قام علی نصره امری نصره یجود من الملائکه المقربین
 باری اوراق شهبات یا قوتی طاغوتی و بهاج بجاج که در طی
 بود ملاحظه شد اینها ایهیتی ندارد چه که این نفوس غافل و محروم از معرفت
 الله و اساس دین الله پس از غروب شمس حقیقت بهر وسیله تنگ
 جستند و بدسائس مستوعده اوراق شهبات باطراف فرستادند و تقریباً
 بیحد و حساب نسبت بر کر میثاق نیز آفاق العا کاردند گمان باطلشان

این بود که اهل بایانگونه فرخفات از توجه بفرع منشعب از اصل قدیم
منحرف خواهند شد و کتاب عهد جمال متمد را فراموش خواهند کرد
تصویر میکردند که هر یک از اهل بحار در بر اوراق ناریه آنها خواهند نوشت
البته شرح احوالات و افعال و اعمال مرکز نقص که بدیع الله در جزوه امی که
پس از رجوعش نگاشته و گفته که این مختصر از مفصلی است رجوع نموده اید
و اینضا شرمی که حاجی علی یزدی و اسباب نقضش و علت رجوعش را
نوشته دیده و خوانده اید. بر بر بصیری واضح و مشهود است که مرکز نقص
چون نار بغض و حسد در قلبش شعله ور شد در فکر این افتاد که رخصه امی
در حصن حصین امر الله اندازد و بسنجان رزین امر الله را این وساطت
تمیززل کند و غافل از اینکه این بنیان محکم مستین را اریاح و دروایح نفاق
و شقاق در او اثر خواهد کرد فبئس ما هم كانوا یفتنون. تا آنکه مخدول
و شکوب شدند. و همچنین بعد از آن قول بدر نیز مرکز شقاق نیز اتفاق
جولانی نمودند و در جراند و محلات فرخفاتی درج کردند و موهوماتی نوشتند
و بجدی از خطه ادب خارج شدند که موقع طعن و لعن یار و انعام گشتند
و خود را سوای عالمیان نمودند و از هر فضی محروم شدند و ما جزاء لظالمین

الآخرا

باری ازیل این ستمیده روزگار و ورقات مبارکات و اهل حرم
 جمیع اجای الہی و مخدرات مؤمنات آن ارض را تحت شتافانہ

اطلاع دارید علی الخصوص تلامذہ مدرسہ تبلیغ .

از آستان مقدس تأیید و توفیق از برای کل میطلبیم .

السلام والکبیر والہاء علیکن یا ایہا الورقات المؤمنات

فانیہ کجائیہ

علت تنظیم لغت نامه

چون از یک طرف کلیه اهل بعب از مصمم قلب شایق و آرزومندند
که دستخطهای خانم اهل بعب حضرت درقه علیا را زیارت کنند و بهره مند
شوند و از طرف دیگر احتمال می رود فهم معانی برخی از لغات دستخطها
برای بعضی از اجناسل الفهم نباشد این لغت نامه مختصر محض
ملک با این دسته از یاران روحانی تهیه و تنظیم شده و از معانی
لغات فقط بذكر معانی مناسب باید لول دستخطها اکتفا نموده
و از نوشتن کلیه معانی هر لغت خودداری شده است بنابراین
نباید تصور شود که این مختصر لغت نامه در حد خود از لحاظ ذکر کلیه
معانی هر لغت جامع میباشد - امید است برای عده ای از
خوانندگان مفید فایده باشد.

حرف الف

معنی	لغت
گوشها	أذان - جمع أذن
شرم و حیا	أزرم
اطراف	آفاق - جمع افق
دردنا - رنجها	آلام - جمع ألم
آرزوها	آمال - جمع أمل
نشانه	آیات - جمع آیه
دوری کردن - دور شدن	ابتعاد
ترا برگزید	اجتباک
زیباتر - منقهرتر	أجمل
سوزن	إحراق
اعضاء درونی بدن	أحشاء - جمع حشاء
سیاه - خوفناک	أدهم
حرفهای بهیوده	أراحیف - جمع أرحیفة

حرف الف

معنی	لغت
مرگ - رحلت - صعود	ارثحال
شکست کردن	ارتیاب
اطراف - نواحی	أرجاء - جمع رجا
رایحه معطر	أریح
تحت - مقام	أریکه
بادها	أریاح - جمع ریح
کلبها - شکوفه ها	أزهار - جمع زهر
پرده ها - پوشش ها	أستار - جمع ستر
جاه و مرتبه - مقام بلند	أسنی
غم و اندوه	أسی
رنجها - غصه ها	أشجان - جمع شجن
دست تر	أصوب
سالها	أعوام - جمع عام

حرف الف

معنی	لغت
یاران - ملک‌کنندگان	اعوان - جمع عون
کوفندگان - کنایه از مردم سلیم نفس	اغنام - جمع غنم
استیاضا	اقنانات - جمع فستان
دروغها - اقرا	انکیات - جمع انک
غروب	افول
مملکتها - اطراف	اقطار - جمع قط
عالمها	اکوان - جمع کون
بهبودی	السیام
فیزان	آماء - جمع امه
عطاکن برآنان	انصهم
سرانگشتان	انامل - جمع امله
تکبر - خودپسندی	انانیت
سرحال آمدن	انتعاش

حرف الف

معنی	لغت
ستارگان	آنجم - جمع آنجم
وعده های عذاب و خوفناک	انذارات - جمع انذار
آه و ناله	آنین
در دما - رنجها	اوجاع - جمع وجع
گلها	اوراد - جمع ورد
دعانا - ذکرهای مخصوص	اوراد - جمع ورد
خطیر - سخت - با عظمت	اوعر
آتش روشن کرد	اوقد
صاحبان عقل - عقدا	اولی الالباب
شادی - جنبش	اوتهرز
بیدار کردن	ایقظ
اشاره کردن	ایماء
	حرف ب

حرف ب

معنی	لغت
شدت - همینه	باس
درخت بلند	باسق
میوه	بار
زنان گریان	باکیات - جمع باکیه
آشکار	باهر
گسردن - نشر دادن	باش
دریاها	بحار - جمع بحر
ماه شب چهارده	بدر
تخمها نیکه برای سبز شدن زمین پراشیدن	بذور - جمع بذر
میوه - کھپلو	بر
خنده رو	بسیم
خوشا - مرحبا	بشری
ظلم - دشمنی - خیانت	بنفی

حرف ب ت

معنی	لغت
گریه کردن	بکاء
مرهم - داروی شفابخش	بمسّم
مخفف بکده	بیل
سرور - شادی	بهجت
	حرف ت
آتش گرفت	تأجبت
تاخیر انداختن	تأجیل
هلاکت	تبار
ابدی و همیشگی کردن	تخلید
اشکهایم سرازیر میشود	تذرف دموعی
حیده ها	تراویر - جمع تزویر
سهل انگاری - مسامحه	تساهل
ناگذاری - کسی را برای کاری نامزد کردن	تسمیه

حرف ت

معنی	لغت
وسوسه ها - فریب ها	تسویات - جمع تسویل
متفرق کردن	تشتیت
تاریک میشود	تنظّم
زحمت - مشقت	تعب
خرد شد - شکست	تنفّست
دهن باز کردن برای حرف زدن	تنفوه
روشن میشود	تقرّره
مریضی - کسالت	تکسر مزاج
شاگردان	تلامذه - جمع تلمیذ
خوراک کم خوردن - خوراکی را	تلمیج
دندان و کاز گرفتن	
بشاره و کنایه چیرگی گفتن	تلویح
خالص کردن - آزمودن	تتمیص

حرف ت ث

معنی	لغت
معین و معلوم کردن	تنصیف
حرف زدن	تنطق
پراکنده میشود	تنشع
نمودادن - پرورش کردن	تنمیه
	حرف ث
درخشان - صحیح - سوراخ کننده	ثاقب
زمین - خاک	ثری
اژدها	ثعبان
برفی - کنایه از اشخاص خونسرد غیر مؤمن	ثلجیه
جماعت - گروه	ثله
سوه ها	ثمرات - جمع ثمره
قیمتی - گرانبها	ثمین - ثمینة
اجرو پاداش کار خوب	ثواب

حرف ث ج

معنی	لغت
بایها	ثیاب - جمع ثوب
	حرف ج
ظالم	جابر - جابره
منکر	جاحد
بنیانکن - خراب کننده	جارف
ساعی - کوشش کننده	جاهد
کوهها	جبال - جمع جبل
درشت - بزرگ	جسیم
دور - تَرَدُک	جفاد
آشکار	جلی - جلیه
آتش سوزان	جره محرقه
بال	جناح - جمع آن اجنحه
قسمتی از شب	جَنَح

حرف ج ح

معنی	لغت
لکرها	جنود - جمع جنذ
اعضاء بدن	جوارح - جمع جارح
فراق - شدت اندوه	جوی
آشکار	بهار - جهمره
	حرف ح
نگبان - محافظ	حارس - حراس جمع است
زنان پاره پاره	حایات - جمع حایه
رشته ها - طنابها	جبال - جمع جبل
شادی - مسرت	حبوب
دیس ها	حجج - جمع حجت
محافظت نگبانی	حراست
نعمتگین	خرین - خرینه
قلعه	حصن

حرف ح خ

معنی	لغت
مکرم	حصین
رتبه پست و پائین	حنیض
حادث	حقد
حسود	حقوق
هم قسم ها	حلفاء جمع حلیف
اشخاص یا چیزهای سرخ	حمر - جمع احمر
مهربان	خان - خون
آه و ناله	حنین
اطراف	حوالی - جمع حول
کنایه از دنیا است	حیر ادنی
	حرف ح خ
نا امید	خائب
غوطه در - فروروده	خائض

حرف خ

معنی	لغت
زیانکار - گمراه	خاسر
خواری و خفت	خذلان
پاره کردن	خرق
ضرر - گمراهی	خسران
گرفتن ماه	خوف
ترو تازه - باطراوت	خض
عادت بزرگ	خطب
بزرگ - مهم	خطیر
گذن - بس برون آوردن	خلع
غزل کردن	
پشت سر	خَلْفٌ
آینده - اولاد - قائم مقام	خَلْفٌ (جمع آن
برعکس سَلَف	أَخْلَاف)

حرف خ د

معنی	لغت
دقیق شدن - غوطه خوردن	خوض
چادرها - خیمه ها	خیام - جمع خیمه
گمراهی - ناامیدی	خیت
نیکوکار	خیر
	حرف د
دفع کننده	دافع
بلائی بزرگ و سیاه	داهیه و بهاء
دود	دخان
زره	درع
درخشان	درسی
خنده ها - مکرها	دسائس - جمع دسیه
بدبو - گندیده	دزوا
هلاکت - خرابی	دمار

حرف د ذر

معنی	لغت
درخت بزرگ پرتاشه	دوم
جام لبریز	دماق
روغن	دُهْن
	حرف ذ
	ذآب - جمع ذئب گرگها
	حرف ر
پا برجا - محکم	راسخ
علم - بیدق	رایت
مردان	رجال - جمع رَجُل
پا	رِجْل - جمع آن ارجل
مصیبت و بلاهای بزرگ و شدید	رزیه
محکم	رصین
مقام و مرتبه عالی	رفرف

حرف ر ز

معنی	لغت
بندگی	رقت
قبر	زس
بو	رواح - جمع رایحه
نسبها و بوهای معطر	روحیات - جمع روضه
خوناک - بزرگ	رهیب
باغها	ریاض - جمع روضه
	حرف ز
رخشان	زاهر - زاهره
سد محکم و آهنین	زبر حدید
شیشه - جای چراغ و روشنائی	زجاج
پیشوا	زعیم
آه	زفوات - جمع زفره
دهنه - افسار - اختیار امور	زمام

حرف ز-س

معنی	لغت
گردبادها	زوابح - جمع زوبچه
تقوی - پرینزگاری	زهده
چیز بی ارزش	زهنید
شناگران	سابکین - جمع سابع
جوهر محبت	ساذج حُب
تابان - درخشان	ساطع - ساطعه
مقام عالی و بلند مرتبه	سامیه - سامی
بیدار	ساهر
هفت آسمان	سبع طباق
عادات - خویشا - طبیعت	سجایا - جمع سجیه
ابر	سحاب
درخت	سدره
محکم	سدید

حرف س

معنی	لغت
چراغ	سراج - جمع آن سُرُج
چیمه	سرادق
باطن - قلب - نیت	سرایر - جمع سریرت
سخن چینی - نمانی - دو بهمنی	سحایت
آبیاری	سحایت
تسلی - صبر	سلوة
پیر	سلیل
دختر	سليله
گوش	سمع
اب	سمند
فربه - چاق	سمین
سیاه	سوداء
تیرها	سهام - جمع سهم

حرف س ش ص

معنی	لفظ
پرچین - حصار	سیاج
	حرف ش
شومی - بدبویاری	شانت
فحش - ناسزا	شتم
مهربان - دوست	شفیق - شفیقه
نفاق - جدائی	شقاق
برادر	شقیق
خواهر	شقیقه
برق - ستاره جهنده	شهاب
ماهها - مانند شهر محرم - شهر رمضان	شهور - جمع شهر
اخلاق - عادات	شیم - جمع شیمه
	حرف ص
کتابها - نوشته ها - الواح	صحف - جمع صحیفه

حرف ص

معنی	لغت
آثار قلم اعلیٰ - لوح مبارک عهدی	صحیفه الخراء
سنگ بزرگ بسیار سخت	صخره صماء
سینه	صدر - جمع صدر
فریاد - استغاثه - مگد خواتین	صریح
شکل	صعب
کوچکها - اشخاصیکه سن قانونی نرسیده اند	صغار - جمع صغیر
صدا - ندا	صلا
سخت	صلبه
سخت	صلده
صحیح - درست	صواب
حفظ و حرارت	صون
داماد	صهر
	حرف ض

حرف ض ط

معنی	لغت
آه و ناله از شدت درد	ضمیح - ضجّه
همسر - عیال	ضمیح
باطنها - قلبها	ضمائر - جمع ضمیر
	حرف ط
طواف کننده - دور چیزی بگرد	طائف
رد کننده - طرد کننده - کسی از خود براند	طارد
پُر - لبریز - سرشار	طاقخ
شادمانی	طرب
ترومازه - شاداب	طرتی
جمال - صورت	طلعت
خوشا - مرجا	طوبی
حقیقت - اخلاق ذاتی	طویت
حمه شدید	طیش

حرف ط ط ع

معنی	لغت
پزندگان	طیور - جمع طیر
	حرف ط
پشتیان - ملک‌کنده	نہیر
	حرف ع
اشکها	عرات - جمع عبره
رایجہ پراکندن	عجوق
آستانہ - درگاہ	عتبہ
تکبر - ظلم - سخت گیری	عتو
دشمنی - تجاوز - ظلم	عدوان
گوارا - شیرین	عذب
صعود - مرگ	عروج
جمعیت	عصب
دشمن - کجوج	عنود

حرف ع غ ف

معنی	لغت
زشت - شدید	عنیف - عنیفه
بادهای تند	عواصف - جمع عاصف
چشمها - چشمه ها	عیون - جمع عین
	حرف غ
لاغر	غث
کلاغ	غراب
ابر	غمام
غم ها - غصه ها	غوم - جمع غم
بیشه ها	غیاض - جمع غیضه
باران	غیث
ابر ها	غیوم - جمع غیم
	حرف ف
قلب - وجدان	فؤاد

حرف ف ق

معنی	لغت
واقعه بزرگ - فاجعه	فادیه
نایل - واصل	فایز
سستی - کنایه انقض عمد - عمدگنی	فتور
ناگهانی - غیرمنتظره	فجأة
قسمت بالای سر	فوق
قاطع - رفع کننده اختلاف	فصل الخطاب
زیرک - باهوش	فطین
سخت - رستگاری	فلاح
کشتی	فُلک
میوه؟	فواکه - جمع فاکه
	حرف ق
آزما تحمل کرد	قاسیها
حوریهها	قاصرات

حرف ق ک

معنی	لغت
گنبد نور دیده - روشنی چشم مرکز آسیاب - چوب و میلده ای که سنگ آسیاب بدوران میگرد	قباب - جمع قبة قرّة العين قلب الرّحمی
دریا کندن زدن - خوار و ذلیل کردن	تقرّم قلع قمع
پیراهن طوفانهای شدید	قمیص قواصف - جمع قاصف حرک ک
کاسه محزون - غمگین زنان گرفته و محزونه	کاس کئیب کاسفات الوجه

حرف ک ل

معنی	لغت
بزرگان	کبار - جمع کبیر
غما	کروب - جمع کرب
گرفتن آفتاب	کوف
ستارگان	کواکب - جمع کوکب
حرف ل	
هر گوینده را تصدیق نکنید	لا تصدقوا کلّ قائل
هر شخص دارد طمینان نکند	لا تطمننوا کلّ وارد
زنان کشیده و لطمه زنده بروی خودشان	لا طهات الخدّ
درخشان	لامع
آشکار	لایح
ترک نمیکند	لایفادر
شیرد خوردنی	لبن
خیره سر - بجاقت کنند	لبجاج

حرف ل م

معنی	لغت
آبهای زیاد - وسط دریاها	بجج - جمع بجه
صدمه نا - (کشیده نا)	للمات - جمع لطمه
شعله آتش	لطن
همیشه	لم نزل
سوزش قلب از غم و غصه	لوعت
شب تاریک	لید، لیدا
	حرف م
محو و نابود کننده	ماحی
اشخاص عهد شکن و بیدین	مارقین - جمع مارق
نفع نبرودند	ما ربحوا
عاقبت	مال
دشمن دارنده	مبغض
پراکنده	مستبد

حرف م

معنی	لغت
پی در پی - پشت سر ہم	متتابع
تنزل	تنزاع
پنهان - فراری	متواری
ثبت شده	ثبوت
جلوه گاہها	مجالی - جمع مجلی
ساختگی - بی اساس	مجبول - مجبولہ
پناہ دہندہ	مجیر
مصیبت ہا	معن - جمع محنت
روی تو	مچاک
پنهان شده	مختفی
سرسبز	منخضر
تاریک - سیاہ	مدلم
شہرا	مدن - جمع مدینہ

حرف م

معنی	لغت
ندت ایام و حیات	مدی ایامک
مقصود	مرام
همراه - موافق	مرافق
آیینها	مرا یا - جمع مرات
کینگاه	مرصد
محکم	مرصوص
قبر - خوابگاه ابدی	مرقد
زایل کنند	مزیل
حکایت کننده - راز و نیاز کننده	مسام
مقامات - مرتبه ها - محل ها	مساند - جمع مسند
کب نور کنند	مستفی
زندانی	مسجون - مسجون
نوشته شده	مسطور

حرف م

معنی	لغت
تکالیف شرع	شاریح - جمع شرع
بینی - وسیله درک بود	شام
پیر	مشون
لایق تشکر و تقدیر	مشکور
محکم	مشید
چراغها	مصایح - جمع مصباح
قبر - خوابگاه - رختخواب	منصب
سوزان - شعله ور	مضطرم
شخص طرف عتاب و مواذبه	معاتب
گودال - غار	مفاک
مخلوط غیر خالص	مغشوش
دشمنان - کینه جویان	مغلین - جمع مغل
غرق شده در چیزی - مشمول	مغمور

حرف م

معنی	لغت
آهن ربا	مغناطیس
اخذ کننده	مقتبس
مجروح - زخموار	مقروح
تیره و تاریک	مکفر
کشتی ران - ناوی	ملاح
سوخگان	متهبون - جمع متهب
صاف	ملاء
خواب	منام
از	منذ
ریزنده	منجم - منجمه
خاموش	منتظی
پاره شده - مشتق شده	منفطر
بدبخت - ذلیل	منکوب

حرف م ن

معنی	لغت
طریقه - راه	منج
خراب شده	منهدم
آبی که شدت سرازیر شود	منهر
بند	منج - منجیه
نعمت - خوراکیها	موائد - جمع مائده
نخستش - عطا	موایب - جمع موایب
دردناک - رنج آور	مولم
گنواره	مهادر - جمع هدر
قلب	موجه
فرارگاه - پناهمگاه	مهرب
آب	میاہ - جمع مائ
	حرف ن
عهد و پیمان شکن	ناکش عهد

حرف ن

معنی	لغت
نمونه - مقدار	نبنده
رستگاری	نجاح
صدای گریه - شیون	نجیب
زمان	نساء - جمع نوه
شادابی - زیبایی	نصارت
شاداب - زیب	نضر
نرمی ناخنها - کنایه از ایام طفولیت است	نعومه الأظفار
صدای کلاغ	نعب
صدای کلاغ	نعبق
شیپور - صدا	نعبیر
عهد شکنی	نکث
قصد	نویا - جمع نیت
اطفال - نوجوانان	نویحی لان

حرف ن و

معنی	لغت
روز - مقابل شب	نهار
نوصه وزاری	نیاح
نورانی - ستاره	نیبه
آتشها	نیران - جمع نار
	حرف و
اشخاص مطسّلع و خبردار	واقفان - جمع واقف
رام - تسلیم شده و راضی	ودیع
پشت سر	وراء
گُل	ورد
دعا - ذکر مخصوص	ورد
مردم	وری
باش ها - تنگها - تخت ها	وسائد - جمع وساده
دخول - ورود	وفود

حرف و ه

معنی	لغت
خداوند ما را حفظ کند	وقانا الله
دوستی	ولاء
درخشان - نورانی	ولائج
	حرف ه
خراب کننده	هادم
باران شدید - بارنده تند	هاتل
وزیدن باد	هبوب
خراب کردن	هدم
آواز مرغ	هدیر
پرنده خوش آوازی است	هزار
صداهای خفیف و نهانی	همسات - جمع همسه
نغمه	هموم - جمع هم

حرف ی

معنی	لغت
شکاب میکنند	ینسون
قطع و پاره میشود	ینصرم
باز میشود - آزاد میشود	ینطلق
آسان میکند	ینیسر

دستخطهای حضرت ورقه علیا

دستخطهای شماره ۱-۲-۳-۸-۴۰-۴۳-۴۴

۴۵-۴۶-۴۷ از روی فتوکپی اصل دستخطها که به مر

حضرت ورقه علیا مهور است و بقیه دستخطها از روی خط

متصاعد الی الله جناب علی اکبر روحانی (محب السلطان)

خط نویسی شده